

۶۵
شماره اول

پریشانی و ارتباط دانشجویان



روابط پسر و دختر

بهمدون احمدی با همکاری جمعی از محققان



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

روابط دختر و پسر

نویسنده:

محمد رضا احمدی

ناشر چاپی:

دفتر نشر معارف

فهرست

فهرست	۵
روابط دختر و پسر	۱۲
مشخصات کتاب	۱۲
مقدمه	۱۲
بخش اول: روابط دختر و پسر	۱۳
ارتباط با جنس مخالف	۱۳
پرسش ۱. ترم اول هستیم و تازه با محیط دانشگاه آشنا شده‌ام. لطفاً دربارهٔ رابطهٔ دختر و پسر در دانشگاه و شرایط آن برایم توضیح دهید.	۱۳
اظهار محبت	۱۶
پرسش ۲. اگر یک دختر، پسری را دوست داشته باشد؛ چگونه محبت خود را به او تفهیم کند که برای پسر سوءتفاهم نشود؟	۱۶
اشاره	۱۶
الف. زیاده طلبی	۱۶
ب. وابستگی	۱۷
ج. احساس گناه	۱۸
ارتباط تلفنی	۱۹
پرسش ۳. با پسری دوست هستیم که به دلیل نداشتن شرایط مناسب پسر برای ازدواج، نمی‌توانیم با هم ازدواج کنیم و حدود دو سال است که تلفظ شناخت همدیگر	۲۲
پرسش ۴. آیا ممنوع بودن ارتباط دختر و پسر موجب عدم شناخت قبل از ازدواج و سرانجام جدایی نمی‌شود؟	۲۲
مخالفت خانواده	۲۳
پرسش ۵. به ازدواج با کسی سخت علاقه مندم؛ ولی خانواده‌ام مخالفت میکنند! چگونه با او ارتباط برقرار کنم و حرف دلم را به او بگویم و خانواده‌ام را اطمینان به همدیگر	۲۴
پرسش ۶. می‌خواستم بدانم از لحاظ اخلاقی، رابطه پسر و دختر چگونه باید باشد؟ چگونه یک دختر می‌تواند با همجنس خود دوست باشد؛ ولی بدوستی و دین داری	۲۵
پرسش ۷. اگر دوست شدن با یک دختری، باعث شود که او با حجاب و سنگین شود و دست از کارهای خود بردارد، آیا شرعی است که این کار را	

- از من میخواهد مدتی با او دوست باشم ۲۶
- پرسش ۸. دختری هستم ۲۴ ساله، چند وقت پیش با پسری آشنا شدم. او اهل.. است: در رشته... به تحصیل اشتغال دارد. او که سه سال از من کوچکتر است چگونه میتوانم با او دوست شوم؟ ۲۸
- پرسش ۹. مشاور عزیز سلام. امیدوارم ثانیه‌های زیبای زندگی را بلندتر از ساعت‌های زشت آن احساس کنید. دختری نوزده ساله هستم که خصوصاً در پی هوای عشق ۲۹
- پرسش ۱۰: می‌خواستم این مطلب را بنویسم، اما ترسیدم که مبادا در آینده مشکلی برایم پیش آید. از آنچه که می‌خواهم بگویم، واقعاً خودم شرده‌اشتباهم کجا بود؟ ۳۲
- پرسش ۱۱. دختری نوزده ساله و دانشجوی ترم اول کامپیوتر هستم؛ می‌خواهم کمی صادقانه با شما حرف بزنم. دلم نمی‌خواهد فکر کنید دارم از نگاه استاد ۳۴
- پرسش ۱۲. دختری ۲۶ ساله و دانشجوی سال دوم رشته زبان انگلیسی هستم. چندی قبل در کلاس کامپیوتر با نگاه‌های مداوم استادمان روبه‌رو شدم. روابط دختر و پسر ۳۶
- پرسش ۱۳. مدت‌هاست این مسئله فکرم را مشغول کرده است که با جامعه‌ای که هر روز را در آن به شب می‌رسانم، چه کنم؟ اتفاقاتی که در دایره ارتباط در تشکل‌های مذهبی ۳۸
- پرسش ۱۴. توی انجمن اسلامی، جلسات با جوی صمیمی و تقریباً دوستانه ولی محترمانه برگزار می‌شود، ولی من خیلی آدم با ظرفیتی نیستم! زودتر می‌ماندید! ۳۸
- پرسش ۱۵. مهم‌ترین ماجرای زندگی ام را برایت تعریف میکنم: اگر پسندت افتاد، امید دارم که آن را چاپ کنید و توصیه‌ها و سفارش‌های خوبی را به ما چه کنیم؟! ۴۰
- پرسش ۱۶. در هر محفل دینی که شرکت میکنیم یا از هر عالم دینی که می‌پرسیم و یا در کتاب‌ها و مقالات مذهبی می‌خوانیم؛ ارتباط بین دختر و پسر ۴۳
- صیغه عقد موقت ۴۴
- چند نکته ضروری: ۴۵
- آثار و فواید ازدواج موقت ۴۵
۱. پیشگیری از زنا ۴۵
۲. حفظ ایمان و بندگی ۴۵

۳. دفع فحشا از طریق رفع نیاز مالی متعه شوندهگان ۴۶
۴. پیشگیری و درمان انحرافات ۴۶
۵. پیشگیری از سوء استفاده جنسی ۴۶
۶. پیشگیری از شدت مجازات ۴۶
۷. حفظ احترام و امنیت بانوان و کاهش جنایت ها ۴۷
۸. عدم احساس گناه در ازدواج موقت ۴۷
۹. امکان اعمال محدودیت در روابط جنسی ۴۷
۱۰. کاهش زاد و ولد فرزندان نامشروع ۴۷
۱۱. جلوگیری از هدر رفتن فرصت ها و استعداد های جواتان ۴۸
۱۲. انتخاب زمان جدایی از سوی زن و مرد ۴۸
۱۳. عدم نیاز به مسکن دائمی ۴۸
۱۴. عدم نیاز به درآمد کلان ۴۸
۱۵. حصول آرامش روانی ۴۹
- دلایل منتقدان ازدواج موقت ۴۹
- بخش دوم: احکام روابط ۵۰
- ریبه و تلذذ ۵۰
- پرسش ۱۸. مقصود از "ریبه" و "تلذذ" در رساله های مراجع چیست؟ ۵۰
- دختر رشیده ۵۰
- پرسش ۱۹. منظور از دختر بالغ رشیده چیست؟ معمولاً در چه سنی به این حد می رسد؟ همه مراجع: دختر رشیده، به دختری میگویند که منفعت سن تمییز ۵۰
- پرسش ۲۰. سن تمییز در پسر و دختر بچه در احکام نگاه و پوشش، چه سنی است؟ ۵۰
- راه های محرمیت ۵۰
- پرسش ۲۱. به طور کلی دختر و پسر، از چند راه می توانند با یکدیگر محرم شوند؟ زن و مرد از سه راه به یکدیگر محرم می شوند: نسب (خویشاوند صیغه خواهر و برادری ۵۱

- پرسش ۲۲. آیا هیچ راه شرعی و قانونی- به جز ازدواج- وجود دارد که دو جوان روابط مشروع با هم داشته باشند؟ آیا در اسلام چیزی به نام صیغه .
- پرسش ۲۳. ما دو نفر همکار مجرد هستیم، برای آنکه روابطمان از نظر شرعی دچار مشکل نشود و به گناه کشیده نشویم؛ می توانیم بدون اجازه پ مخالفت پدر ----- ۵۱
- پرسش ۲۴. در صورتی که دختر و پسری هم کفو باشند؛ ولی پدر دختر مخالف ازدواج آنها باشد، آیا باز هم رضایت او لازم است (باید توجه داشت
- پرسش ۲۵. آیا اظهار عشق و محبت بین دختر و پسر به منظور ازدواج، گناه است؟ همه مراجع: آری، این کار حرام است.۴ ----- ۵۱
- پرسش ۲۶. تفریح و رفتن به گردش با نامزد خود- که هنوز عقد نکرده است- چه حکمی دارد؟ ----- ۵۱
- وجوب عقد موقت ----- ۵۱
- پرسش ۲۷. اگر کسی به واسطه نداشتن همسر و نبود شرایط ازدواج دائم، به گناه می افتد، آیا ازدواج موقت برای او واجب می شود؟ ----- ۵۱
- رابطه نامشروع ----- ۵۲
- پرسش ۲۸. با یک دختری (رشیده) رابطه نامشروع داشتم که موجب بی عفتی ایشان گردیده !! آیا بدون اذن پدر ایشان می توانم با او ازدواج کنم' مشروعیت ازدواج موقت ----- ۵۲
- پرسش ۲۹. آیا در قرآن مجید آیه‌ای در باره ازدواج موقت آمده است؟ ----- ۵۲
- پرسش ۳۰. نظر مراجع تقلید درباره ازدواج موقت چیست؟ ----- ۵۲
- صیغه فارسی ----- ۵۲
- پرسش ۳۱. آیا زن و مرد می توانند خودشان صیغه ازدواج را به فارسی بخوانند، یا اینکه باید وکیل بگیرند تا عربی خوانده شود؟ ----- ۵۳
- پرسش ۳۲. اگر دختر و پسری بخواهند خودشان صیغه عقد موقت بخوانند، کیفیت آن به چه شکل است؟ ----- ۵۳
- عقد موقت و زنا ----- ۵۳
- پرسش ۳۳. فرق عقد موقت با زنا در چیست؟ ----- ۵۳
- پرسش ۳۴. آیا عقد و نکاح معاطاتی نیز جایز است؟ به عنوان مثال پسر انگشتی را در دست دختر کند، به قصد اینکه همسر یکدیگر شوند، بی آنک نگاه ناخود آگاه ----- ۵۴
- پرسش ۳۵. با توجه به اینکه کلاس‌های دانشجویان دختر و پسر با هم برگزار می شود، طبعاً ناخودآگاه چشم انسان به دختران نامحرم می افتد: > گفت وگویی علمی با نامحرم ----- ۵۴
- پرسش ۳۶. آیا صحبت کردن زن با مرد نامحرم که به نیت خیر و یا برای درس باشد، اشکال دارد؟ ----- ۵۴
- پرسش ۳۷. آیا زن در هنگام صحبت کردن با مرد نامحرم، حتماً باید صدای خود را تغییر دهد و مردانه صحبت کند؟ ----- ۵۴

- چت با جنس مخالف ۵۴
- پرسش ۳۸. چت کردن با جنس مخالف و رد و بدل کردن صحبت‌های معمولی، چه حکمی دارد؟ ۵۴
- پرسشی ۳۹. حکم چت کردن با شخص راکه از جنسیت او بی اطلاعیم، بفرمایید؟ همه مراجع: اگر ترس افتادن به حرام باشد، جایز نیست. ۴- ۵۴
- نامه نگاری با نامحرم ۵۴
- پرسش ۴۰. نامه نگاری با نامحرم و طرح مسائل شهوانی از طریق ایمیل و یا چت، چه حکمی دارد؟ ۵۵
- سلام کردن به نامحرم ۵۵
- پرسش ۴۱. آیا سلام کردن مرد به زن نامحرم و زن به مرد نامحرم، جایز است؟ همه مراجع: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد، اشک شومی با نامحرم ۵۵
- پرسش ۴۲. شوخی کردن با نامحرم چه حکمی دارد؟ ۵۵
- اختلاط دانشجو یان ۵۵
- پرسش ۴۳. آیا در محیط دانشگاهی اختلاط بین پسران و دختران، اشکالی دارد؟ همه مراجع (به جز بهجت، صافی): اگر نگاه گناه آلود انجام نشود جشن مختلط ۵۵
- پرسش ۴۴. برگزاری جشن ها و مراسم در دانشگاه که در آن دختر و پسرها مختلط اند، چه حکمی دارد؟ ۵۵
- شرکت در تشکل مذهبی ۵۶
- پرسش ۴۵. در یک تشکل مذهبی فعالیت دارم که دختران و پسران در آن مختلط هستند! در بعضی مواقع احساس میکنم که ممکن است به گناه اردوی دختر و پسر ۵۶
- پرسش ۴۶. آیا دانشجویان دختر و پسر می توانند به طور مشترک، به اردوهای تفریحی و سیاحتی مسافرت کنند؟ ۵۶
- خلوت زن و مرد ۵۶
- پرسش ۴۷. آیا خلوت کردن دو نفر نامحرم در یک مکان جایز است؟ به طور مثال آیا دختر و پسری که می خواهند با یکدیگر ازدواج کنند، می تو ارتباط شغلی ۵۶
- پرسش ۴۸. آیا ارتباط صمیمی بین دختر و پسر در هنگام همکاری و یا میهمانی، اشکال دارد؟ ۵۶
- تدریس خصوصاً صی ۵۷
- پرسش ۴۹. معاشرت با دختر عمو در حد استادی و تقویت درس، چه حکمی دارد؟ همه مراجع (به جز بهجت و صافی): دخترعمو مانند سایر زنان دوست داشتن جنس مخالف ۵۷

- پرسش ۵۰. اظهار دوستی به جنس مخالف در این حدکه بگوید من تو را دوست دارم، چه حکمی دارد؟ ۵۷
- برخورد در تاکسی و بازار ۵۷
- پرسش ۵۱. گاهی در بازار، نمایشگاه و وسایل نقلیه زن و مرد به یکدیگر برخورد میکنند، در اینجا تکلیف چیست؟ ۵۷
- پرسش ۵۲. هرگاه در منطقه یا محیطی، رسم بر این باشدکه هنگام برخورد با یکدیگر مصافحه میکنند (حتی زنان با مردان) و اگر این کار را ترک ۵۷
- پرسش ۵۳. دست دادن با زن نامحرم به وسیله دستکش و مانند آن، چه حکمی دارد؟ ۵۷
- پوشش زن ۵۸
- پرسش ۵۴. پوشش بدن برای زنان باید چگونه باشد؟ ۵۸
- پرسش ۵۵. پوشیدن لباس‌های تنگ و تحریک کننده-که برجستگی‌های بدن زن در آن پیدا است- چه حکمی دارد؟ ۵۸
- عطر زن ۵۸
- پرسش ۵۶. آیا برای زن جایز است که عطر بزند و از منزل بیرون رود؟ همه مراجع: اگر باعث جلب توجه نامحرم شود، جایز نیست. ۳- ۵۸
- آرایش دختران ۵۸
- پرسش ۵۷. آرایش برای دختران چه حکمی دارد؟ ۵۸
- رنگ ابر و ۵۹
- پرسش ۵۸. آیا رنگ کردن ابرو زینت بوده و پوشاندن آن از نامحرم واجب است؟ آیات عظام امام، خامنه‌ای، فاضل، وحید: اگر زینت محسوب شود ۵۹
- اجازه پدر ۵۹
- پرسش ۵۹. آیا در ازدواج با دختر باکره، اجازه پدر یا جد پدری واجب است و اگر بدون اجازه عقد بخوانند، عقدشان باطل است؟ ۵۹
- دختر غیر باکره ۵۹
- پرسش ۶۰. اگر دختر بکارتش را در دوران کودکی از دست داده باشد (البته نه از راه نامشروع؛ بلکه مثلاً با بازی و ورزش)، آیا در ازدواج با او، اجازت ۵۹
- دختر مستقل ۵۹
- پرسش ۶۱. آیا دختری که درآمدی دارد و مستقل است، می‌تواند بدون اجازه پدرش ازدواج کند؟ ۵۹
- پرسش ۶۲. دختری که بیش از سی سال دارد و هنوز باکره (دوشیزه) باقی مانده است: آیا برای ازدواج نیاز به اجازه پدر است؟ ۵۹
- پرسش ۶۳. اگر دختر بگوید: پدر و مادرم رضایت قلبی به ازدواج دارند؛ آیا می‌توانم - بدون اذن پدر- با وی ازدواج کرد؟ ۶۰
- اجازه پسر ۶۰
- پرسش ۶۴. آیا در ازدواج پسر، نیاز به اجازه پدر است؟ ۶۰

- پرسش ۶۵. آیا صیغه عقد، در صورتی که بعداً رضایت پدر جلب شود، درست است و آن! دختر محرم و همسر شرعی آن پسر محسوب می شود؟
- نگاه خواستگاری ۶۰
- پرسش ۶۶. مرد تا چه اندازه می تواند به بدن زن، هنگام خواستگاری نگاه کند (البته با رعایت شرایط خاص خود)؟ ۶۰
- پرسش ۶۷. استاد ما بد حجاب است و حجاب شرعی را رعایت نمی کند و در هنگام نوشتن مطالب روی تخته سیاه، دست و موهای سر او، بیش از
- پرسش ۶۸. با وضعی که زنان بیرون می آیند و ما نیز مجبوریم به کوچه و خیابان برویم و چشم مان به آنان می افتد، تکلیف چیست؟ ۶۱
- نگاه به زیبایی ها ۶۱
- پرسش ۶۹. اگر انسان همان طور که از دیدن باغ و گلستان لذت می برد، از نگاه کردن به چهره زن لذت ببرد؛ آیا این کار حرام است و مصداق قص
- عکس و فیلم آموزشی ۶۱
- پرسش ۷۰. نگاه کردن به عکس های عریان موجود در کتاب های پزشکی که آموزش آن برای دانشجویان ضروری است، چه حکمی دارد؟ ۶۱
- عکس و فیلم مبتذل ۶۱
- پرسش ۷۱. نگاه به فیلم های مبتذل که بیشتر زنان غیر مسلمان در آن بازی میکنند - در صورتی که موجب تحریک انسان نشود- چه حکمی دارد
- فیلم های صدا و سیما ۶۲
- پرسش ۷۲. نگاه به فیلم های ایرانی و خارجی که در آنها حجاب رعایت نمی شود و از صدا و سیما پخش می شوند، چه حکمی دارد؟ ۶۲
- فیلم تحریک زناشویی ۶۲
- پرسش ۷۳. آیا زن و شوهر برای تحریک جنسی، می توانند به فیلم های سکس و مبتذل نگاه کنند؟ ۶۲
- ارضای شهوت با فیلم ۶۲
- پرسش ۷۴. اگر با مشاهده فیلم های شهوت انگیز، مقداری از شهوت انسان فروکش کند و در جلوگیری از ارتکاب حرام موثر باشد، چه حکمی دار

احمدی، محمد رضا، ۱۳۹۲- روابط دختر و پسر / محمدرضا احمدی (با همکاری جمعی از محققان)؛ تنظیم و نظارت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، معاونت آموزش و تبلیغ- اداره مشاوره و پاسخ- قم: دفتر نشر معارف، ۱۳۸۶. ۱۵۲ ص (مجموعه پرسش های دانشجویی؛ ۲۵: تربیتی و روانشناسی؛ ۱) فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا ۱۵۰۰۰ ریال ۳-۰۸۷-۵۳۱-۹۶۴-۹۷۸: ISBN کتابنامه: ص ۵۱ (۱-۱۵۲)؛ همچنین به صورت زیر نویس ۰۱ اسلام- پرسش ها و پاسخ ها. ۲. جوانان و اسلام. ۳. جوانان- جنبه های اخلاقی- پرسش ها و پاسخ ها. الف نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها. معاونت آموزش و تبلیغ، اداره مشاوره و پاسخ. ب. عنوان ۹ ر ۱۳ الف. BP ۰۷۶/۲۷۹ ۱۳۸۹ پرسش ها و پاسخ ها: دفتر بیست و پنجم- روابط دختر و پسر تنظیم و نظارت نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه ها معاونت آموزش و تبلیغ- اداره مشاوره و پاسخ محمدرضا احمدی (با همکاری جمعی از محققان) رحیم کارگر طالب بخشایش دفتر نشر معارف هشتم، زمستان ۸۸ ۱۰/۰۰/۰۰ نسخه ۱۵۰۰ تومان یه حقوق برای ناشر محفوظ است مراکز پخش: ۱- قم: معاونت آموزش و تبلیغ نهاد، تلفن ۰۴۴۴۰ ۲۹۰ ۳. قم: خیابان شهدا، کوچه ۳۲، پلاک ۳، تلفن و نامبر ۷۷۴۲۷۵۷ ۴. فرشکا. شماره ۱ قم: خ صفا نیه، روبه روی دفتر رهبری، تلفن ۱ ۷۷۳۵۴۵ نامبر ۷۷۴۲۷۵۷ ۵. فروشگاه شماره ۲ تهران: خ انقلاب، چهار راه کالج، ب ۱ ۷۹، تلفن ۱ ۱ ۲ ۱ ۲ ۸۸۹ ۱ ۱ ۲ ۸۸۹ ۹۳۸۶ ۸۸۸۰ نشانی اینترنت: www.nashremaaref.ir - یست الکترونیک info@porseman.org

مقدمه

”پرسش گری“ از آغاز آفرینش انسان، رخ نمایی کرده، بر بال سبز خود، فرشتگان را فرا نشانده، بر برگ زرد خود، شیطان را فرو نشانده و در این میان، مقام آدمیت را نشان داده است. آفتاب کوفه چه زیبا فرموده است: ”مَنْ أَحْسَنَ السَّوَالِ عِلْمٌ“ و ”مَنْ عَلِمَ أَحْسَنَ السَّوَالِ“. هم سؤال از علم خیزد هم جواب همچنان که خار و گل از خاک و آب آری، هر که سوال هایش آسمانی است، دانش و بینش، پاسخش خواهد بود. پویایی و پایایی ”جامعه“ و ”فرهنگ“، در گرو پرسش های حقیقت طلبانه و پاسخ های خردورزانه است. از افتخارات ایران اسلامی، آن است که از سویی، سرشار از جوانانی پاک دل، کمال خواه و پرسشگر می باشد و از دیگر سوی، از مکتبی غنی برخوردار است که معارف بلند آن، گوارا نوش دل های عطشناک پرسشگر و دانش جوست. اداره مشاوره و پاسخ معاونت آموزش، تبلیغ نهاد، محفل انسی فراهم آورده است، تا ”بر رحمت“ پرسشها را به ”زمین اجابت“ پذیرا باشد و نهال سبز دانش را بارور سازد. ما اگر بتوانیم سنگ صبور جوانان اندیشمند و بالنده ایران پرگهرمان باشیم، به خود خواهیم بالید. شایان ذکر است که در راستای ترویج فرهنگ دینی، اداره مشاوره و پاسخ نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، با همکاری گروه های علمی، بیش از ۷۰ هزار پرسش دانشجویی را در موضوعات مختلف اندیشه دینی، مشاوره، احکام و... پاسخ داده است. این اداره، دارای هشت گروه علمی و تخصصی، به شرح زیر است: ۱. گروه قرآن و حدیث؛ ۲. گروه احکام؛ ۳. گروه فلسفه، کلام و دین پژوهی؛ ۴. گروه اخلاق و عرفان؛ ۵. گروه تربیتی و روان شناسی؛ ۶. گروه اندیشه سیاسی؛ ۷. گروه فرهنگی و اجتماعی؛ ۸. گروه تاریخ و سیره؛ آن چه پیش رو دارید، مهمترین سؤالات پیرامون روابط پسر و دختر است که توسط مسئول گروه مشاوره، جناب حجة الاسلام والمسلمین محمدرضا احمدی (زیدعزه) پاسخ دهی شده و صاحبان اندیشه و قلم حجج اسلام علی زینتی و سیدابراهیم حسینی (زیدعزه) در تهیه و پاسخ دهی بخشی از پرسش ها همیاری نموده اند و بخش احکام توسط محقق توانمند، جناب حجة الاسلام والمسلمین سیدمجتبی حسینی (زیدعزه) به رشته تحریر درآمده است. برآنیم تا با توفیق خداوند،

به تدریج ادامه این مجموعه را تقدیم شما خوبان کنیم. پیشنهادها و انتقادهای سازنده شما، راهنمای ما در ارائه شایسته و پربار مجموعه هایی از این دست خواهد بود. در پایان، از تلاش های مخلصانه مؤلفان محترم و مجموعه همکاران اداره مشاوره و پاسخ، به خصوص حجة الاسلام والمسلمین صالح قناد (زیدعزّه) که در بازخوانی و آماده سازی این اثر تلاش کرده اند، تشکر و قدردانی می شود و دوام توفیقات این عزیزان را در جهت خدمت بیشتر به مکتب اهل بیت؟ و ارتقاء فرهنگ دینی جامعه - به ویژه دانشگاهیان - از خداوند متعال مسئلت داریم. و من الله التوفیق معاونت آموزش و تبلیغی نهاد

بخش اول: روابط دختر و پسر

ارتباط با جنس مخالف

پرسش ۱. ترم اول هشتم و ناز به محیط دانشگاه آشنا شده ام. لطفاً درباره رابطه دختر و پسر در دانشگاه و شرایط آن برایم توضیح دهید.

همانگونه که خود می دانید، تاکنون در محیط تحصیلی، کمتر با جنس مخالف برخورد داشته اید. در مقاطع تحصیلی قبلی، با فضای آموزشی مختلط مواجه نبودید. زندگی آموزشی شما، فارغ از حضور جنس مخالف بود. شاید محیط دانشگاه، نخستین تجربه برخورد مستقیم شما با جنس مخالف است. بر این اساس، بایسته است با شکل این نوع ارتباط و پیامدهای مثبت و منفی و راه های کنار آمدن با این پدیده، آشنایی بیشتری پیدا کنید. نا آشنایی می تواند موجب خسران و ضرر آموزشی گردد و به جای بهره مندی علمی و آموزشی، زیان اجتماعی، اخلاقی و حیثیتی به شما تحمیل کند. همچنین بدون قصد و برنامه قبلی، شما را از هدف دور کرده، به سمت انحراف های پیش بینی نشده ببرد. بر این اساس، آگاهی از مواجهه صحیح با این پدیده و داشتن ارتباط سالم و صحیح با جنس مخالف و شناخت کافی از شرایط، آداب و مقررات این نوع ارتباط، برای شما لازم و بایسته است. از این رو، به منظور روشننگری، نکاتی بیان می شود. اما پیش از پرداختن به جزئیات، توجه به یک نکته اساسی و کلیدی در ارتباط با دیگران بایسته است. انسان، هرگز بدون ارتباط و تعامل با دیگران زندگی نکرده است و اگرچه سطح و نوع ارتباط ها متنوع بوده؛ ولی هیچ گاه قطع نشده است؛ زیرا ارتباط با هم نوع برای آدمی ضرورت دارد. نوع و کیفیت ارتباط، بر اساس اهداف و اغراض اشخاص تعیین می شود. بدین جهت این ارتباط گاهی آموزشی، اقتصادی، فرهنگی و یا اجتماعی است. هر نوع ارتباطی، شرایط خاص خود را دارد که باید رعایت گردد تا ارتباط به هدف خود برسد. یک مجموعه، دارای اصول و قواعدی است که باید در تمام ارتباطها، رعایت گردد. به عنوان نمونه هرگز ارتباطها، نباید با همدیگر همپوشی و تداخل کنند؛ یعنی، در ضمن یک ارتباط، نباید هدف گم شود. پیام مبادله شده، باید محدود و منحصر به نوع ارتباط باشد؛ مثلاً در ضمن یک ارتباط اقتصادی، نباید پیام خانوادگی مبادله شود. این تداخل، موجب ضرر به هر دو نوع ارتباط شده و ظرفین را از اهداف خود دور می سازد. همان طور که در ضمن ارتباط آموزشی، اگر حواس متوجه مطالب دیگر شود، موجب افت کیفیت آموزش می شود. به هر حال باید به اصول ارتباط های انسانی پایبند بود تا بتوان به اهداف ارتباطها دست یافت. توجه دارید که علت اصلی حضور شما در دانشگاه - همان گونه که از نام این محیط پیدا است - تحصیل دانش و علم است؛ از این رو، ارتباط اساسی و اصلی شما با تمام افراد در این محیط، «آموزشی» است و اگر ارتباط دوستی یا اقتصادی و... برقرار شود، در مسیر تکمیل آموزش و یا مقدمه ای جهت رسیدن به اهداف آموزشی است. اما هر رفتار و یا ارتباطی که شما را از این هدف دور کند، آفت زندگی دانشجویی و انحراف از مسیر آموزش تلقی می شود هر ارتباط دیگری - غیر از ارتباط آموزشی - فقط یک عامل مزاحم است و باید آنها را از مسیر زندگی دانشجویی خود حذف کنید تا بتوانید به اهداف علمی و معرفتی نایل آید. از دیدگاه تعلیم و تربیت، ارتباط با جنس مخالف، یک عامل مزاحم است و در اولین گام، سطح تمرکز شما را کاهش می دهد. کافی است یک پیام غیر آموزشی از جنس مخالف، نظر شما را به خود جلب کند؛ تا ساعت ها فکر و ذهن شما را

به خود مشغول سازد!! پس هر عمل و ارتباطی که آموزش و فعالیت تحصیلی شما را تحت تأثیر خود قرار دهد و کمیت و کیفیت دانش‌اندوزی شما را کاهش دهد، باید از زندگی دانشجویی‌تان حذف شود. تأثیر مزاحمتی ارتباط با جنس مخالف، نه قابل کتمان است و نه با مزاحمت‌های دیگر (همانند سر و صدا) قابل مقایسه است؛ یعنی، کسی نیست که بگوید ارتباط با جنس مخالف، همانند خرید لوازم التحریر، مقدمه‌ای برای تحصیل موفق است؛ زیرا بروز عامل مزاحم، برابر است با افت تحصیلی! افزون بر این، پروهش‌های صورت گرفته و تجربیات افراد مبتلا- به ارتباط با جنس مخالف، گویای افت شدید تحصیلی این گونه افراد است. موضوع ارتباط با جنس مخالف، تنها نظر اندیش‌ورزان و صاحب نظران تعلیم و تربیت را به خود جلب نکرده است؛ بلکه این مسئله از دیدگاه فقهی، جامعه‌شناختی، روان‌شناختی و... نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. اینک از دیدگاه روان‌شناختی این مسئله را مورد بررسی کوتاه قرار می‌دهیم. در هر ارتباطی پنج مولفه نقش آفرین است: ۱. پیام دهنده، ۲. پیام گیرنده، ۳. محتوای پیام، ۴. کانال، ۵. رسانه. از بین این امور، بیشترین تأثیر و نقش تعیین کننده از آن مولفه سوم (محتوای پیام) است. آنچه یک ارتباط را از دیگر ارتباط‌ها متمایز می‌سازد، محتوا و پیام است. حال سخن این است که در ارتباط دوستی با جنس مخالف، چه نوع پیامی مبادله می‌گردد که آن را «دوستی با جنس مخالف» می‌گویند؟ چرا ارتباط با استاد در کلاس درس یا ارتباط با دفتردار دانشگاه را «ارتباط دوستی» نمی‌گویند؟ آیا چیزی جز محتوا و پیام مبادله شده، می‌تواند نقش موثر و تعیین کننده‌ای داشته باشد؟ باید مشخص شود در ارتباط دوستی با جنس مخالف، محتوا و پیام مبادله شده چیست که آن را از دیگر ارتباط‌ها - همانند ارتباطات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و... - متمایز می‌سازد؟ آنچه در ارتباط با جنس مخالف مبادله می‌شود، محبت و عشق ویژه‌ای است؛ محبتی که یک همجنس از ارائه آن ناتوان است. از این رو به سراغ جنس مخالف می‌رود! پس محبت از نوع جنسیتی است و اگر پیام آرامش، سکون و... نیز مبادله می‌گردد، رنگ جنسیتی - نه جنسی - می‌پذیرد. در این نوع ارتباط، چون قواعد، شرایط و تعهدات طرفین تعریف نشده، با پیامد منقی فراوانی همراه است. برای مثال چون سطح دوستی تعریف نشده، دوستان در برابر همدیگر احساس تعهد نمی‌کنند که معمولاً - با خیانت، بی وفایی، شکست و... همراه است. گاهی اوقات به واسطه اینکه سطح دوستی و ارتباط تعریف نشده است، اندک اندک از ارتباط دوستی فراتر رفته، همسان با ارتباط خانوادگی و کارکردهایی از آن دست می‌شود و چون شرایط آن با توافق طرفین قرین نشده، به هتک حیثیت اجتماعی و چه بسا خسارت‌های جبران ناپذیر - به ویژه از طرف دختر - همراه می‌شود! هرگز کسی در ابتدا پیش بینی نمی‌کند که این دوستی، به این نقطه ختم شود؛ ولی کم کم به جایی می‌رسد که نتیجه‌ای جز پشیمانی به بار نمی‌آورد! بنابراین چون در فرهنگ دینی و عرف ایران اسلامی، این نوع ارتباط تعریف نشده است، نباید به سراغ آن برویم؛ چون هر ارتباطی که از شرایط، آداب و تعهد لازم فارغ باشد، نه تنها به هدف خود نمی‌رسد، بلکه جز خسارت نتیجه‌ای ندارد. اگر ارتباط اقتصادی با آداب، شرایط و تعهدهای بیگانه باشد، نه تنها سود نمی‌دهد؛ بلکه خسارت اقتصادی تنها نتیجه آن خواهد بود. در این نوع ارتباط هم، وضعیت به همین منوال است. در ارتباط دوستی با جنس مخالف، آنچه در معرض خسارت و ضرر (و یا بهتر بگوییم تهدید) قرار می‌گیرد، مال، سرمایه و تحصیل دانش نیست؛ بلکه آبرو و پاکی است که اگر از کف رود، هرگز جبران نمی‌شود. آیا انسان عاقل حاضر است در یک ارتباط دوستی فاقد تعهد لازم، حیثیت خود را در معرض آسیب و خطر قرار دهد! اگر این ضرر رخ داد، چه کسی آن را جبران می‌کند و آیا آبروی بر باد رفته، قابل برگشت است! چه بسیار افرادی که هرگز گمان نمی‌کردند به بی‌آبرویی و از دست دادن آبرو و... مبتلا شوند؛ ولی مبتلا شدند! بنابراین، از دیدگاه روان‌شناختی، چون ارتباط دوستی با جنس مخالف فاقد شرایط یک ارتباط سالم است و ویژگی‌های لازم در مولفه‌های آن رعایت نشده، یک ارتباط شکست خورده و مقرون به آسیب است و تا زمانی که به یک تعهد طرفینی همراه با رعایت آداب و شرایط منتهی نشود، باید از آن سخت پرهیز کرد. حال که پیامدهای ارتباط با جنس مخالف در فضای آموزشی و غیرآموزشی قابل پیش بینی نمی‌باشد و سخت مورد تردید است؛ پس شکل رفتار ما با جنس مخالف چگونه باید باشد به طور کلی در جامعه ما چند شیوه برخورد وجود دارد که یک

شیوه آن درست و شیوه‌های دیگر غلط است. برخورد مبتنی بر شناخت و احترام متقابل، مواجهه صحیح با جنس مخالف است. در این شیوه، دختران و پسران به محض دیدن یکدیگر، خود را نمی‌بازند و هیجان زده نمی‌شوند. اینان یک نگاه و یک کلام از جنس مخالف را به عشق تعبیر نمی‌کنند، آن را در ذهن خود و در رؤیاهای خویش نمی‌پرورانند؛ بلکه در برخوردها در مجامع فامیلی، تحصیلی و... بسیار باوقار و سنگین برخورد میکنند و در عین پرس‌وجو از احوال یکدیگر و پاسخگویی به پرسش‌های آنان، دچار افراط در خنده و شوخی نمی‌شوند. آنان جنس مخالف را افرادی چون پدر، مادر، برادر و خواهر خود نمی‌دانند و آدابی را که از لحاظ شرعی و اجتماعی در برخورد با دیگران لازم است، رعایت میکنند. آنان بر اثر تربیت خانوادگی، برقراری رابطه پنهان با جنس مخالف را بی‌معنا می‌دانند و درباره روحیات جنس مخالف، به حد کافی آگاهند و برای برقراری روابط نزدیک و صمیمی با جنس مخالف، برنامه دارند و آن را از طریق ازدواج و فراهم آوردن شرایط مقبول اجتماعی، به تحقق می‌رسانند. شیوه‌های نادرست ارتباط ۱. برخورد احساسی و هیجان‌زده؛ این رفتار بر اثر عدم شناخت صحیح از جنس مخالف است. آنان یک ابراز محبت ساده را نشانه عشقی عمیق می‌دانند و هیجان زده می‌شوند که معمولاً در دختران چنین واکنشی بیش از پسران به چشم می‌خورد! ۲. برخورد خشک و محدوده؛ عده‌ای از جوانان، بر اساس تربیت‌های غلط، گاهی در میان خویشان و آشنایان از افراد هم‌جنس نیز اجتناب می‌کنند و رفتاری سرد و یا خشن دارند. البته خشک نبودن، هرگز به معنای رعایت نکردن حدود شرعی نیست؛ ولی رعایت موازین شرعی هم لزوماً به معنای بد اخلاقی و سرد بودن نیست. ۳. داشتن روابط پنهانی؛ داشتن روابطی مثل نامه نگاری، تماس‌های تلفنی و مخفیانه و... عواقب روانی و اجتماعی بسیار خطرناکی در پی دارد که متأسفانه بیشترین آسیب، نصیب دختران می‌شود. ۴. افراط در معاشرت؛ بعضی از خانواده‌ها، به بهانه اجتماعی کردن فرزندان خود، سعی در ایجاد روابط افراط گونه بین پسر و دختر می‌کنند که نوعی تبعیت کورکورانه از فرهنگ غربی است! بنابراین به نظر می‌رسد شیوه صحیح در رابطه با جنس مخالف، تابع اصولی است که به بعضی از آنها اشاره میشود: ۱. برخورد با جنس مخالف، بر اصل «تکبر و رزی» استوار شده است. رفتار صمیمانه و چهره گشاده و لب خندان داشتن، برای مواجهه با هم‌جنس و محارم است؛ نه برای نامحرم و جنس مخالف. راه حفظ حریم و مصونیت و حرمت نهادن برای خود، «تکبر و رزی» است تا ناشناسان و نامحرمان، به حریم شما باریابند. ۲. نباید به بعضی از تأثیرات مثبت و اندک این ارتباط دل خوش کرد. باید بدانیم انسان‌های پشیمان، اندک اندک به خط قرمز رسیده، از آن عبور کرده‌اند! اگر شما یک قدم جلو بگذارید، باید ده قدم از ارزش‌های خود عقب نشینی کنید! جاذبه طبیعی و زیستی دختر و پسر - به ویره در سنین جوانی - زمینه انحراف در ارتباط‌های انسانی را فراهم می‌سازد. در محیط آموزشی هم نباید از آفاتی که در جاذبه‌های زیستی ریشه دارد، غفلت کنید؛ زیرا روابط انسانی از این ناحیه، بسیار آسیب پذیر بوده و به انحراف می‌گراید. بر همین اساس شارع مقدس به ما هشدار می‌دهد که هر گاه دو غیر هم‌جنس، در قالب هر ارتباطی و در مکانی خلوت و دور از دید دیگران قرار گیرند؛ شیطان آنها را به سمت روابط تهدیداً می‌کشاند و باید از آن محیط و ارتباط بگریزند. نکته دیگری که به این حساسیت می‌افزاید، تهدید مستمر و لحظه به لحظه این خطر است یعنی، در حالی که دیگر عوامل تهدید کننده، نیازمند زمان و مکان خاصی است تا آدمی را در معرض تهدید قرار دهد و در رفتار وی نفوذ کند؛ این عامل همیشه نقش تهدید کننده دارد و انسان هوشیار، نباید یک لحظه خود را از این تهدید در امان ببیند. ۳. محیط آموزشی، بدون ارتباط آموزشی نیست و طرف دوم این ارتباط، همیشه از جنس شما نیست. شاید شما در بعضی اوقات، مجبور به برقراری ارتباط با جنس مخالف شوید؛ در این صورت، نباید از محدوده پیام آموزشی تجاوز کنید و فقط به مبادله همین نوع پیام - در صورت مستقیم یا غیرمستقیم - اکتفا نمایید. برای اینکه یقین کنید مخاطب شما پیام دیگری دریافت نکرده است و پیام دیگری مبادله نکرده‌اید، به نکات زیر بسیار پایبند باشید. الف. به محض احساس دریافت پیامی غیرآموزشی، به سرعت رابطه را در همان لحظه قطع کنید. ب. در فضای آموزشی مختلط، مواظب نگاه خود باشید و به پیام‌های شفاهی و کتبی افراد مزاحم توجه نکنید و حتی اگر به داد و فریاد متوسل شدند، ناشنیده گرفته، از موقعیت دور شوید. ج.

در جمع دوستانی که به این نوع روابط دلخوش کرده اند، شرکت نکنید و از آنها کناره بگیرید. د. توجه داشته باشید هیچ انسان مبتلا به انحراف رفتار، با قصد و غرض قبلی به این وادی وارد نشده؛ بلکه دست‌های ناپیدایی او را در این گرداب مبتلا ساخته است. شما نیز از حيله این دست‌ها، خود را در امان نپندازید؛ زیرا همیشه آنها با شما و در کمین شما هستند؛ (گرچه شما از آنها غافل هستید!) به همین جهت در قرآن مجید به انسان‌های پاک و وارسته سفارش شده که از دوستگیری پنهانی خودداری کنند و این توصیه هم به دختران شده و هم به پسران...؟. «وَلَا مَتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ؛» (زنان) دوستگیران پنهانی نباشند...؟. «وَلَا مَتَّخِذِي أَخْدَانٍ؟» (مردان) زنان را در پنهانی دوست خود نگیرند». نساء(۴)، آیه ۲۵. مائده(۵)، آیه ۵.

اظهار محبت

پرسش ۲. اگر یک دختر، پسری را دوست داشته باشد؛ چگونه محبت خود را به او تفهیم کند که برای پسر سوءتفاهم نشود؟

اشاره

اظهار محبت به جنس مخالف، اغلب به یکی از دو هدف زیر انجام می‌گیرد: ۱. به منظور ایجاد روابط دوستانه و صمیمانه و استمرار آن برای مدت زمانی خاص، در جهت پاسخ به احساس نیاز روانی خود (یعنی نیاز به محبت ورزیدن و مورد محبت واقع شدن)؛ ۲. به منظور آشنایی با یکدیگر و فراهم کردن مقدمات ازدواج و بعضی انگیزه‌های دیگر. حال کدام یک از این دو صورت را می‌توان پذیرفت و بر آن مهر تأیید زد؟ شکی نیست که انسان دارای نیازهای مختلف زیستی، اجتماعی، عاطفی و شناختی است. او همانطور که نیاز به خوردن و آشامیدن دارد؛ نیازمند ارتباط و تعامل با دیگران است و سرانجام نیازمند محبت کردن و مورد محبت واقع شدن است. برخی روان‌شناسان، با انواع نیازهای مختلف انسان و سطح‌بندی آن، بر اهمیت نیازهای عاطفی در دوران نوجوانی و جوانی و لزوم تأمین آن، توسط گروه همسالان، تأکید ورزیده، معتقدند: این نیاز، یکی از نیازهای عالی انسان است و همسالان با ایجاد ارتباط مثبت عاطفی، می‌توانند به تأمین آن پردازند؛ اما آنچه در ایجاد رابطه دوستی و اظهار محبت به دیگری، از اهمیت زیادی برخوردار است، آن است که این اظهار محبت به چه کسی و تا چه محدوده‌ای انجام گیرد تا هم آن نیاز عاطفی پاسخ داده شود و هم عوارض و پیامدهای منفی نداشته باشد. به عبارت دیگر، به چه هزینه‌ای، می‌خواهیم این نیاز را تأمین و ارضا کنیم؟ همان‌طور که ما برای تأمین نیازهای زیستی خود دست به هر اقدامی نمی‌زنیم؛ بلکه می‌کوشیم طبق معیارهای صحیح، به آنچه تناسب بیشتری با وضعیت جسمانی ما دارد، عمل کنیم؛ شایسته است همین روش را در مورد نیازهای عاطفی و روانی به کار ببریم و آنچه سلامت روحی و روانی ما را تهدید می‌کند، به کناری گذاشته، از آن دوری کنیم. اظهار محبت به جنس مخالف، پیامدهای زیر را به دنبال دارد:

الف. زیاده‌طلبی

کمال‌طلبی انسان، در هر بعدی از ابعاد جسمانی و روانی، زبان‌زد همگان است. اگر فردی در پی علم و دانشی باشد و آن را ارزش مطلق بداند، هیچ‌گاه دست از کنج‌کاوی و دانش‌جویی خود، بر نمی‌دارد و چه بسا در واپسین لحظات زندگی نیز در پی کشف مجهولات خود می‌باشد. فردی که در پی کسب قدرت و سلطه بر دیگران است، اگر بر تمام کره خاکی سلطه یابد، آن را کم و اندک می‌پندارد و حکومت بر دیگر کرات را خواهان است و کسی که خواهان ثروت است، اگر گنج‌قارون و بیشتر از آن را داشته باشد، باز هم در پی مال و ثروت بیشتر است و... به طور کلی در تمام زمینه‌ها این کمال‌خواهی ظهور و بروز دارد و با اندک تأملی

در رفتار خود و دیگران، می توان این صفت را کشف و مشاهده کرد. آیه الله سبحانی گفته است: روزی در محضر آیه الله العظمی بروجردی رحمه الله نشستیم که گفتند یکی از پزشکان ترکیه، خواستار ملاقات با مرجع جهان شیعه است. آن پزشک، هدف از ملاقات خود را تقاضای مقاله ای علمی درباره علت و یا علل «تحریم شراب» از نظر فقه شیعه برای ارائه به همایشی در ترکیه عنوان کرد. نماینده همایش، دوست داشت پاسخ سوال را مستقیماً از آیه الله بروجردی بشنود: از این رو، سوال کرد: چرا اسلام نوشیدن شراب را حرام کرده است؟ آن مرجع بزرگ، در پاسخ به وی چنین اظهار داشت: «حقیقت انساؤ را عقل و قدرت اندیشه و تفکر وی تشکیل می دهد و اگر عقل نبود، ایشان با دیگر موجودات زند، چه تفاوتی داشت؟ پس در حفظ آن، باید کوشا بود و آنچه با این بعد وجودی تعارض و تنافی دارد، باید با آن به مقابله برخاست. یکی از اموری که در تضاد شدید با قوه عقل انسان است، نوشیدن شراب است. بنابراین، چون شراب عقل را از بین می برد و حقیقت انسان به عقل او است، اسلام آن را ممنوع کرده است.» آن پزشک گفت: درست است که نوشیدن زیاد شراب، باعث از بین رفتن قوه تعقل انسان است؛ ولی اگر کسی به مقدار کمی از این نوع مایعات بنوشد، نمی توان گفت چنین تأثیری را دارد: چرا اسلام آن مقدار اندک را نیز ممنوع کرده، نوشیدن آن را غیرمجاز می داند؟! آیه الله بروجردی گفت: «چون انسان کمال طلب است و هرگز به مقدار کم قناعت نمی کند، اگر مجاز شمرد. شود، بر اساس کمال خواهی اش، به تدریج بر خواسته خود می افزاید و چه بسا به جایی می رسد که خودش هم فکرش را نمی کرد! به همین جهت است که اسلام از همان ابتدا، حتی مقدار اندک را ممنوع کرد. است و به عنوان یک قانون قطعی و دقیق برای تمام افراد - چه با اراده و چه کم اراده - به اجرا گذاشته می شود. این ویژگی، (کمال طلبی) چون در دیگر ابعاد و زمینه ها جاری است، دیگر قوانین و مقررات و دستورات صادره از طرف قانون گذار هستی، نیز چه بسا بر اساس همین نکته شکل گرفته است و آنجا که ممکن است زیاد طلبی، باعث حریم شکنی شود و به تدریج در وادی هولناک و خطرات جانی و روحی قرار گیرد، با جدیت و قاطعیت آن را نهی می کند.» اظهار محبت به جنس مخالف، از همین موارد است که با یک سلام و احوال پرسی ساده و مختصر و یا به انگیزه اهداف آموزشی و غیره شروع می شود؛ ولی به تدریج نوع رابطه و گفت و گو تغییر یافته، به میزان و کمیت آن نیز افزوده می شود و تا آنجا پیش می رود که تمام انرژی عاطفی خود را می خواهد در همین گفت و گوها و ارتباط هزینه کند و هرگز به همان حداقلی که در روزهای اول داشته، اکتفا نمی کند و بر همین اساس است که از همان آغاز، باید از ایجاد ارتباط عاطفی و مبتنی بر احساسات اجتناب کرد. بنابراین، ما برای اظهار محبت به جنس مخالف - چه منشأ سوء تفاهم بشود و چه سوء تفاهمی را به دنبال نداشته باشد - دلیل موجه و قابل قبولی نمی شناسیم. در واقع، اگر هم باعث سوء تفاهم نشود، باعث سوء رفتار می شود و به تدریج افراد در گردونه ای وارد می شوند که چه بسا هیچ کدام خواستار آن نبودند! گردونه ای که گاهی رهایی از آن، مستلزم هزینه کردن تمام انرژی روانی و جسمانی فرد و قرار گرفتن در بن بست شدید است.

ب. وابستگی

با شکل گیری روابط عاطفی بین دختر و پسر و افزایش تدریجی آن، زمینه وابستگی آنها به یکدیگر و تشدید آن فراهم می شود. نیاز به محبت ورزیدن و مورد محبت واقع شدن، در دوران جوانی به اوج خود می رسد و به شکل خود کار دختر و پسر در این کانال قرار می گیرند. از این رو علاقه ابتدایی شدت یافته، کم کم دو طرف به یکدیگر وابسته می شوند. این وابستگی، در بسیاری موارد، آفت بزرگی برای تمرکز حواس می شود؛ به گونه ای که گاهی مطالعه و حضور در کلاس درس را غیرممکن می سازد و هر کدام از آنها، در تمام اوقات شبانه روز - حتی در کلاس درس - در فکر طرف مقابل است!! همچنین وابستگی مانع گزینش صحیح و دقیق برای شریک آینده زندگی می شود و از آنجا که شخص، به فردی خاص وابسته شده، تمام نیکی ها، خوبی ها، زیبایی ها و... را در فرد مورد علاقه خود می بیند و دیگر توان مشاهده عیوب احتمالی او را ندارد؛ زیرا از روی علاقه و از پشت عینک وابستگی، به

طرف مقابل نگاه می‌کند، نه با نگاهی خریدارانه، نقادانه و بررسی‌کننده تا تمام نقاط ضعف و قوت او را در ترازوی حقیقت‌بین، مورد دقت و مشاهده قرار دهد! از طرف دیگر، اگر کسی بخواهد با فردی، فقط برای مدتی دوست باشد و به او اظهار محبت کند- نه به طور درازمدت- مطمئناً پس از آن مدت، امکان جدایی از یکدیگر، از نظر روانی بسیار سخت و مشکل‌آفرین است. معمولاً در چنین مواقع بسیاری از جوانان به افسردگی‌های شدید دچار شده، از زندگی ناامید می‌شوند. آنان احساس می‌کنند نه راه پیش دارند و نه راه بازگشت؛ زیرا از طرفی می‌خواهند این ارتباط دوستانه را - که به وابستگی شدید منجر شده- ادامه دهند و از طرف دیگر باور دارند که نمی‌توانند همدیگر را به عنوان شریک زندگی خود انتخاب کنند. این امر، گاهی به خاطر ویژگی‌های شخصی‌شان است و گاهی به خاطر عوامل خانوادگی، اقتصادی و... (مثل عدم توافق خانواده‌ها و نظیر آن) است. از این رو دچار تنش شده و در یک بن‌بست سخت و شدید گرفتار می‌شوند.

ج. احساس گناه

شکی نیست که ما در «جامعه‌ای دینی» زندگی می‌کنیم و بیشتر مردم آن از آموزه‌های دینی و اخلاقی، متأثر هستند و به آنها احترام می‌گذارند. گرچه ممکن است هر فردی در سال‌های نخستین زندگی، نسبت به بعضی از دستورات دینی، اطلاع دقیقی نداشته باشد؛ ولی به طور ناخودآگاه و به تدریج، با بسیاری از هنجارهای اخلاقی و اجتماعی جامعه دینی، آشنا می‌شود. اظهار محبت و طرح رابطه دوستی با جنس مخالف، از رفتارهایی است که جامعه دینی و ارزشی، آن را نمی‌پسندد و به آن خرده می‌گیرد و با اندک دقتی در متون دینی و سخنان رهبران دینی، روشن می‌شود که ارتباط با جنس مخالف، از چهارچوب و قوانینی خاص برخوردار است. اغلب جوانانی که چنین روشی را در پیش می‌گیرند، طولی نمی‌کشند که به خود می‌آیند و به گذشته خود می‌اندیشند. رفتارهای خود را با ملاک‌ها و معیارهای اخلاقی و شرعی مقایسه کرده، آنها را محک می‌زنند و دچار پشیمانی می‌شوند! اگر نتوانند به درستی از این فضای روانی خارج شوند، احساس گناه می‌کنند و این احساس گناه، منشأ بسیاری از ناگواری‌های روحی و روانی می‌شود. گفتنی است تجدید نظر نسبت به اعمال نامعقول و غیرمشروع گذشته، پشیمانی از آنها و تصمیم بر ترک آن، امری مقبول و شایسته و بلکه لازم و ضروری است؛ ولی آنچه به عنوان یک پیامد منفی در اینجا از آن یاد می‌شود؛ آن احساس گناه شدیدی است که بر فضای فکری فرد حاکم شده، توان خروج از آن را از شخص سلب می‌کند و همراه با یأس و ناامیدی مطلق است. بدین وسیله، شخص توان حرکت به سوی اصلاح و تغییر رفتار و مسیر زندگی را از دست می‌دهد. آنچه بیان شد، بعضی از پیامدها و عوارض اظهار محبت به جنس مخالف- به منظور داشتن رابطه دوستانه و صمیمانه- است. صورت دوم (اظهار محبت به جنس مخالف، به منظور آشنایی و فراهم کردن مقدمات ازدواج) شرایط دیگری دارد. بدون تردید یکی از پیش‌نیازهای ضروری ازدواج، آشنایی دو طرف از ویژگی‌های شخصیتی، اخلاقی، خانوادگی، اقتصادی و اجتماعی یکدیگر است و هر دو با دقت و حساسیت زیاد و با استفاده از راه‌های مختلف تحقیق و بررسی، باید به اطمینان کافی دست یابند. از طریق همین آگاهی‌های واقع‌بینانه، از نقاط ضعف و قوت همدیگر اطلاع پیدا کرده و میزان تناسب و همفکری خود را درمی‌یابند. در اینصورت، چگونه و طبق چه مکانیسمی دو طرف باید به این هدف دسترسی پیدا کنند؟ آیا می‌توان با ایجاد رابطه عاطفی و اظهار محبت، به این هدف دست یافت و زمینه ارتباط دوستانه را فراهم نمود تا در این ارتباط‌ها، به روحیات و ویژگی‌های اخلاقی، خانوادگی و... همدیگر پی‌برد؟ بر اساس شواهد موجود و اطلاعات به دست آمده، معتقدیم: بیشتر ارتباط‌هایی که با همین قصد و نیت موجه و معقول شکل می‌گیرد، انگیزه دیگری - غیر از آنچه به زبان جاری می‌شود- در پی دارد (به‌خصوص اگر تقاضاکننده جنس مذکر باشد). در واقع، تقاضای آشنایی با یکدیگر قبل از ازدواج، صرفاً پوشش به ظاهر مقبولی است که فرد، بدین وسیله می‌خواهد دلیل موجه و معقولانه‌ای برای ارتباط‌های عاطفی و اظهار محبت‌های غیرمجاز قرار دهد. برخی افراد، با این ترفند و طراحی قبلی- با مخفی کردن انگیزه شیطنانی

خود- در پی به دام انداختن افراد ساده‌دل و خوش‌بین هستند تا نیازهای جنسی خود را تأمین کنند؛ در واقع این گونه افراد، آگاهانه طرف مقابل را قربانی غریزه جنسی و خودخواهی‌های شهوانی خودشان می‌کنند. شکی نیست که عده‌ای نیز ناآگاهانه، گرفتار چنین دامی می‌شوند. البته ممکن است هیچ‌کدام، قصد سوءاستفاده از سادگی و یا ناآگاهی طرف مقابل را نداشته باشند؛ ولی باید بدانند که غریزه جنسی انسان، بسیار قوی و شدید است. حیل‌های شیطانی نیز در این مورد بسیار پیچیده، مرموز و متعدد می‌باشد. در اینصورت عده‌ای با طرح انگیزه‌های معقول و موجه به طور ناآگاهانه وارد چنین صحنه خطرناکی می‌شوند؛ به گمان اینکه هدفشان مقدس و خردمندانه است و اینگونه ارتباط‌ها مشکلی ایجاد نمی‌کند و یا حداقل تا این اندازه مجاز و گاهی لازم و ضروری است. با ایجاد چنین ارتباطی و شکل‌گیری علاقه ابتدایی بین دو طرف، امکان تحقیق و بررسی واقع‌بینانه کاهش می‌یابد و شخص از نقاط ضعف طرف مقابل غفلت کرده، تحقیقاتش! در این زمینه، دچار جهت‌گیری و یا تعصب خواهد شد. همان‌طور که گفته شد، وقتی علاقه و محبت چیزی در قلب فرد جای گرفت، او را نسبت به واقعیات کور و کر می‌کند و دیگر نمی‌تواند نقاط منفی و ضعف آن را ببیند و حتی بشنود و آنچه می‌بیند و می‌شنود، در نظرش زیبا و جذاب جلوه‌گر می‌شود و حتی نقاط ضعف را نقاط قوت تلقی می‌کند. خلاصه آنکه برای چنین امر حیاتی و مهمی، باید ابتدا به تحقیق و بررسی پرداخت و سپس در صورت وجود قابلیت‌ها و صلاحیت‌ها، در فکر ایجاد علاقه بود: نه اینکه با عینک محبت و علاقه، به بررسی احوال و ویژگی‌های فرد اقدام کرد. مطمئناً آن عشق و علاقه‌ای باعث کمال و آرامش می‌شود که پس از پیمان زناشویی و تعهد به زندگی مشترک، ایجاد می‌شود؛ نه عشق و علاقه قبل از ازدواج به فردی که هنوز آگاهی و آشنایی کافی نسبت به او پیدا نشده و کاملاً سطحی و احساسی است. بنابراین، امید است با دقت هرچه تمام‌تر در رشد و بالندگی خود- در این دوره بسیار حساس و سرنوشت‌ساز- تلاش کنید تا از هرگونه کج‌روی و کج‌اندیشی خود را حفظ کرده و سنگ‌بنای زندگی آینده را بر پایه‌های درستی و راستی قرار دهید.

ارتباط تلفنی

پرسش ۳. با پسری دوست هستیم که به دلیل نداشتن شرایط مناسب پسر برای ازدواج، نمی‌توانیم با هم ازدواج کنیم و حدود دو سال است که تلفنی با هم ارتباط داریم و شدیداً نیاز جنسی داریم، باید چه کار کنیم؟ البته به طور حضوری هم هم‌دیگر را دیده‌ایم؛ ولی رابطه‌ای نداشته‌ایم. در ضمن می‌خواستم بدانم وقتی از طریق تلفن تحریک می‌شویم و رطوبتی از ما خارج می‌شود، چه حکمی دارد؟ شرمندهام از این سوال و متشکر می‌شوم اگر جوابم را واضح بدهید. در ضمن می‌دانم که فرم‌های صیغه موقت هم هست، ولی من نمی‌خواهم از این فرم‌ها استفاده کنم و از آبروریزی و یا خبردار شدن خانواده و اطرافیان می‌ترسم. خواهش می‌کنم مرا راهنمایی کنید.

از نظر شرعی ترشحات هنگام گفت‌وگوی جنسی تا وقتی که اطمینان به منی بودن آن نباشد، پاک است. البته تشخیص منی برای پسران آسان‌تر است؛ ولی برای دختران خیلی؛ کم اتفاق می‌افتد و تا وقتی اطمینان پیدا نشده، پاک است. محرمت دختر و پسر نیز بنابر نظر اکثر مراجع تقلید، بدون اجازه پدر جایز نیست. علت ضرورت اجازه پدر، اهمیت و ارجمندی آینده زندگی دختر است؛ زیرا به تجربه ثابت شده است که بیشتر پسران لذت خود را می‌برند و هنگامی که به طور جدی مسئله ازدواج مطرح می‌شود، تمام وعده‌های قبلی را فراموش می‌کنند!! بنابراین در این گونه روابط- به ویژه دختران- بسیار باید احتیاط کنند که زندگی آینده آنان، به خطر نیفتد. موارد متعددی پیش آمده که چنین دخترانی بعد که... گرفتار افسردگی شده و حتی خودکشی کرده‌اند. جهت توضیح بیشتر در این باره، بیان نکات زیر مفید و ضروری است: نیازهای عاطفی و غرایز دیگر در ایام جوانی، آدمی را به سوی «دوست داشتن و عشق ورزیدن» سوق می‌دهد. البته این یک امر طبیعی و غریزی است و کمتر می‌توان راهی برای گریز از آن پیدا کرد. آنچه در این مقوله اهمیت دارد، کنترل عقلایی بر احساسات و پرهیز از مخاطراتی است که ممکن است فرد را به گرفتاری‌های مختلف روحی و جسمی دچار سازد. قرآن به مردان سفارش می‌کند: با دخترانی که روابط دوستی مخفیانه‌ای با دیگران داشته‌اند،

ازدواج نکنند... (فَأَنكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُخْرَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ مَحْصِنَاتٍ غَيْرِ مُسَافِحَاتٍ وَلَا مَتَّحِدَاتٍ أَخْدَانٍ)؛ «(آنان را با اجازه خانواده‌هایشان به همسری خود درآورید و مهرشان را به طور پسندیده به آنان بدهید؛ (به شرط آنکه) پاکدامن باشند و زناکار و دوست‌گیران پنهانی نباشند». در آیه دیگر، مردان را به پاکدامنی سفارش کرده و از روابط پنهانی بازداشته است: (... وَلَا مَتَّحِدِي أَخْدَانٍ..) بنابر این یک فرد مسلمان- که هر روز با یاد خدا روز را آغاز می‌کند و معتقد به دستورات الهی و قرآن کریم است- هرگز این سخن الهی را زیر پا نخواهد گذاشت. اینکه قرآن یکی از شرایط ازدواج را همین قرار داده است، شاید بدین جهت باشد که هر کدام که قبل از ازدواج دارای چنین تجربیاتی بوده و با فرد یا افراد دیگری رابطه دوستی داشته است؛ مطمئناً پس از ازدواج و در روابط عاطفی و نزدیک خود با همسرش، آن تجربیات را به یاد خواهد آورد. در این صورت ویژگی‌های رفتاری، اخلاقی و شخصیتی دوست قبل از ازدواج به خاطرش آمده و به مقایسه بین همسر فعلی و دوست قبلی‌اش می‌پردازد. حتی ممکن است در بعضی موارد، به احساس شکست در این ازدواج یا برتر بودن تجربه قبلی، نتیجه‌گیری کند و این بزرگ‌ترین لطمه‌ای است که در همان اوایل ازدواج به خود وارد می‌کند!! درحالی که ازدواج باید به آرامش بینجامد و اصلاً فلسفه ازدواج هم همین رسیدن به آرامش است که قرآن نیز به آن اشاره میکند؛ ولی وقتی چنین اموری پیش می‌آید، چگونه ازدواج می‌تواند آرامش بخش باشد و زن و شوهر (زوجین) به تکمیل و رشد همدیگر بپردازند؟! این آغاز «اضطراب» است: اضطرابی که در تمام وجود و هستی آنها لانه می‌کند و به جای زندگی مشترک لذت‌بخش، تجربه احساسی و موقت گذشته را زنده می‌کند. نتیجه این هم افسوس و ناراحتی چیز دیگری نیست. علاوه بر این چنین دختران و پسرانی که به صورت نامشروع و غیرقانونی با یکدیگر ارتباط برقرار می‌کنند، بسیاری از انرژی‌های عاطفی خود را- که خداوند به عنوان سرمایه‌ای بزرگ در وجود آنها به ودیعه نهاده تا صرف همسر حقیقی خود و نیز تربیت فرزندان خود کنند- در این دوران دوست‌بازی، از دست می‌دهند و در فردای زندگی خود، احساس گناه می‌کنند. بنابراین چه خوب است در اولین فرصت و با وجود امکانات و شرایط کافی و خواستگار مناسب و شایسته، اقدام به ازدواج کنید. بدانید که ازدواج هم پاسخی به نیاز تکوینی موجود در انسان است و هم مایه رشد، کمال، تکمیل و آرامش یافتن او است. اما مشکلی که ممکن است در بین باشد، چگونگی یافتن همسر مناسب و شایسته است؟ اگر خواستگار یا خواستگاری دارید، به یکی از آنها- که از شایستگی کافی برخوردار است- پاسخ مثبت دهید. در غیر این صورت موضوع را با مراکز مشاوره ازدواج در دانشگاه یا در شهرستان محل سکونتتان، در میان بگذارید. آنان با حفظ و رعایت شأن دختر بودن، مقدمات معرفی و مراسم خواستگاری و غیره را فراهم می‌نمایند. در هر صورت تا قبل از ازدواج، شایسته است این غریزه را به طور موقت کنترل کرده و عفت و پاکی و پاکدامنی خود را همچون گذشته حفظ و حراست کنید. جهت کنترل این غریزه، توجه شما را به راهکارهای ذیل جلب می‌کنیم: ۱. پرهیز از فکر و ترسیم صحنه‌های محرک در ذهن و خیال؛ عبدالله بن سنان از امام صادق؟ نقل می‌کند: «ان عیسی قال للحواریین: ... ان موسی امرکم ان لاتزنوا و انا امرکم ان لاتحدثوا انفسکم بالزنا فضلاً عن ان تزنوا فان من حدث نفسه بالزنا کان کمن او قد فی بیت مزوق فافسد التزویق الدخان و ان لم یخرق البیت»؛ عیسی به اصحاب خود گفت: ... موسی به شما دستور داد که زنا نکنید و من به شما دستور می‌دهم که فکر زنا هم در سر نپورانید تا چه رسد به اینکه زنا کنید؛ زیرا کسی که خیال زنا کند، مانند کسی است که در خانه‌ای نقش و نگار شده، دود و آتش به پا کند. چنین کاری گرچه خانه را نمی‌سوزاند؛ ولی زینت و صفای آن را مکدر کرده و فاسد می‌کند. ۲. دوری از نگاه‌های مسموم و مناظر تحریک‌آمیز؛ قرآن کریم در دو آیه متوالی، دستور به اغماض چشم از نگاه حرام و هوس‌آلود داده است. در آیه اول می‌فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ»؛ «... به مؤمنان بگو: دیده‌هایشان- را از نامحرمان- فرو نشانند و نهانگاه‌های خود را- از وقوع در حرام- نگه دارند». در آیه بعدی می‌فرماید: «وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَنْغُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ»؛ «؟ به زنان مؤمن بگو چشم‌هایشان را فروگیرند و نهانگاه‌های خویش را محافظت کنند». جالب این است که در هر دو مورد، خداوند متعال نخست به مراقبت از نگاه محرک و عفت چشم و آنگاه به

حفاظت از عورت، فرمان داده است. رسول اکرم؟ می فرماید: «ال نظرَةُ سهم مسموم من سهام ابليس فمن تركها خوفاً من الله اعطاء الله ايماناً يجد حلاوته في قلبه»؛ «نگاه هوس آلود، تیری است مسموم از تیرهای شیطان؛ هر کس آن را به جهت خوف الهی ترک کند، خداوند ایمانی به او می بخشد که حلاوت آن را در قلب خود احساس میکند». ۳. گوش تدادن به آوازاها و موسیقی های تحریک کننده و مبتذل؛ در حدیثی آمده است: «ان رجلا سأل عن سماع الغناء فنهى عنه و تلا قول الله عز وجل: «: اِنَّ السَّمْعَ وَ الْبَصِيرَ وَ الْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنَّهُ مَسْئُولاً؟ و قال يسأل السمع عما سمع والنفود عما عفا والبصر عما ابصر»؛ «مردی از امام صادق؟ درباره شنیدن آواز محرک پرسید، حضرت از آن نهی کرده، این آیه را خواند: «به یقین گوش و چشم و دل هر یک مورد سؤال خواهند بود» و فرمود: گوش از آنچه شنیده و قلب از آنچه بدان دل بسته و چشم از آنچه دیده است، مسوول بوده و بازخواست خواهند شد» ۴ اجتناب شدید از نشست های غفلت زا و معاشرت با دوستان ناباب و گوش سپردن به سخنان تحریک آمیز از حضرت امام باقر؟ روایت شده است: «من اصغى الى ناطق فقد عبده، فان كان الناطق يؤدى عن الله عزوجل فقد عبده الله و ان كان يودى عن الشيطان فقد عبده الشيطان»؛ «هر کس به سخن گوینده ای گوش فرادهد، او را بندگی کرده است. پس اگر ناطق از خدا بگوید شنونده، خداوند را بنده شده و اگر از شیطان و سخنان شیطانی بر زبانش جاری کند، قطعاً بندگی شیطان کرده است»؛ ۵. اعتدال در خوردن؛ بی تردید پر خوری و بی نظمی در خوردن، در ذخیره سازی و انباشتن مواد تحریک زا موثر است. در حدیثی حضرت رسول؟ پس از آنکه جوانان را به ازدواج ترغیب میکند- می فرماید: «هر کس قدرت بر ازدواج ندارد، روز ه بگیرد، یقیناً روزه نیروی غریزه او را تضعیف می کند». ۶. اشتغال، ورزش و سرگرمی های مفید؛ با وجود فراغت، هم مواد غذایی در تقویت غریزه به مصرف می رسد و هم فکر و خیال مصروف چاره سازی برای پر کردن اوقات فراغت می شود و لذا در روایات بر اشتغال و کار و پرهیز از فراغت، تأکید بسیار شده است. حضرت امام صادق؟ می فرماید: «وهكذا الانسان لو خلا من الشغل لخرج من الاشر والعبث والبطر الى ما يعظم ضرره عليه و على من قرب منه...» «و همینگونه انسان اگر بیکار و فارغ باشد، به بیهودگی و سرمستی دچار می شود و بر اثر آن به مسائلی مبتلا می شود که زیان آن- هم بر خود و هم بر نزدیکان او- سنگینی خواهد کرد...». ۷. تلاوت قرآن؛ بی شک انس با قرآن، تلاوت و تدبر و در مضامین آن، خود شفای هر دردی است که به سرعت کار هر پریشانی را رو به سامان می برد و زخم های پنهان را التیام می دهد. همت ها را تا آسمان ها بالا می برد و بشر را از فرو رفتن در عالم حیوانات نجات می بخشد. امیر مومنان؟ می فرماید: «و تعلموا القرآن فانه ربيع القلوب واستشفوا بنوره فانه شفاء الصدور و احسنوا تلاوته فانه انفع القصص»؛ «قرآن را فرا بگیرید؛ زیرا قرآن بهار دلها است و از نور آن بر مرض ها و دردهای خود مرهم بگذارید؛ زیرا آن داروی شفابخش سینه ها است و آن را نیکو تلاوت کنید که به یقین سودمندترین قصه ها است». خلاصه اینکه: راه حل دین در خصوص نوع مقابله و مواجهه با غریزه جنسی، نخست ازدواج و نکاح مشروع است و در صورت عدم امکان، کنترل مثبت است؛ ولی هیچگاه نباید به بی بند و باری، افسار گسیختگی و آلودگی به گناه رضایت داد! بنابراین اگر در تماس های تلفنی و دیگر روابط اجتماعی، فرد مورد نظر شرایط مناسب برای ازدواج را دارد؛ از او بخواهید رسماً از شما خواستگاری کند و جهت فراهم شدن دیگر شرایط، خداوند به شما کمک خواهد کرد؛ زیرا او می فرماید: «کسیکه تقوا پیشه کند، راه نجات او را فراهم می کنم» از مشکلات ازدواج نهراسید؛ زیرا مشکلات نیز بخشی از زندگی است و باید برای رویارویی با آنها آماده شد: زندگی جنگ است جانا بهر جنگ آماده شو نیست هنگام تأمل بی درنگ آماده شو برای اینکه مشکلات اقتصادی به یکباره هجوم نیاورد، بهترین راه این است که جوان، فرد مناسب و سازگار با شرایط خود را انتخاب و عقد کند؛ لیکن مراسم عروسی را تا دو سه سال به تاخیر اندازد. این برنامه چند فایده دارد: ۱. شخص می تواند در حد نسبتاً محدودی به تأمین غریزه جنسی خود بپردازد. ۲. از مزایای شیرین دوران نامزدی- که دلپذیرترین دوران زندگی است- بهره مند شوند. ۳. در برخورد با مشکلات، به تدریج پختگی و توانایی لازم برای حل آنها را پیدا کند. ۴. در کنار تحصیل، کم کم بر مشکلات اقتصادی غلبه پیدا کرده و برای تشکیل خانوادۀ آماده شود. انسان- تا پیش از حل مشکل تأمین جنسی- نباید خود را

دست کم گیرد و در برابر خواهش‌های نفس احساس ناتوانی کند! غریزه جنسی - آن هم در دوران جوانی - بسیار نیرومند و شکننده است، اما قدرت اراده و ایمان جوان برتر از آن است که خود را تسلیم غریزه جنسی کند. البته مقابله با غریزه جنسی، امری دشوار، ولی شدنی است. در صورتی که در شرایط بحران قرار گرفتید و امکان ازدواج دائم نبود، به ازدواج موقت تن در دهید که رابطه مشروع باشد و از عذاب وجدان روابط نامشروع در امان باشید و پیامدهای ناهنجار اینگونه روابط به حداقل برسد.

شناخت هم‌دیگر

پرسش ۴. آیا ممنوع بودن ارتباط دختر و پسر موجب عدم شناخت قبل از ازدواج و سرانجام جدایی نمی‌شود؟

بدون تردید افرادی که در صدد ازدواج و تشکیل زندگی مشترک هستند، باید از یکدیگر شناخت و آگاهی داشته باشند و زندگی خود را بر اساس شناختی که از یکدیگر دارند، بنا کنند. در غیر این صورت، زندگی‌ای که بر اساس توهم و خیالات واهی بنا گردد، فرو می‌ریزد. پس ما نیز همانند شما، ضرورت شناخت را قبول داریم و معتقدیم: بنیان زندگی مشترک بر اساس شناخت صحیح و مطابق با واقع تشکیل می‌شود. طبق آموزه‌های اسلامی دختر و پسر، اگر تصمیم جدی بر ازدواج دارند، می‌توانند قبل از عقد نسبت به وضعیت ظاهری یکدیگر، آگاهی پیدا کنند و حتی طی چند جلسه گفت و گو، از خصوصیات اخلاقی و انتظارات زندگی آینده، شناخت داشته باشند. آنچه نیاز به بررسی دارد، چگونگی این آگاهی و میزان دقت آن است. به گواهی آمار، درصد قابل توجهی از طلاق‌ها و مشاجرات، ناشی از شناخت‌ها و اطلاعات غلط و یا سطحی و گذرا است. این واقعیت تلخ نشانگر آن است - به رغم قبول ضرورت شناخت از یکدیگر - در مسیر تحصیل این آگاهی، دچار خطا شده‌اند؛ از این رو همانگونه که شناخت دو طرف از یکدیگر بایسته است، رعایت راه و رسم رسیدن به این شناخت و شرایط دسترسی به آن نیز ضرورت دارد و زیر پا گذاشتن آنها، به این چنین پیامدهای تلخی، ختم خواهد شد. حال باید روشن شود قواعد، شرایط و راه صحیح تحصیل این نوع شناخت و آگاهی چیست؟ ابتدا ویژگی‌های همسر ایده‌آل را مدنظر قرار دهید و به منظور کسب اطلاع از برخوردار بودن فرد مورد نظر از ویژگی‌های مثبت و بیگانه بودن وی با ویژگی‌ها و اوصاف منفی، اقدام به برنامه‌ریزی جهت کسب آگاهی نموده و به تحقیق و پرسش و... دست می‌زنید. چون هر ویژگی‌ای از طریقی خاص به دست می‌آید: عدم سوء سابقه با مراجعه به مرکزی خاص یا عدم ابتلا به بیماری‌های ژنتیکی و وراثتی، از رهگذر مراجعه به مرکز مشاوره ژنتیکی؛ سازگاری گروه خونی و RH خون از راه آزمایش خون، حسن اخلاق، اصالت خانوادگی و پایبندی به اعتقادات دینی و... از طریق شناخت خانواده و گفت و گو به دست می‌آید. پس تنها ارتباط دختر و پسر راه گشا نیست. از جانب دیگر چون هدف تحصیل "شناخت و آگاهی" است، رعایت اصول زیر لازم و ضروری است: ۱. در این ارتباط، جز پیام شناختی، پیام دیگری مبادله نشود، از این رو خوش و بش کردن و گل گفتن و گل شنیدن به این ارتباط ضرر می‌رساند و آن را از هدف خود دور می‌سازد. ۲. راه شناخت تنها ارتباط مستقیم با فرد مورد نظر نیست: بلکه تحقیق، پرس و جو و مراجعه به سابقه زندگی و... از راه‌های دیگر شناخت است. حتی به بعضی از شرایط همسر ایده‌آل، نمی‌توان از طریق ارتباط مستقیم و گفت و گو پی برده و چه بسا بهره گرفتن از آگاهی فرد مورد اعتماد و آگاه و مصلحت اندیش کار گشایتر است؛ تا گفت و گوهای طولانی و دو نفره آمیخته به عشق و رزی و محبت. ۳. در صورت ضرورت ارتباط مستقیم دیداری، باید موضوع جلسه و سوالاتی که در پی پاسخ آن هستید، از قبل مشخص باشد و حتی به صورت جزئی، معین و روشن بیان گردد و از سخنان بی‌ثمر و کلی جداً پرهیز شود. ۴. مدت زمان جلسه ارتباط دیداری، نباید زیاد طولانی باشد. ۵. چون هدف کسب آگاهی از یکدیگر است: لذا حضور فرد ثالث - که نقاط پنهان و مبهم گفت و گو را به طرفین گوشزد کند - ضروری است (حتی اگر از نظر شناختی، به حضور فرد ثالث نیاز نباشد؛ (فضای خلوت دو نامحرم، جایگاه نفوذ شیطان است. پنهان از نظاره دیگران به

ارتباط دیداری اقدام نکنید که اگر فضا به شهوت و عشق آلوده گردد، چشم عقل کور می شود و دیگر نمی توان به آگاهی درست و دقیق دست یافت.

مخالفت خانواده

پرسش ۵. به ازدواج با کسی سخت علاقه مندم: ولی خانواده ام مخالفت میکنند! چگونه با او ارتباط برقرار کنم و حرف دلم را به او بگویم و خانواده ام را راضی سازم؟

این پرسش، در واقع حاوی سه سوال است که ابتدا به پاسخ سوال پایانی می پردازیم: موافقت و مخالفت والدین در ازدواج، از دیدگاه‌های مختلف و در چندین علم و دانش مورد بررسی قرار می‌گیرد و هر یک از این علوم، نیز به غرضی خاص و از دریچه‌ای ویژه به آن می‌نگرند. به تعبیری دیگر این موضوع، یک بحث بین رشته‌ای است و در علم فقه، حقوق، روان‌شناسی و جامعه‌شناسی خانواده، مدنظر دانشمندان هر یک از این علوم است و در این میان آنچه هم‌اکنون مورد توجه است، بررسی ضرورت و تأثیر روان‌شناختی این عنصر، در تشکیل خانواده و انجام یک ازدواج موفق است. از دیدگاه روان‌شناختی، تأثیر موافقت و مخالفت والدین در ازدواج موفق، به جایگاه والدین در نزد فرزندان خانواده بستگی دارد. بر اساس فرهنگ دینی و ایرانی، چون والدین یک تأثیر عمیق و به سزا در ذهن و خاطر فرزندان دارند و بعد از تشکیل خانواده، پشتوانه و استوانه خانواده تازه شکل گرفته محسوب می‌شوند؛ لذا همراهی نکردن آنها برای فرزندان، یک شکست محسوب می‌شود، در حالی که در فرهنگ غرب، فرزندان بعد از رسیدن به سن قانونی، حتی از حمایت عاطفی والدین بی‌بهره‌اند و بر همین محرومیت خو گرفته و به سراغ شریک زندگی خود می‌روند: بدون آنکه والدین اطلاع داشته باشند. حال با عنایت به این جایگاه برجسته والدین و وابستگی روحی و عاطفی فرزندان در تمام سنین به والدین، نه تنها عدم مخالفت؛ بلکه موافقت والدین یک عنصر ضروری در ازدواج موفق است و چه بسا شرط انجام یک ازدواج موفق، رضایت و همراهی مستمر والدین با فرزندان است؛ چه اینکه بدون تحصیل رضایت آن دو، آنان در انجام یک عمل خطرناک بدون پشتوانه می‌باشند و این خود آغاز اضطراب ناخواسته و ورود آفت است. فرزندان ایرانی و مسلمان، با وجود فراهم بودن تمام شرایط یک ازدواج موفق، چون رضایت والدین را به همراه خود ندارند؟ کمتر می‌توانند یک زندگی شیرین و همراه با پیشرفتی را پیش روی داشته باشند. از منظر روان‌شناختی، این قضیه را باید با نگاه به پیامدهای ناشی از نبود رضایت و همراهی صمیمانه والدین بررسی کرد که آیا ازدواج بدون موافقت والدین و حتی همراه با مخالفت آنان موفق خواهد بود؟ آیا این ازدواج از پیامدهای منفی مصون است؟ در یک کلام مخالفت والدین با ازدواج چه تأثیرات مثبت و یا منفی بر موفقیت آمیز بودن آن ازدواج دارد؟ میزان تأثیر این پدیده در موفقیت یک ازدواج، به نظام ارزشی و فرهنگ! خانوادگی وابسته است و در این بین، هرگز نمی‌توان نظام و فرهنگی را یافت که مخالفت والدین یا حتی بیگانه فرض کردن آنها، شرط موفقیت یک ازدواج باشد. از این رو بهره‌مندی از عنصر رضایت والدین، از نظر ارزشی و فرهنگی، حداقل یک پشتوانه روحی برای جوانان در مسیر ازدواج است؛ تا این راه را با اطمینان خاطر و پشت گرمی کامل طی کنند. ازدواج کردن - بدون توجه به عوامل دیگر مرتبط با آن - خود به خود همراه با دل‌نگرانی و اضطراب است و به واسطه مبهم بودن آینده آن و نا آشنا بودن دو طرف برای همدیگر، عملی رازآلود و معماگونه است. کمترین تأثیر روان‌شناختی این نوع مخالفت، آن است که به میزان دل‌بستگی روحی و روانی به والدین، به نگرانی و اضطراب یک جوان جویای اطمینان و سکون می‌افزاید و در صورتی که در نهان خانه اعتقادات خود برای دعا و نفرین والدین تأثیری ماورای اسباب طبیعی قائل شود، این پدیده ژرف تر خواهد شد. پس با تکیه بر جایگاه والدین در خانواده‌های ایرانی و مسلمانان از دیدگاه روان‌شناختی، جلب رضایت آنان در ازدواج یک ضرورت بی‌تردید است و حضور این عامل، موجب دلگرمی جوانان به ازدواج و برخورداری آنها از اطمینان به خود و جرأت به عمل و آرامش و سکون می‌گردد. همچنین راه بهره‌مندی از پشتوانه‌ای محکم و

تجارب آنها و دلسوزی و نیک اندیشی آنان را هموار می کند و خرمی از خوبی ها و علم، دانش، تجربه و مصلحت اندیشی دلسوزانه و حتی پشتوانه اقتصادی فرا روی دو جوان نیازمند میگذارد. مخالفت والدین با ازدواج، یعنی، محرومیت از تمام این خوبی ها و از دست دادن این عناصر ضروری که نمی توان حتی از یکی از آنها چشم پوشید. روشن است که ازدواج بی بهره از سرمایه "رضایت پدر و مادر" در واقع به نوعی ازدواج بی بهره از موفقیت کامل خواهد بود. آیا مفهوم این سخن آن است که به محض مخالفت والدین با "ازدواج خاصی"، باید از آن دست شست؟ نه بلکه باید در تحصیل رضایت آنان کوشید. باید بررسی کرد، علت مخالفت آنها چیست؟ آیا آنان دلیلی قانع کننده، برای مخالفت خود دارند؟ آیا شما جوابی منطقی و منصفانه برای مخالفت آنها دارید یا نه؟ مخالفت آنها را بجا و مقتضی اندیشه و محصول عاقبت اندیشی "پیران تجربه" می دانید یا نه؟ به هر حال اگر در عمق نهمان خانه وجدان، مخالفت آنها را بجا می شمارید، پس تسلیم حق شوید و از اصرار بر تصمیم غلط خود دست بکشید؛ اما اگر مخالفت آنها را بی مورد می شمارید، هرگز به دو گروه مخالف و موافق تقسیم نشوید و در برابر هم جبهه ای تشکیل ندهید و هر یک بر طبل رأی خود مکوبید: بلکه درصدد جلب رضایت آنان برآید. شما باید با تکیه بر دو عنصر محبت و اندیشه، عشق ورزی و مصلحت اندیشی خانوادگی، والدین خود را نیز به جبهه موافقان با این ازدواج خاص دعوت کنید و جملگی یک صدا "فریاد موافقت" برآورید و اقدام کنید. پس تا زمانی که رضایت آنان را به دست نیاورده یک صدا نشده اید، اقدام نکنید. برای تحصیل رضایت والدین از چند راه کار می توانید بهره گیرید: ۱. صحبت همراه با احترام و محبت با والدین بدون اصرار و سماجت؛ ۲. استفاده از همکاری و میانجیگری خیراندیشان و خویشاوندان نزدیک و صاحب نفوذ بر روی آنان؛ ۳. اصرار و سماجت، آمیخته به محبت و فرمانبری و دعا به درگاه حضرت حق باشد. ۴. گاهی اوقات صبر و تحمل و گذر زمان، خود به عنوان یک عامل موثر، می تواند شما را در رسیدن به هدفان یاری دهد. پس صبر و تحمل داشته باشید و عجولانه عمل نکنید؛ بلکه اجازه بدهید مدتی بگذرد. با این، حال اگر پدر و مادرتان- به رغم سعی و تلاش شما- رضایت ندادند، به مصلحت شما است که از این ازدواج دست بکشید و بدون رضایت آنان اقدام نکنید، مگر آنکه مخالفت آنان را برطرف و تبدیل به رضایت کنید. و چنانچه احساس کردید لجاجت در کار است- نه مخالفت- در این صورت از همکاری افراد خیرخواه و آگاه، در رفع این حالت کمک بگیرید. از همین جا به پاسخ سوال دوم شما که (چگونه حرف دلم را به گوش او برسانم) می پردازیم. پس از آنکه رضایت والدین را به دست آوردید، راه ابراز محبت و بیان حرف دل نیز گشوده می شود. آن گاه مادر و خواهر شما - همچون کبوتران پیام آور عشق و محبت- پیام شما را به او می رسانند و با رعایت آداب و رسوم سنتی و ارزش های فرهنگی و شرایط دینی و شرعی، مسیر عشق ورزی سالم را به روی شما می گشایند. چون حرف دل را جز با مانوس دل نتوان گفت و گوش نامحرم جای اسرار نهانی نیست؛ ابتدا باید احراز نمود که او این قابلیت را دارا است و آن گاه بدون دغدغه و بی ریا، ابراز کرد که دوست دارم: ولی اگر شما گفتید و او نپذیرفت و یا حتی جواب منفی داد، آیا می توانید حدس بزنید که چه از دست داده اید؟ اری شما محبت و قلبتان را ارزان عرضه داشته اید و این در قاموس "عاشق آگاه" جای ندارد. البته باید با احراز ویژگی ها و با تحقیق و بررسی، وی را همسری ایده آل بیابید: آن گاه در صدد رساندن حرف دل خود به وی برآید. در ضمن این انتخاب آگاهانه، او خود متوجه می شود که محبتش در دل پاک شما خانه کرده است و خود به خود این محبت ابراز میگردد. با این بیان پاسخ سوال نخست نیز به دست آمد که ارتباط بعد از انتخاب، مسیر خود را می یابد.

اطمینان به همدیگر

پرسش ۶. می خواستم بدانم از لحاظ اخلاقی، رابطه پسر و دختر چگونه باید باشد؟ چگونه یک دختر می تواند با همجنس خود دوست باشد؛ ولی با وجود سلامت اخلاقی و اجتماعی، اجازه ندارد با یک پسر دوست شود؛ یعنی چرا جامعه، از نظر اخلاقی این رابطه را- حتی اگر

طرفین هیچگونه نظر سوء به هم نداشته باشند و فقط در حد آنچه جامعه و اسلام می پذیرند با هم رابطه برقرار کنند - مطرود می داند. اگر دختر از خودش و طرف مقابل اطمینان کامل داشته باشد و هیچ یک از طرفین از جاده عصمت و تقوا دور نشوند، ارتباط چه صورت دارد؟

ارتباط انسان ها با یکدیگر، تنوع فراوانی دارد. همان گونه که خود، گاهی مشاهده و تجربه کرده اید، برخی افراد، ارتباط تحصیلی و گروهی، ارتباط خانوادگی با هم دارند و بعضی نیز دارای ارتباط اقتصادی یا اجتماعی در سطح محله و شهر هستند. به راستی چه چیز سبب می شود رابطه ای را اقتصادی، تحصیلی، اجتماعی یا خانوادگی نامید؟ آیا بدون هیچ معیاری، می توان هر رابطه ای را به هر اسمی نام گذاری کرد؟ چه چیز موجب تنوع و ارتباط انسان ها با یکدیگر و حتی ارتباط انسان با دیگر موجودات می شود؟ معیار نامگذاری روابط چیست؟ بی تردید هر نوع ارتباطی، همیشه "درست" یا "نا درست" نیست. بر این اساس، ارتباط ها "قابل ارزیابی و داوری اند؛ ولی پیش از داوری درباره آن، باید معیار تفاوت ارتباط های متنوع و نامگذاری های گوناگون آنها را دریافت. آنچه یک ارتباط را شکل و نامی ویژه می بخشد، محتوای آن است. محتوای ارتباط ها یکسان نیست. در هر شکلی از ارتباط، چیزی معین و به شیوه ای خاص مبادله میگردد: و همین عنصر سبب تنوع روابط میگردد. وقتی از ارتباط دختر و پسر سخن میگویید، مرادتان چه نوع ارتباطی است؟ باید نوع آن مشخص گردد تا بتوان درباره درستی و نادرستی اش داوری کرد. آیا مراد ارتباط آموزشی و تحصیلی است یا اقتصادی یا اجتماعی؟ اختلاف جنسیت طرفین ارتباط، در مقررات کلی و بعضی از شرایط روابط انسانی موثر است: ولی محتوای روابط را تعیین نمیکند. بدین سبب، ارتباطی خاص به نام "ارتباط دختر و پسر، نداریم. ما در کلاس درس شرکت میکنیم و از محضر استادی که از جنس مخالف است، بهره آموزشی می بریم: ولی هرگز آن را، به معنای داشتن دوست پسر یا دختر، نمی دانیم و در درستی این ارتباط - که بر مقررات یاد دهی و یادگیری استوار است - تردید نداریم. اما اگر در همین کلاس، پیامی جز یاددهی و یادگیری مبادله شود، ما را از تحصیل دور می سازد و چه بسا سبب زیان های جبران ناپذیر میگردد. در روابط انسانی، هزاران نوع ارتباط مشروع و صحیح مطرح است که جنسیت در محتوای آنها موثر نیست و یا تأثیری اندک دارد. این روابط هرگز حساسیت آفرین، تنش برانگیز و ممنوع نیست: زیرا شکل روابط معین است و از چهارچوب خود تجاوز نمیکند. به بیان دقیق تر، حد و مرزها رعایت میگردد و بدین سبب از آفات و آسیب ها مصون می ماند. بنابراین، نمی توان داوری درباره روابط را فقط بر "جنسیت" استوار ساخت: بلکه باید معین کرد که در این ارتباط، چه چیزی مبادله می شود تا براساس آن، نوع ارتباط و قوانین آن تعیین شود. بر این اساس، هر رابطه ای اگر از مسیر خود منحرف گردد، آفت آفرین و زیانبار می شود؛ هر چند دو طرف آن همجنس باشند. با این سخن، اینک خود، باید درباره درستی یا نادرستی ارتباط با جنس مخالف داوری کنید.

دوستی و دین داری

پرسش ۰۷ اگر دوست شدن با یک دختری، باعث شود که او با حجاب و سنگین شود و دست از کارهای خود بردارد، آیا شرعی است که این کار را انجام دهیم؟

از اینکه به فکر هدایت دیگران هستید، جای خوشبختی است و داشتن چنین روحیه ای، بیانگر روحیه مسئولیت پذیری و تعهد و پایبندی شما به موازین شرعی است. امیدواریم که همواره در صراط مستقیم، حافظ حریم الهی و الگوی مناسب برای هدایت جوانان باشید. همان طور که می دانید، اسلام برای جلوگیری از گناه و نشر و گسترش کارهای شایسته، راه کارهایی را ارائه می دهد که اگر از آن طریق، وارد عمل شویم، هم باعث جلوگیری از گناه می شود و هم خودمان از آلوده شدن به گناه مصون خواهیم ماند. راه کار اسلام تحت عنوان امر به معروف و نهی از منکر، وظیفه ما را مشخص نموده است و ما مجاز نیستیم، از هر راهی جلوی گناه

دیگران را بگیریم! شما برای اینکه وظیفه خود را انجام داده باشید، می‌توانید آن دختر را نهی از منکر کنید. انجام چنین کاری، مستلزم طی کردن مراحل است که در زیر به آن اشاره می‌شود: ۱. مودبانه از او بخواهید از آن گناه پرهیز کند. ۰۲ اگر تأثیر نگذاشت، به صورت جدی تری به او تذکر دهید؛ اگر دیدید برخورد مودبانه، منطقی و جدی شما موثر واقع نشد، مسئله را به مراجع ذی صلاح تذکر دهید که آنها اقدام کنند و وظیفه شما همین مقدار است. اگر مؤثر واقع شد، قطعاً شما نزد خداوند اجر و پاداش دارید و اگر هم هدایت نشد، باز هم شما به دلیل اینکه وظیفه شرعی خود را انجام داده‌اید، نزد خداوند ماجور هستید. اما اینکه نوشته‌اید: «آیا از طریق دوستی با او، می‌توانید جلو گناه او را بگیرید و باعث شوید که او دختری باحجاب و سنگین شود»، پاسخ منفی است! چه اینکه اولاً اسلام دوستی با نامحرم را منع کرده و فرموده است: با زنان یا دختران دوست نشوید. دوم اینکه، این دوستی، می‌تواند تبدیل به دامی برای خود شما گردد و ما حق نداریم خودمان را با دست خودمان، به هلاکت اندازیم: «لا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ» ۱. ۱. بقره (۲)، آیه ۱۹۵. روزی امام صادق؟ دید مردی از مغازه‌ای چیزی برداشت، از او پرسید: چرا مرتکب این عمل (دزدی) شدی؟ مگر نمی‌دانی دزدی گناه است! آن مرد در جواب امام گفت: مگر قرآن نخوانده‌ای؟ در قرآن آمده است که اگر کسی یک گناه کند، خداوند فقط یک بار او را عذاب می‌کند: ولی اگر عمل خیری انجام دهد خداوند ده برابر به او پاداش می‌دهد! من با دزدی کردن یک گناه کرده‌ام: ولی آنچه از طریق دزدی به دست آوردم، می‌خواهم به دیگران (افراد نیازمند) صدقه بدهم و عمل دوم من چندین برابر ثواب دارد و یکی از ثواب‌ها را من جایگزین آن گناه می‌کنم و بقیه ثواب‌ها نیز به نفع من است. امام؟ به او گفت: بله عمل خیر، مانند صدقه دادن چندین برابر ثواب دارد؛ ولی به شرط اینکه این صدقه از راه حلال به دست آمده باشد، نه از راه حرام. بنابراین گرچه نیت شما خیر است، ولی راهی که انتخاب کرده‌اید، نه تنها مشروع نیست؛ بلکه وسوسه شیطان است و او می‌خواهد شما را گرفتار کند! و شما را از طریق خیرخواهی و مذهبی فریب دهد. ارتباط زن و مرد نامحرم بسیار حساس، ظریف و در عین حال خطرناک است. روزی از عالم بزرگ مقدس اردبیلی پرسیدند: آقا اگر شما با یک زن نامحرم در یک اتاق قرار بگیرید، چه می‌کنید؟ او فرمود: به خدا پناه می‌برم! علی‌رغم اینکه او یکی از بزرگان اهل تقوا و معنویت بود، قرار گرفتن در چنین شرایطی را برای خود خطرناک دید. علت اینکه اسلام حتی قرار گرفتن زیر یک سقف و در یک جای تنها با زن نامحرم را - اگر احتمال گناه داده شود - حرام می‌داند و اگر احتمال گناه نباشد، مکروه می‌شمارد؛ نشانگر حساسیت ارتباط بین زن و مرد نامحرم است، و راهی خطرناک است. پس بکوشید فقط از طریق امر به معروف و نهی از منکر، وارد شوید؛ آن هم در صورت موثر واقع شدن؛ در غیر این صورت شما تکلیفی ندارید.

از من می‌خواهد مدتی با او دوست باشم

پرسش ۸. دختری هستم ۲۴ ساله، چند وقت پیش با پسری آشنا شدم. او اهل... است: در رشته... به تحصیل اشتغال دارد. او که سه سال از من کوچک‌تر است، پسری مومن و فهمیده می‌نماید و درباره آینده‌اش افکار خوبی دارد. او از من می‌خواهد مدتی که اینجا هستیم، با او دوست باشم. از تجربه‌های زندگی‌ام برایش بگویم. به یکدیگر در مشکلات کمک کنیم و بعد از تمام شدن درس از همدیگر جدا شویم؛ او خیلی به من محبت میکند و احساس میکنم به من علاقه دارد. به قول خودش، میگوید: چیزی را آسان به دست نیآوردم که آسان از دست دهم. من این جور روابط را که پایانش جدایی است، دوست ندارم؛ اما وقتی با او هستم، احساس خوشبختی میکنم. البته ته دلم ناراضی‌ام. احساس شرم و گناه و عذاب وجدان دارم. از حرکات و حرف‌هایش می‌فهمم که بی‌رحم نیست و دیگران را نمی‌رنجاند؛ اما چرا چنین میکند، نمی‌دانم. او حتی برای دیدنم، مرا صیغه کرده تا روابط ما سالم باشد. او میگوید: وقتی با تو هستم، کمتر گناه میکنم. تو باعث می‌شوی ثواب کنم و بیشتر به خدا نزدیک شوم. گاه فکر میکنم شاید می‌خواهد با این حرف‌ها مرا امتحان کند. اگر عاقبت این جور روابط ازدواج باشد، حاضریم پایش بایستیم تا درسش تمام شود و از حریم خودم هم تجاوز نمیکنم. همیشه از خدا می‌خواستم زودتر ازدواج کنم تا در این جامعه آلوده نشوم. حال خداوند کسی را سر راهم قرار داده که من واقعاً او را مرد زندگی می‌بینم. ادم‌ها وقتی ازدواج میکنند، نصف دینشان کامل می‌شود و دیگر به خود اجازه هر کاری نمی‌دهند. خواهش میکنم راهنمایی‌ام کنید. نمی‌دانم چه کنم.

درباره آشنایی و ارتباطات با آن دانشجو بهتر است، پاسخ را با طرح چند پرسش آغاز کنیم: ۱. تا چه اندازه او را می شناسید؟ ۲. آیا تا کنون درباره اش تحقیق کرده اید؟ ۳. آیا تحقیقتان کامل و همه جانبه بوده است؟ ۴. آیا از خانواده، فامیل و دوستانش اطلاع کافی دارید؟ ۵. آیا پیمان دوستی موقت - آن هم با جنس مخالف - درست است؟ ۶. انگیزه واقعی وی از این ارتباط چیست؟ ۷. آیا فکر نمیکنید جز آنچه میگوید (استفاده از تجارب شما، حل مشکلات، دوری از گناه و...) انگیزه ای دیگر در سر دارد؟ ۸. تجارب زندگی شما چقدر بیشتر است که می خواهد از آن استفاده کند؟ ۹. چگونه از کثرت تجربه شما اطلاع پیدا کرده است؟ ۱۰. چه مشکلات یا تجربه های مشترکی بین شما و او هست؟ با توجه به آنکه شما فرهنگ های مختلف و رشته های تحصیلی متفاوت دارید و مهم تر از همه از دو جنس مخالفید، چه چیز وجود دارد که باید در این گونه ارتباط ها درباره آن به گفت و گو بپردازید؟ با اندکی تأمل در پرسش های فوق، در می یابید چه تصمیمی باید گرفت و چه باید کرد. توصیه ما نیز همان توصیه ته دل شما است. هشدار می دهیم که از اعماق قلبتان برخاسته، نشان دهنده نارضایتی درونی شما است. احساس شرمی که به شما دست داده است و احساس گناه و عذاب وجدانی که گزارش کرده اید، نشان دهنده وجدان بیدار، فطرت پاک و عقل سلیم شما است؛ وجدانی که نورش وجودتان را روشن ساخته و نادرستی این روابط را به شما نمایانده است. اینکه گفته اید: "زمانی که با او هستم، احساس خوشبختی می کنم،" احساسی کاذب است. توهمی بیش نیست و در واقعیت ریشه ندارد. این احساس، ناشی از عواطف زودگذر است و هرگز پایدار نمی ماند. بنابراین، به آن اعتماد نکنید که جز افسوس و پشیمانی چیزی به ارمغان نمی آورد. اگر نگویم تمام این ارتباط ها، دست کم بیشتر آنها در احساسات و غرایز جنسی و شهوانی، ریشه دارد و گرفتارانش تحت پوشش های فریبنده ای - نظیر "آشنایی قبل از ازدواج" استفاده از تجربه های یکدیگر، "استمداد در جهت حل مشکلات"، "حفظ خود از گناه" و... - هوای اغراض ناپسند و کامجویی های باطل در سر می پروراند. بی تردید این ارتباط ها از قصد ازدواج تهی است و جز هوس رانی، سوء استفاده و به انحراف کشاندن دیگران، رهاوردی ندارد: زیرا اگر قصد ازدواج در میان باشد، به طور رسمی و از طریق خانواده ها تحقق می یابد. افزون بر این، در مورد شما تناسب سنی وجود ندارد و خود وی نیز به عدم قصد ازدواج تصریح کرده است. چه بسیار دخترانی که فریب این قبیل آشنایی ها و ارتباط های نادرست را خورده و جز تباهی چیزی به دست نیاورده اند. این روابط، پس از زمانی کوتاه به آنجا می انجامد که: دیدی که یار عهد و وفا در نظر نداشت دیدی که آه درد دل سنگش اثر نداشت در راه دوستی چونکو آزمودمش دیدم به جز فریب، متاعی دگر نداشت چگونه چنین فردی که خود را مومن و فهمیده می نمایند، یا در نظر شما اینگونه است - بدون اجازه گرفتن - تحت پوشش فریبنده "حفظ سلامت روابط" صیغه موقت جاری کرده است؟! آیا او نمی داند، بدون اجازه، صیغه موقت خواندن صحیح نیست؟ بنابراین، به نظر می رسد، نمی توان به گفته های وی اعتماد کرد. حتی اگر واقعاً این فرد در گفتارشان صداقت داشته و کاملاً قابل اعتماد باشد - که احتمالی بسیار ضعیف است - این گونه روابط عرفاً، عقلاً و شرعاً جایز نیست؛ زیرا غریزه جنسی، بسیار نیرومند است و کمتر کسی می تواند از آن نجات یابد. حتی یوسف پیامبر می فرماید: «ان النفس لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي»^۱: "اگر لطف و کمک خداوند متعال نباشد، نفس سرکش، انسان را به پلیدی و انحراف فرا می خواند و به دام می افکند." بنابراین، اگر در آغاز نیز قصد سوء و خلاف و لغزشی در میان نباشد، در ادامه راه، به آن مسیر می انجامد و انسان در گرداب انحراف گرفتار می شود. این گفت و گوها و روابط طولانی - که با پوشش های مختلف انجام میگیرد - تحریک نفس و سقوط در پرتگاه انحراف را به ارمغان می آورد و باید از آن جلوگیری کرد. علاوه بر این - چنان که خودتان نگاشته اید - می خواهید این روابط فقط در دوران تحصیل باشد. پس از چندی این دوران پایان می یابد و شما با فردی دیگر ازدواج می کنید. در آن موقعیت، ارتباط امروزی از صفحه اندیشه تان پاک نمی شود. چه بسا این تجربه را با روابط خود و همسران، مقایسه می کنید: از آرامشی که باید در پرتو زندگی مشترک به دست آورید، محروم می شوید و در اندوه و پشیمانی و احساس افسردگی فرو می روید! شاید بر این اساس اسلام، دختران و پسران را از ازدواج با کسانی که مخفیانه با دیگران ارتباط داشته اند، بازمی دارد. بنابراین، توصیه می

شود هرچه سریع تر به این گونه روابط و گفت و گوها پایان دهید تا هم در دوران تحصیل، از آرامش کافی- که شرط ۱. یوسف (۱۲)، آیه ۵۳. موفقیت و پیشرفت است- برخوردار شوید و هم در زندگی مشترک با همسر آینده تان از آرامش روانی بهره مند گردید و در گرداب پیشیمانی و افسوس فرو نیفتید. بنابراین، قطع این گونه روابط، به صلاح حال و آینده شماست و آرامش در تحصیل و زندگی مشترک، آینده تان را تضمین میکند.

چطور فراموش کنم؟!

پرسش ۹. مشاور عزیز سلام. امیدوارم ثانیه‌های زیبای زندگی را بلندتر از ساعت‌های زشت آن احساس کنید. دختری نوزده ساله هستم که خصوصیت روحی عجیب این است که به هیچ کس دل نمی بندم: حتی به خانواده خودم تا جایی که اگر مدتی آنها را نبینم جای خالی آنها را احساس نمیکنم؟ اما از پنج ماه پیش با شخصی آشنا شدم که وجودش به من آرامش می دهد و با حضور او، می توانم روزهای تلخ زندگی را بهتر سپری کنم؟ روزهای اول حضورش را برای تنوع زندگی جالب می دیدم: اما بعد از مدت کوتاهی به او وابسته شدم و هر روز این وابستگی بیشتر از روز قبل می شود در این مدت به همه چیز فکر کردم: به باهم بودن و جدا شدن از هم؛ اما در این مدت به هیچ نتیجه‌ای نرسیدم! ما نمی توانیم با هم ازدواج کنیم؛ چون از اول با هم در این مورد صحبت کرده‌ایم که شرایط ما برای ازدواج مساعد نیست و هر دو نیز قبول کرد ه‌ایم. از طرفی فکر جدایی من را هر روز بیشتر عذاب می دهد؛ به هیچ صورت نمی توانم خودم را قانع کنم که او را فراموش کنم و این مسئله روی درس‌های من اثر منفی گذاشته است:

ترم قبل اکثر نمره هایم را خیلی پایین گرفتم، در این زمینه من را راهنمایی کنید؛ ولی خواهش میکنم حرفی از جدایی نزنید. نیازهای عاطفی و غرایز در ایام جوانی، آدمی را به سوی «دوست داشتن و عشق ورزیدن» سوق می دهد. این یک پدیده طبیعی و غریزی است و کمتر می توان راهی برای گریز از آن پیدا کرد. اما برای حل مشکل مطرح شده، ابتدا فرض‌های مختلفی که می توان تصور کرد و هر کدام که از ضرر کمتری و فایده بیشتری است، انتخاب کنیم. به نظر می رسد سه راه حل برای این مسئله می توان تصور کرد: ۱. روابط دوستانه به منظور آشنایی با یکدیگر ادامه یابد و این ارتباط مقدمه‌ای برای ازدواج با یکدیگر باشد. ۲. روابط دوستانه به منظور رسیدن به آرامش ادامه یابد؛ با این توافق و انگیزه که در آینده ازدواج صورت نگیرد. ۳. روابط دوستانه کاملاً قطع گردد. شما خود صورت اول را غیر ممکن دانسته اید: چرا که گفته اید: « نمی توانیم با همدیگر ازدواج کنیم! " البته دلیل آن را برای ما بیان نکرده اید؛ چه بسا دلیل قابل قبولی نباشد و یا بتوان با بعضی از راهنمایی ها و حل مشکلات، به آن امکان بخشید. اما فرض شما آن است که امکان ازدواج فعلاً فراهم نیست؛ پس باید به قطع روابط بینجامد؛ زیرا هدف در این فرض دست نیافتنی است. صورت دوم نیز مطلوب، معقول و پسندیده نیست و باعث مشکلات زیادی می شود و چه بسا در آینده نیز این مشکلات بیشتر گردد؛ زیرا این مسئله باعث وابستگی شما به وی و نیز افت تحصیلی شده است. این دواثر منفی و رنجی که از آن میکشید، برای قطع این رابطه کافی است. نکته مهم تر آن است که این وابستگی، روز به روز بیشتر می شود و تمرکز حواس تان را از بین می برد و مانع مهمی برای ادامه تحصیل و موفقیت درسی تان می شود! تجربه نشان داده است این گونه روابط، به یک حد معین و مشخصی محدود نمی شود و هر چه زمان میگذرد، کشش و جاذبه استمرار آن بیشتر و گسترده تر می شود. در بسیاری موارد، بدون اختیار و اراده افراد به پیش می رود و اندیشه و تعقل افراد را نیز، تحت تاثیر قرار می دهد. احساسات و عواطف غریزی و کنترل نشده، توسعه می یابد و انسان زمانی به خود می آید که بسیار دیر بوده و امکان جبران وجود ندارد و ثانیه‌های زیبای آن، به ساعت‌های تلخ و زشت تبدیل شده است. بنابراین اگر اندکی دقت فرمایید و بدون غلبه احساسات بر تعقل و با مراجعه به وجدان پاک و بیدار خود و بدون هر گونه پافشاری بر حرف دل خود: بلکه با گوش دادن به سخن عقل و اندیشه منطقی، درخواست یافت: حال که صورت اول و دوم ممکن نیست و یا مشکلات فراوانی دارد، راه منطقی و معقولی، غیر از راه سوم نیست. همان راهی که شما از ما خواهش کردید، حرفی از آن نزنیم، ولی چه کنیم که نمی توان راه چهارمی پیدا کرد. اگر شما بتوانید راه چهارم را پیدا

کنید- که هم معقول باشد و هم ممکن- با شما همراه می شویم: زیرا نمی خواهیم شما را به راه و چاره‌ای توصیه کنیم که از آن فرار می کنید و یا تمایلی به آن ندارید. اما اگر منصفانه بیندیشیم، در خواهیم یافت وقتی که روابط دوستانه به منظور ازدواج ممکن نیست، باید منتظر مشکلات عدیده‌ای بود!! پس تنها راه باقی مانده، همان راه سوم است. البته ممکن است این راه حل، اندکی سخت باشد، ولی شدنی است و غیرممکن نیست. شما نوشته اید: "نمی توانیم با هم ازدواج کنیم؟ شرایط ما برای ازدواج مساعد نیست؟! منظورتان از شرایط چیست؟ آیا در زمان کنونی امکان ازدواج فراهم نیست یا اینکه به طور کلی هیچ تناسبی با همدیگر ندارید و هیچ گاه نخواهید توانست با یکدیگر ازدواج کنید؟! اگر صرفاً در وضعیت و شرایط کنونی و در حال حاضر، امکان ازدواج وجود ندارد و امیدی به فراهم شدن امکانات و شرایط آن هست؛ از طرف مقابل بخواهید (اگر واقعا صلاحیت همسری را دارد و شایسته و لایق است و می تواند شریک زندگی شما باشد)؛ به طور رسمی، شما را از خانواده تان خواستگاری کند و پیوند ازدواجتان شکل بگیرد: اگر چه فاصله نامزدی و عقد تا فراهم شدن شرایط عروسی چند سال نیز طول بکشد. در این صورت آرامش واقعی حاصل می شود؛ نه آرامشی که این گونه به طور غیر مشروع انجام میگیرد و احیاناً مخفیانه است و چه بسا وجدان شما نیز از آن رنج می برد و وابستگی حاصل شده، باعث مشکلات بسیاری برای آینده میگردد. به هر حال اگر طرف مقابل حاضر نیست به طور رسمی شرایط ازدواج را فراهم کند، توصیه می شود با استفاده از راه کارهای زیر، روابط خود را با وی قطع کنید: ۱. با توجه به اهمیت مسئله، به جای برخورد احساسی سعی کنید عقلانی و با تفکر و تأمل به این مسئله بیندیشید. حتی اگر ممکن است در روز چند وعده به عاقبت این ارتباط و بی نتیجه بودن آن فکر کنید. ۲. از مکان ها و زمان هایی که احتمال مشاهده وی وجود دارد، تردد نکنید. ۳. درباره نکات و نقاط ضعف و منفی وی بیشتر بیندیشید و به خود بگویید: وی شایستگی همسری با من را ندارد. ۴. اگر ذهنتان به وی مشغول شد، با مطرح کردن موضوع و مسائلی دیگر (علمی، هنری و اجتماعی و...) ذهن خود را از وی معطوف داشته، درباره موضوع دیگر فکر کنید. ۵. روابط اجتماعی و دوستانه بیشتری، با هم سن و سالان و دختران هم درسی و همکلاسی خود داشته باشید. ۶. از تنها بودن در مکانی، برای مدت زیادی اجتناب کنید تا فکر وی وارد ذهن شما نشود. ۷. بیکار نباشید و اوقات فراغت خود را به فعالیت‌های مختلف - به خصوص فعالیت های دسته جمعی - پر کنید. امید است به تدریج بتوانید وابستگی خود را کاهش داده و به امید آینده روشن و پیدا کردن همسری شایسته، به این نیاز درونی پاسخ شایسته و همیشگی بدهید و به آرامش واقعی و لذت بخش نایل آید.

د ر پی هوای عشق

پرسش ۱۰: می خواستم این مطلب را بنویسم، اما ترسیدم که مبادا در آینده مشکلی برایم پیش آید. از آنچه که می خواهم بگویم، واقعاً خودم شرم دارم، ولی تمام جوبی که می خورم به خاطر سادگی و نادانی خودم است.

درست از این تاریخ که می نویسم، یک ماه پیش، من از دانشگاه بیرون رفتم که بروم به خانواده ام زنگ بزنم. در بین راه، پسری دنبال من افتاد. تمام وجودم را در آن مسیر ترس فرا گرفته بود: ولی وقتی به مخابرات رسیدم، به خاطر شلوغی و وقت کمی که داشتم، برگشتم. در بین راه، خودش را به من رساند و گفت: خانم! می شود یک لحظه صبر کنید! من فکر کردم، حتماً سوالی دارد و ایستادم. او پرسید: دانشجوی دانشکده ادبیات هستید؟ با حالت نفرت و تندى جواب دادم: بله. گفت: رشته‌ات چیست؟ گفتم: به شما چه ربطی دارد؟! راه خود را گرفتم و رفتم. او همچنان دنبال بود. شب بعد، بر حسب اتفاق، من دوباره ایشان را دیدم. باز هم بی‌اعتنایی کردم. شب سوم، خانواده ام به من زنگ زده بودند و برای دختر عمه ام پیغامی داشتند که من باز روز سوم رفتم جلوی در دانشگاه، که به دختر عمه ام زنگ بزنم که از شانس بدم تلفن خراب بود، مجبور بودم صد متر بالاتر بروم و از باجه سرخیابان استفاده کنم. باز دوباره او خودش را به من رساند و گفت: خانم عزیز! یک لحظه صبر کنید! من در جواب گفتم: من با ادم‌های

ولگرد حرفی ندارم. او گفت: ولگرد چیه؟! من دانشجو هستم! دو روز بعد، بار دیگر ایشان را جلو دانشکده دیدم. عزمم را جزم کردم که بروم جلو و ببینم این همه سرسختی کردن و توی سرما به انتظار ایستادن، به چه علت است. حدود یک ساعتی توی خیابان اصلی مسیر خوابگاه با هم صحبت کردیم، اما همه صحبت‌های او را به باد مسخره می‌گرفتم، تا اینکه روی نیمکتی نشستیم. او کارت دانشجوییش را به من داد و من اولین کاری که کردم، شماره دانشجویی و رشته او را در ذهن خود جا دادم و روز بعد به دانشکده او رفتم و تحقیق کردم، خیلی بیش از حد تعریف شنیدم. احساس غرور به من دست داد و از این همه صداقت و خوبی که در او مشاهده کردم، از او خوشم آمد. روز بعد و روزهای بعد بیشتر مشتاق دیدار او شدم. در بین صحبت‌هایمان متوجه شدم که ایشان از سنگینی من و سنگین راه رفتن من خوشش آمده است. او میگفت: من می‌خواهم شما دوست من باشید، انسان باید دوستانی برای خود در این سن داشته باشد. جامعه، ما را آن قدر خواب کرده که چرا نباید دختر و پسری که هم دیگر را می‌خواهند، همدیگر را قبلاً نشناسند و بعد از مدتی، به خاطر عدم شناخت، مجبور به طلاق شوند و خلاصه از این حرف‌ها که شاید من و شما هم از اخلاق هم خوشمان آمد. به هر حال، من به شما قول ازدواج نمی‌دهم، مگر اینکه بتوانیم نظر همدیگر را جلب نماییم. من بدون اینکه فکرم را به راه اندازم، در پی هوای عشق بودم و در امید اینکه بتوانم با متانتی که از خود نشان می‌دهم، نظر او را برای ازدواج جلب کنم. بله، از حرف‌هایش، از صداقتش، نتوانستم چیزی بفهمم. رفت و آمدها و صحبت‌های شیرین او همه چیز را از من گرفته بود. روزی از خود او شنیدم که گفت: تو دختر سرسختی بوده و هستی، من تصمیم گرفته بودم، هر طور شده تو را رام کنم و این او بود که به تمام خواسته‌هایش رسیده بود. بعد از یک ماه، یک روز به خوابگاه من زنگ زد و گفت: بیا خانه ام کارت دارم! نیم ساعت بیشتر وقت را نمی‌گیرم ا وقتی من بعد از افطار رفتم، گفت: قصد ازدواج دارد و هنگامی که ازدواج کند، هیچ گونه ارتباطی نخواهد داشت، چون نسبت به زندگیش مسئولیت دارد. او کلی اظهار میکرد که عوض خواهد شد. من هم اولین کلمه، گویا اجباراً تریک بود که گفتم، اما آن شب من دو ساعت در خانه او بودم. آن قدر به خاطر مسئله‌ای که می‌گویم، سرزنش کرده که من واقعاً گریه ام گرفت. گریه کردم بر تمام چیزها. من اولین دفعه، توی زندگی ام گول خوردم، بازچه دستان یک پسر قرار گرفته بودم. دلم پر از کینه و نفرت شده، همه اش در صدد انتقام هستم. دلم می‌خواهد خفه اش کنم، چون او به تمام خواسته‌هایش رسیده بود و اکنون من مانده‌ام و دنیای غم و غصه، دنیای ندامت و پشیمانی، دنیای بد بینی، دنیایی از نفرت به تمامی انسان‌ها، دنیای ترس و وحشت، دنیای افسوس، دنیایی که بقیه را اگر نگویم، بهتر است. دیگر روحیه هیچ چیز ندارم، خواهش میکنم کمک کنید و بگویید چه کنم که بتوانم مرهمی بر زخم‌های دلم بگذارم؟ عاجزانه کمک می‌خواهم من تمام مسئولیت‌ها را فراموش کرده بودم. من خسته شده‌ام. از دنیا و زمانه خسته شده‌ام، از تمام این مکر و حيله‌ها. کمک کنید. من هیچ دوستی که بتوانم این طور راحت حرف‌هایم را با او در میان بگذارم، ندارم. من مانده‌ام با کلی تنهایی، من هستم و خستگی و پشیمانی. قبل از اینکه به حل مشکل بپردازیم، تا به قول شما: "مرهمی بر زخم‌های دل خویش بگذارید،" باید علل و عواملی که باعث این همه نگرانی و درد و رنج (ترس و وحشت نسبت به تمام انسان‌ها و بد بینی به آنان، خستگی از دنیا و زمانه، استیصال و درماندگی، احساس افسردگی و سرخوردگی و ناامیدی از همه چیز) شده است، شناسایی شود، تا با روشن شدن صورت مسئله، بهتر بتوان برای جبران خطاهای انجام گرفته، اقدامی انجام داد و یا راه کار عملی مناسبی ارائه کرد. نخستین خطا و اشتباه شما، خوش باوری و اعتماد به فردی بود که نه تنها شناخت کافی از او نداشتید؛ بلکه برای اولین بار او را دیده بودید و به قول خودتان، با چنین سابقه‌ای حاضر شدید، با او در خیابان قدم بزنید و با وی گفت و گو کنید: چرا و براساس چه منطقی، به خود جرأت دادید که با چنین فردی هم سخن شوید؟! شما که قبلاً یکی دو بار با بی‌اعتنایی و بی‌توجهی از مقابل او گذشتید، چه شد که وقتی به شما گفت: خانم عزیز! یک لحظه صبر کنید "کوتاه آمدید؟" ا با خود فکر نمی‌کنید که چگونه این جمله فریبنده و ناشی از احساسات شهوت‌آلود، توانست اراده شما را سست کند؟! افسوس که در پی اولین خطا، لغزش‌های بعدی، یکی پس از دیگری پدید آمد!! خشت اول

پرتگاه سقوط قرار گیرد. پس راز و نیاز و ارتباط معنوی با خداوند متعال را فراموش نکنید؛ بلکه روز به روز به آن بیفزایید. کمک گرفتن از اولیای الهی و ائمه اطهار؟ به خصوص فاطمه زهرا؟ برای شما دختران حقیقت جو و جویای پاکدامنی، بزرگ ترین نعمت در چنین موقعیت است.

اشتباهم کجا بود؟

پرسش ۱۱. دختری نوزده ساله و دانشجوی ترم اول کامپیوتر هستم؛ می خواهم کمی صادقانه با شما حرف بزنم. دلم نمی خواهد فکر کنید دارم از خودم تعریف میکنم. من تا قبل از ورود به دانشگاه با هیچ پسری ارتباط نداشته ام. اوایل که می خواستم به دانشگاه بروم، از محیط آن کمی می ترسیدم و بعد کم کم عادت کردم. در کلاس ما بچه های مختلفی هستند...؛ اوایل خیلی خوب میگذشت و بنده هم هیچ قصدی در هیچ کدام از بچه ها نمی دیدم؛ چون خودم در اقوام و فامیل از ماجراهای دوست های خیابانی کاملاً خبر داشتم و همیشه مواظب بودم مبادا کاری کنم که ابروی خودم و خانواده ام برود... یک ماه که از شروع کلاس هایمان گذشت، کم کم با بچه ها خو گرفتم و سلام و احوال پرسی با آنها برایم عادی شد. در این بین با دختری دوست شدم که او به راحتی با پسرها سلام و علیک داشت... مدتی بعد سلام کردن به پسران هم شروع شد. آنها هم به ما سلام میکردند. یک روز که با دوستم از دانشگاه بیرون می رفتیم، صدایی از پشت سر، مرا جلب کرد. کسی من و دوستم را صدا میکرد. ایستادیم؛ نزدیک آمد و گفت: خانم می خواهم با شما حرفی بزنم. اول کمی عقب نشینی کردم؛ ولی بعد گفتم: بفرمایید. گفت: نمی شود؛ باید تنها با شما حرف بزنم. کمی از دوستم فاصله گرفتم و گفتم بفرمایید.

گفت ببخشید؛ مدتی است شما را زیر نظر دارم و از اخلاق شما خیلی خوشم آمده است. درباره شما کمی هم تحقیق کرده ام. اگر لطف کنید، مدتی با هم دوست باشیم! حالم خیلی خراب شد. خیلی سریم با او تندی کردم و بعد از آن حدود ۳ ساعت فقط گریه میکردم و افسوس می خوردم که او چرا باید این حرف را به من بزند؛ مگر من چه کار کرده بودم. دوستم در راه دلداری ام می داد و سعی میکرد آرامم کند. من به دوستم گفتم: برو به او بگو؛ خیلی احمقی که از این حرف ها می زنی و پس از آن تصمیم گرفتم با او حرف نزنم و قهر کنم! هفته ها و ماه ها گذشت و من هنوز با او قهر بودم؛ ولی در تمام مدت به فکر او و آن جمله ای بودم که خیلی از پسران با آن دختران را فریب می دهند... دوستم چندین بار دفتر و جزوه هایش را به او داده بود و پیش من خیلی از او تعریف میکرد. کم کم حس حسادت در من به وجود آمد و حسودی میکردم که دوستم با او حرف می زند، ولی من نه! روزها بود که دوستم میگفت: "فلانی آنجا است: برویم به او سلام کنیم و...، من میگفتم: نه خودت برو، من نمی آیم؛ و او می رفت و... امتحانات پایان ترم تمام شد و من و او مجبور بودیم، جز وقت امتحان همدیگر را نبینیم. نمی دانم چگونه شد که با او سخن گفتم. این کار بغض سکوت میان ما را شکست و او شروع به حرف زدن کرد. خیلی خوشحال بودم که با او حرف زدم. چون دلم به حالش می سوخت و از یک نظر ناراحت بودم؛ چون ممکن بود دوباره رویش باز شود و حرف هایی که نباید بگوید، بر زبان براند... از شما مشاور محترم سوالاتی دارم. امیدوارم هر چه سریم تر جواب دهید و مرا از این بلا تکلیفی در آورید. ۱. اصلاً کار اشتباهی کردم که با بچه های کلاس من ارتباط برقرار کردم؟ ۲. در مسئله ای که پیش آمد، اشتباهم کجا بود؟ ۳. به نظر شما، خانم... می تواند دوست خوبی برایم باشد؟ ۴. به نظر شما، باید هنوز با او قهر کنم و چهار ماه قهر کم بود؟ ۵. در چنین مواقعی، چگونه باید برخورد کنم؟ ۶. آیا با او کلاً حرف نزنم؟ ۷. آیا او را چون برادر دوست داشتن گناه است؟ ۸. کمی مرا نصیحت و راهنمایی کنید؟ خیلی ممنونم که به درد دلم گوش دادید. خواهشمندم جواب مرا بدهید. از شما خیلی متشکرم. مشکلات و پرسش های شما را می توان در چهار محور زیر خلاصه کرد: ۱. ارتباط با دوستان و همکلاسی ها، از جمله ارتباط با جنس مخالف، چگونه است؟ ۲. مشکل اصلی جریان ذکر شده در کجا ریشه دارد؟ ۳. راه حل درست این مشکل و جلوگیری از عوارض بعدی آن چیست؟ ۴. برای رهایی از چنین دام های شیطانی و گرفتار نشدن مجدد در آن، چه باید کرد؟ یک. ارتباط با هم کلاسی در این باره باید یادآور شد: ۱ انسان، به ویژه جوان، به ارتباط اجتماعی نیازمند است؛ زیرا آدمی موجود اجتماعی بوده و ارتباط با دیگران، پاسخ آن نیاز درونی

است. انتخاب همسالان و همکلاسی‌ها، می‌تواند نشانه درایت و خردورزی فرد باشد و زمینه رشد فکری، اجتماعی و علمی او را فراهم آورد؛ به عبارت دیگر، از طریق ارتباط با دیگران و انتخاب دوست - که به شکل‌گیری شخصیت می‌انجامد - یکی از نیازهای مهم زندگی خود را برآورده می‌سازیم. البته آنچه باید بیش از لزوم داشتن ارتباط با دیگران، مورد توجه و حساسیت معقول قرار گیرد؛ میزان و چگونگی ارتباط با همسالان و همکلاسی‌ها و در نهایت انتخاب دوست است. داشتن روابط ضرورت دارد؛ ولی چگونگی آن از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ به گونه‌ای که وقتی نحوه ارتباط به اصل مسئله آسیب رساند، برای حفظ امور مهم تر و حیاتی‌تر، باید از ارتباط چشم پوشید. خردمند کسی نیست که بتواند بین خیر و شر، خیر را تشخیص دهد و انتخاب کند؛ بلکه خردمند کسی است که بین دو شر، آنچه شرش کمتر است برگزیند. پس باید در ارتباط با همکلاسی‌ها - به ویژه انتخاب دوست و استحکام بخشیدن به روابط دوستانه - دقت و اهتمام جدی داشت، تا از آفت‌های ارتباط - که هر لحظه ممکن است خرمن عفت و پاکی اش را آتش بزند - مصون بماند. قرآن در سوره‌های "مائده" و "نساء" مردان و زنان را از ارتباط پنهانی با یکدیگر بازداشته است. امیر مومنان علی؟ نیز از سلام کردن به زنان جوان، اجتناب می‌ورزید. بی‌تردید ما از امام علی؟ پرهیزگارت‌تر و با معنویت‌تر و مطمئن‌تر نیستیم. وقتی آن حضرت چنین احتیاط می‌کند، وظیفه ما روشن و بی‌نیاز از توضیح است. دو اشتباه اصلی ریشه مشکل و اشتباه اصلی شما آن است که به رغم آگاهی از وجود برخی افراد ناسالم محیط‌های اجتماعی، در انتخاب دوست مناسب، دقت کافی مبذول نداشته‌اید. شما حتی در برابر خروج همکلاسی‌تان از حدود اخلاق و شرع و ارتباط آسانش با جنس مخالف، حساسیت نشان ندادید و او را از این عمل نهی نکردید!! ممکن است بگویید: او به سخن شما توجه نمی‌کرد: در این صورت باید از رابطه خویش با وی چشم می‌پوشیدید. شما که از برخی مشکلات فرهنگی و جریان‌های اخلاقی جامعه آگاه بودید و قبل از ورود به دانشگاه، فطرت پاکتان شما را از ایجاد ارتباط با جنس مخالف باز می‌داشت: چگونه یک ماه پس از ورود به دانشگاه، این مسئله را عادی پنداشتید و به تدریج در دامی که از آن میگریختید، گرفتار آمدید! بی‌تردید این پدیده تأثیر تدریجی و ناخودآگاه دوستی را می‌نمایاند. در مدتی کوتاه، آنچه فطرت پاکتان زشت می‌شمرد، از یاد بردید و دیدگاه‌تان دگرگون شد. با این مقدمه روشن می‌شود: آن دختر همکلاسی‌تان برای شما، دوست خوبی نیست و در ترک ارتباط با دوست پسر، هرگز تردید نداشته باشید؛ زیرا چنین ارتباط‌هایی، هم مورد نهی عقل و شرع است و هم مخالف عرف جامعه سالم. مطمئناً باید او و هر فرد دیگری را از ذهن خود بیرون کنید. حتی اندیشیدن در این باره، مزاحم کار اصلی شما (تحصیل علم) است. مانند سال‌های پیش از ورود به دانشگاه، ذهن و رفتارتان را از این گونه مسائل خالی کنید که ارزش در حفظ عفاف و پاکی است. سه راه حل صحیح مشکل در پاسخ به این مسئله توجه به امور زیر بایسته است: ۱-۳. ریشه اشتباه خود را به دقت بررسی کنید. ۲-۳. باید توجه کنید که شما از توانایی و استعداد کافی، جهت پیشرفت تحصیلی برخوردارید و خداوند توفیق قبولی در یک رشته خوب و کارآمد و احتمالاً مورد علاقه‌تان را به شما عطا کرده است؛ این فرصت طلایی را قدر بدانید و به ارزش آن توجه کنید. بنابراین، در دوره کوتاه و حساس دانشجویی - که می‌تواند زمینه خوشبختی و سعادت آینده‌تان را فراهم آورد - تمام همت و تلاشتان را در تحصیل دانش قرار دهید. تنها مسئولیت دانشجو، دانش‌اندوزی است. شما نیز جز درس و مطالعه و تحقیق به چیزی نیندیشید. اینکه "با فلانی چه کنم"، با زندگی تحصیلی شما و دانشجویی شما سازگار نیست! ذهن خود را به این اوهام و افکار بی‌ثمر، آلوده نسازید. ۳-۳. از موقعیت‌ها و مکان‌هایی که آنها حضور دارند، یا به گونه‌ای موجب ورود اندیشه‌های زیان‌بار به ذهنتان می‌شود، دوری کنید و بکوشید زندگی روزانه‌تان، بر اساس یک برنامه ریزی درست و حساب شده پیش رود. ۴-۳. تا وقتی تصمیم به ازدواج نگرفته‌اید، اندیشه ارتباط با جنس مخالف را از ذهن بیرون سازید. البته در آن زمان نیز به شکل مناسب و به طور رسمی و تحت نظر خانواده محترمتان، عمل کنید. از هر گونه ارتباط مستقیم، - حتی برای آشنایی از اوضاع و احوال فردی و خانوادگی وی جهت ازدواج - پرهیزید. ۵-۳. در روایتی آمده است: "نگاه حرام، تیری زهر آلود از تیرهای شیطان است و چشم‌ها دام شیطانند". معمولاً اندیشه، در پی چیزی می‌رود که چشم

دیده است. پس بهتر است انسان نگاهش را کنترل کند تا دچار انحراف فکر و اندیشه نشود. بنابراین ضمن کنترل نگاه خود، بدانید شیطان در ارتباط دو نامحرم شرکت فعال دارد. او در پیشگاه خداوند سبحان، سوگند یاد کرده است که جز به گمراهی انسان‌ها، نیندیشد و هرگاه دو نامحرم خلوت کردند، در جمع آنها شرکت جوید! پس از خلوت کردن با جنس مخالف - هرچند به بهانه گفت و گوی دوستانه یا علمی - سخت پرهیزید. شیطان هیچگاه به طور مستقیم، آدمی را به خیانت و خلاف، دعوت نمیکند. انسان نیز از آغاز در پی انحراف فکری و عملی نیست. شیطان او را در موقعیتی قرار می‌دهد که فرد به صورت ناخود آگاه، به سوی زشتی گام بر دارد. ۳-۶. در تقویت حیا و عفاف خود بیشتر بکوشید؛ زیرا رسول گرامی اسلام می‌فرماید: اگر کسی حیا نداشته باشد، به هر کاری دست می‌زند. حفظ پاکی و داشتن عفاف مایه زینت انسان است. ۳-۷. در انتخاب دوست دقت کنید. دوست خوب، کسی است که افزون بر وفاداری تعهد، آگاهی، بینش و دوراندیشی، به مقررات اخلاقی، آداب اجتماعی و خانوادگی و از همه مهم تر به قوانین و دستورات شرعی پای بند باشد. بی تردید، کسی که به مفسد اخلاقی، آلوده و با دستورات دینی و اخلاقی بیگانه است، شایسته دوستی نیست. کسی که از ارتباط با نامحرم و جنس مخالف نمی‌پرهیزد و معیار حیا و عفاف را زیر پا نهاده و انسان را به ضد ارزش‌ها دعوت می‌کند؛ شایسته رفاقت و مهرورزی نیست. با کسی دوست شوید که نگاه به او، شما را به یاد خدا اندازد و گفت و گو با وی، سبب پیشرفت علمی و رشد معنوی شما شود.

نگاه استاد

پرش ۱۲. دختری ۲۶ ساله و دانشجوی سال دوم رشته زبان انگلیسی هستم. چندی قبل در کلاس کامپیوتر با نگاه‌های مداوم استادمان روبه رو شده، به او علاقه مند شدم. من قبل از این حتی با پسر عمو و پسر خاله‌هایم هم جز سلام کردن، صحبتی نمی‌کردم و آدمی خجالتی بودم؛ اما در ارتباط و صحبت با این استاد و نگاه‌های مستقیم او اصلاً خجالت نمی‌کشیدم و فکر می‌کردم که همسر مورد علاقه ام را پیدا کرده‌ام. با پایان کلاس کامپیوتر، من همواره به فکر او بودم و به همین دلیل در درس‌های دانشکده ناموفق بودم. اکنون مضطرب و پریشان خاطر هستم. یک جزوه از درس‌های استاد نزد من است و جرأت نگاه به آن را ندارم. با اینکه فردی معتقد، مذهبی و مفید به ظواهر شرع و عبادات بودم، اکنون سرخورده شده‌ام و احساس یأس، نویدی و شکست دارم. بارها از خدا خواسته‌ام که فکر او از سرم بیرون برود؛ اما دعایم مستجاب نشد. اکنون عبادات را فقط به خاطر رفع تکلیف انجام می‌دهم. از شما تقاضای راهنمایی دارم؛ زیرا وضعیتی بسیار بحرانی دارم.

در پاسخ این مشکل نکاتی چند بیان می‌شود: یکم. دوره جوانی از حساسیت زیادی برخوردار است؛ عواطف و احساسات جوان در این دوره، بروز و ظهور بیشتری دارد و در تعامل با دیگران، در پی تأمین برخی نیازهای عاطفی است. وجود این نیاز و گرایش به سوی تأمین آن، امری طبیعی است؛ ولی آنچه مهم است، چگونگی پاسخ به آن است. اینجا است که باید چنین گرایشی به کنترل اندیشه و عقل درآید. گمان نشود اگر چنین گرایشی در فرد ایجاد شود، از گردونه انسانیت و ایمان خارج می‌شود؛ بلکه آن روش و چگونگی برخورد با آن است که افراد را از یکدیگر متمایز می‌سازد. پس نگران چنین حالتی - که برخاسته از احساس نیاز است - نباشید و مطمئن باشید به تدریج حل خواهد شد. دوم. متعهد، مذهبی و پای بند به واجبات بودن، یک امتیاز و ارزش واقعی است و همان طور که در گذشته و تاکنون همین باورهای دینی و مذهبی، شما را از هر گونه انحراف فکری و اخلاقی حفظ کرده است؛ مطمئن باشید پابندی به اصول اخلاقی و تقویت روح امید و توکل بر خداوند متعال، بهتر و سریع تر شما را از این مشکل بیرون برده و امکان دسترسی به ساحل نجات و رهایی از آن را بیشتر فراهم خواهد ساخت. بنابراین، توصیه می‌شود توکل بر خداوند را در رأس امور قرار دهید و توسل به ائمه اطهار؟ و بهره گرفتن از روح بلند آنان را هرگز فراموش نکنید و همچون گذشته، به شما کمک خواهند کرد و در انجام واجبات و تکالیف شرعی (خواندن نماز، گرفتن روزه و حفظ عفاف، حجاب و...) همچون گذشته محکم و استوار باشید که نجات در همین است. سوم. اگر اندکی به اطراف خود نگاه کنید، روشن می‌شود که برای هر خوبی، خوب تری یافت می‌شود و برای هر کمالی، کمالی بالاتر قابل تصور است. این قاعده هم در امور مادی و طبیعی جاری است و هم

در امور معنوی. بنابراین دل بستن به یک امر مادی یا معنوی در نگاه اول، به عنوان کمال مطلق، صحیح و عاقلانه نیست: زیرا بالاتر و بهتر و ارزشمندتر از آن یافت خواهد شد و بهتر است به کمال و ارزشی دل ببندیم که بالاتر از آن یافت نشود. چهارم. گاهی انسان گمان می کند خیر و صلاحش، در امری است؛ حال آنکه چنین نیست و برعکس گاهی انسان از چیزی متنفر می شود و بدش می آید؛ حال آنکه خیر و صلاحش در همان است. قرآن می فرماید (عَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ وَعَسَى أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَكُمْ) ۱۰۱ انسان به خاطر اینکه به تمام ابعاد وجودی و آینده خود آگاهی ندارد، نمی تواند به تشخیص صحیح و کاملی از وضعیت موجود و آینده برسد و خداوند عالم، قادر و آشنا به مصلحت بنده اش، مانع از رسیدن به محبوب او می شود: زیرا برای او پسندیده و مفید نیست. پس اگر تاکنون نتوانسته اید به مطلوب خود دست یابید، چه بسا به صلاح شما نبوده است. نمونه ها و نظایر این امر را در زندگی بسیار از افراد، می توان مشاهده کرد که ازدواج آنان موفقیت آمیز نبوده؛ بلکه مشکل تنهایی آنان، به ده مشکل جمعی تبدیل شده است. پنجم. با توجه به نکات یاد شده، راه کارهای زیر را ارائه میکنیم تا با عمل جدی به آنها، از چنین وضعیت روحی بیرون آید: ۱. درباره فرد مورد نظر خود فکر نکنید و هر گاه ذهنتان به وی مشغول شد، با مطرح کردن موضوع یا مسئله دیگری، از فکر کردن درباره وی دور شوید و آنچه را موجب می شود، به یاد او بیفتید (مثل جزوه ای که نزد شما است)، ۱. بقره (۲)، آیه ۲۱۶. از بین ببرید و یا به یکی دیگر از دوستان بدهید؛ به طوری که در اتاق و خانه شما نباشد. ۲. هر گاه احساس کردید ناخود آگاه مشغول فکر کردن درباره وی شده اید، بلافاصله با کوبیدن مشت خود روی زمین و گفتن "بس است"، از این حالات روانی بیرون بروید و مشغول کاری عملی شوید تا از فکر کردن در این باره رهایی یابید. ۳. با خود حدیث نفس کنید و بگویید: عشق و علاقه ای خوب و ارزشمند است که دو طرفه باشد. اکنون وی هیچ توجهی به من ندارد. پس احساس علاقه من به وی، نه تنها راه گشا نیست؛ بلکه تخریب کننده نیز هست و با اشتغال تمام ذهنم، مانع از هر گونه تصمیمگیری صحیح و حتی کار و تلاش شده است. در واقع نگاه ها و رفتارهای قبلی وی، ناشی از سودجویی و سوءاستفاده های جنسی بوده و هرگز به فکر من و تأمین آینده موفقیت آمیز من نبوده است! به عبارت دیگر هرگز دلش برای من نسوخته و علاقه اش کاملاً جنبه شهوانی داشته است! این نگاه ها جهت ارضای خودخواهانه نیازهای جنسی اش بوده است، و گرنه عشق پاک و خالی از آلودگی، این چنین گذرا و متغیر نیست؛ آن گونه که در وجود وی کاملاً ظهور و نمود داشته و اکنون نیز از وی خبری نیست و به دنبال اهداف شخصی اش است. بنابراین او نمی تواند همسر وفاداری برای من و تأمین کننده سعادت و خوشبختی من باشد. ۴. با برجسته کردن دیگر نکات منفی و نقاط ضعف رفتاری، شخصیتی و اخلاقی - که احتمالاً در فرد مورد نظر هست - از تمایل و علاقه کاذب خود به وی بکاهید. اگر خواستید درباره وی بیندیشید، درباره نقاط ضعف وی فکر کنید. ۵. هر گاه ذهنتان به وی مشغول شد، به خود تلقین کنید: "او صلاحیت همسری با من را ندارد"، "او تناسبی با من ندارد" و "از او بدم می آید" یا با خود بگویید: "انسان هر کس را دید نباید از او خوشش بیاید"، نباید هر کس بتواند دل من را تسخیر کند" و "من آدم ضعیفی نیستم." تأکید می شود این جملات را به زبان جاری و برای خود زمزمه کنید. ۶. نکات منفی و نقاط ضعف رفتاری و شخصیتی فرد مورد نظر را در ذهنتان برجسته کنید. ۷. هرگز بیکار نباشید و برای اوقات شبانه روز خود، برنامه ای تدوین نمایید. برای اوقات فراغت خود فعالیتی را در نظر بگیرید (برنامه های ورزشی، هنری و...) و از آنجا که چنین افکاری معمولاً در تنهایی به سراغتان می آید، برای مدت زیادی، به تنهایی در جایی قرار نگیرید و مطالعات خودتان را در حد ممکن، در سالن مطالعه کتابخانه و در جمع دیگران انجام دهید. ۸. ارتباطات اجتماعی و رفت و آمد و معاشرت با دوستان، اقوام و... را بیشتر کنید. ۹. در فعالیت های دسته جمعی، حضور فعال تر و بیشتری داشته باشید. ۱۰. توجه به این نکته بسیار ضروری است که اگر چنین حالات روانی (احساس سرخوردگی، یاس، نومیدی و شکست) برایتان حاصل شده، محصول کارهای گام به گام خودتان بوده و کسی شما را به این وادی - بدون اختیار شما - نکشاده است. مطمئناً خداوند نیز هرگز جلوی آزادی عمل انسان ها را نگرفته و نمیگیرد؛ چرا که مخالف اصل آزادی انسان است. بنابراین، به تدریج و گام به گام، می توان از چنین وضعیت

روحي و فضاي رواني حاکم بر ذهنتان خارج شد و گمان نشود که تمام مشکلات یک شبه حل می شود. از طرف دیگر، انتظار معجزه هم نداشته باشید. با مقاومت و پایداری و حفظ تعادل خود، مطمئن باشید از چنین وضعیتی بیرون خواهید آمد. ۱۱. یکی از بهترین راه‌های خروج از این وضعیت، آن است که هر چه سریع تر ازدواج کنید. اگر خواستگار مناسبی برایتان آمد، سختگیری زیادی نکنید: همین که از تناسب کافی برخوردار بود و شرایط و صلاحیت اخلاقی، دینی و خانوادگی لازم را داشت، پاسخ مثبت دهید. مطمئن باشید با ازدواج، تمام آن افکار از ذهنتان خارج خواهد شد.

روابط دختر و پسر

پرسش ۱۲. مدت ها است این مسئله فکرم را مشغول کرده است که با جامعه‌ای که هر روز را در آن به شب می‌رسانم، چه کنم؟ اتفاقاتی که در دانشگاه می‌افتد و روابط پسران و دختران که بسیاری از اوقات زشت و ناپسند است، ناشی از بی‌فرهنگی است یا بی‌ایمانی؟ نمی‌دانم ناشی از چیست؛ ولی در جامعه ماکه اسلامی است، واقعا غیر قابل تحمل است و عرف جامعه سنتی ما چنین حرکات و روابطی را نمی‌پسندد. خودشان استدلال میکنند در اسلام گفته شده است دو نفر که یکدیگر را دوست داشته باشند، به هم محرم اند! با این استدلال بدون هیچ گونه عقد رسمی یا صیغه، با هم قدم می‌زنند و یا حتی گاهی اوقات، به قول خودشان برای شناخت بیشتر، بدون اطلاع خانواده‌ها در خلوت باهم صحبت میکنند. آیا در احکام دینی چنین چیزی وجود دارد؟ به نظر شما، وظیفه ما در این موقعیت چیست و چه باید بکنیم؟

گاهی اوقات فکر میکنم کاش در دانشگاه‌ها دختران و پسران را جدا میکردند؛ ولی باز با خودم میگویم آن وقت این اتفاقات در پنهان می‌افتاد و شاید بدتر از این می‌شد. واقعا علت چیست و چه باید کرد؟ دوست دارم به این گونه افراد گفته شود: فکر نکنند که شجاعت به خرج می‌دهند و در جلوی چشم نامحرمان و پسران دیگر با یکدیگر قدم می‌زنند یا دست می‌دهند و یا شانه به شانه راه می‌روند!! توجه شما به مسائل فرهنگی و اجتماعی جامعه- به خصوص لزوم رعایت ارزش‌ها و هنجارهای دینی و اخلاقی در محیط دانشگاه- و احساس مسئولیت در برابر بعضی از نابهنجاری‌ها، قابل تقدیر و تحسین است. در این نامه سه پرسش اصلی به چشم می‌خورد: ۱) آیا صرف دوست داشتن دختر و پسر، آنها را محرم میکند؟ ۲) روابط ناپسند دختر و پسر در دانشگاه‌ها، ناشی از چیست و چرا گسترش یافته است؟ ۳) وظیفه و مسئولیت ما در این موقعیت چیست و چه باید کرد؟ در پاسخ سوال اول باید یادآور شد، آنچه سبب ایجاد پیوند زناشویی می‌شود، خواندن صیغه عقد از سوی زن و مرد یا وکیلان آنها و با اجازه پدر دختر و حفظ شرایط آن است. در غیر این صورت، سببی برای ایجاد زوجیت و محرمیت زناشویی وجود ندارد و صرف دوست داشتن متقابل دو نفر، مجوزی برای محرم شدن آنان نیست. علل روابط ناپسند در پاسخ به سوال دوم به عواملی چند می‌توان اشاره کرد: ۱. عدم ارضای صحیح غریزه جنسی بی‌تردید ایام جوانی، دوران بیداری غریزه جنسی و گرایش به جنس مخالف است. در این ایام شوق جنسی و احساسات بر روان آدمی سایه می‌افکند؛ ناخودآگاه رفتار، سخن و نگاه جوان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و سبب تحریک پذیری وی، در برخورد با جنس مخالف می‌شود. طبیعی است این نیاز درونی، باید به طور صحیح و مطلوب ارضا و تأمین شود. راه پذیرفتنی آن نیز ازدواج است؛ ولی متأسفانه به دلایل مختلف فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی- نظیر بالا رفتن سطح انتظارات و توقعات خانواده‌ها و توجه به بعضی تشریفات غیر لازم، معضل اشتغال و آینده شغلی جوانان، ادامه تحصیل آنها و عدم وجود امکانات و شرایط مالی مناسب برخی خانواده‌ها- سن ازدواج دختران و پسران افزایش یافته و در نتیجه ارضا و تأمین عاقلانه و صحیح این غریزه سرکش، به انحراف کشیده شده است. بنابراین، این گونه رفتارهای نابهنجار در جامعه دینی و سنتی ما روبه فزونی است و اگر نگوییم به یک "بحران اجتماعی" تبدیل شده است؛ به یقین یک معضل اجتماعی گشته است! متأسفانه نظام اجتماعی ما تاکنون نتوانسته با فراهم کردن زمینه ازدواج جوانان، از گسترش این رفتارهای نادرست پیشگیری کند. ۲) احساس نیاز به محبت در این سنین، جوانان خواهان روابط دوستانه و هم سخن شدن با یکدیگرند". اریکسون، (یکی از روان‌شناسان غرب)، میگوید؛

جوان در این مرحله، می‌خواهد روابط دوستانه نزدیکی با دیگران پیدا کند؛ ارزشمندترین و مهم‌ترین هستی و دارایی اش را به فردی دیگر هدیه دهد. در پی یافتن هویتی جدید است و گمان میکند خانواده و والدینش، نمی‌توانند از وی حمایت کنند. بنابراین، اگر این نیاز در محیط خانوادگی به خوبی تأمین نشود یا لطمه ببیند و مخدوش شود، نیاز به محبت و ابراز محبت و برقراری ارتباط دوستانه، دچار اختلال خواهد شد. به عبارت دیگر، دختر و پسر که عواطف و احساساتشان در درون خانواده ارضا نشود و در جمع خانوادگی احساس غربت و تنهایی کنند، در فضای باز و آزاد جامعه، طعمه افراد فرصت طلب و سودجو می‌شوند! به راحتی در دام افراد شیاد می‌افتند یا حداقل میل متقابل آنها و جنس مخالف، سبب می‌شود آنان به بهانه‌های مختلف- از قبیل آشنایی برای ازدواج و تبادل نظر درباره مسائل علمی و درسی- در جهت تأمین و ارضای این نیازشان گام بردارند؛ البته با روشی غلط و غیر قابل قبول. ۳. الگو گرفتن از جوامعی غیر خودی و غیراصیل جوامع دیگر میگیرند. بی‌تردید گسترش ارتباطات اجتماعی و توسعه آن، گسترش و توسعه تکنولوژی و وسایل ارتباط جمعی و عوارض پدیده جهانی شدن در همه عرصه‌ها، در این خودباختگی و روی آوردن به فرهنگ بیگانه، نقش اساسی دارد. این امور سبب می‌شود جوانان، فرهنگ‌ها و ارزش‌های دیگر جوامع را الگو قرار دهند و به گمان اینکه این گونه روابط، عامل رشد و نشانه کمال و وسیله ابراز شخصیت است، به آن روی آورند. در این میان، مسئله رقابت جوانان و به رخ کشیدن خود برای همسالان نقشی عمده ایفا میکند. برخی برای اینکه در جمع دوستان مورد تحسین قرار گیرند و یا دست کم بی‌عرضه و بی‌جرات خوانده نشوند، به دنبال دوست پسر یا دوست دختر میگردند و با آنکه به خوبی از عواقب سوء این کارها آگاهند، از آن دست نمیکشند!! راه کارهای عملی اما در وضعیت حاضر، در برابر چنین معضل اجتماعی چه باید کرد؟ به نظر می‌رسد، متناسب با علل به وجود آورنده و عوامل گسترش دهنده این مشکل، باید اقداماتی درخور انجام داد. بخشی از اقدامات سودمند در این مسئله عبارت است از: یک. ارضای صحیح گزینه جنسی معقول‌ترین راه برای نجات یافتن از این گونه رفتارهای نابهنجار یا کج روانه است. ویل دورانت، مورخ دانشمند معروف، درباره ازدواج می‌نویسد: اگر راهی پیدا شود که ازدواج در سال‌های طبیعی انجام گیرد، بیماری‌های روانی و انحرافات جنسی- که زندگی را لکه دار کرده است- تا نصف تقلیل خواهد یافت. شاید به همین جهت است که در آموزه‌های دینی ما تسریع در ازدواج فرزندان و جوانان، مورد تأکید قرار گرفته است. این دستورات و تشویق‌ها، گویای آن است که می‌توان با ازدواج، از بسیاری انحرافات اخلاقی و جنسی و روابط ناسالم و غیر مشروع دو جنس، پیشگیری کرد. البته این موضوع به تلاش همگانی خانواده‌ها و مسئولان و اصلاح نگرش‌ها و آداب و رسوم نادرست و فراهم کردن تسهیلات و امکانات ازدواج، بستگی دارد و افراد، خانواده‌ها و حکومت، وظیفه دارند در مسیر تحقق مقدمات ازدواج جوانان بکوشند. دو. تقویت روابط خانوادگی و ایجاد فضای عاطفی مثبت بین والدین و فرزندان و افزایش رابطه صمیمانه و نزدیک بین اعضای خانواده، عامل پیشگیرانه دیگری است که می‌تواند در ایجاد احساس امنیت و آرامش و تأمین نیاز عاطفی، نقش موثری داشته باشد: زیرا وقتی جوانان در خانه، با محبت و توجه کافی روبه‌رو نشوند، این محبت و رابطه عاطفی را در بیرون خانه جست‌وجو میکنند و متناسب با دوران بلوغ و اوج‌گیری احساسات غریزی، رابطه خود را با جنس مخالف توسعه می‌دهند. بنابراین، نیاز به محبت در دوره جوانی را باید با گسترش روابط عاطفی خانوادگی و نیز گسترش رابطه صمیمانه و دوستانه بین همسالان هم جنس، تأمین کرد و با یافتن دوستان مناسب و ایجاد رابطه گرم و عاطفی و انجام برخی فعالیت‌های دسته‌جمعی، به این نیاز درونی پاسخ مثبت داد. سه. خودکنترلی "خودکنترلی" می‌تواند جوانان جویای رشد و کمال و عفت و پاکی را در این فضای آلوده حفظ کند. با کنترل چشم، گوش و دیگر حواس و نیز کنترل افکاری که در این زمینه شکل میگیرد، می‌توان از تأثیرگذاری روابط ناسالم دیگران، تا حدودی جلوگیری کرد. مطمئناً هر چه بیشتر ذهن و حواس خود را در این زمینه مشغول سازیم، بیشتر تأثیرپذیر خواهیم بود. پس بهتر است اوقات فراغت خود را با برنامه‌ریزی صحیح پرکنیم و با

پرهیز از بیکاری و تنهایی و توجه به این صحنه‌ها، به وظیفه اصلی و مهم دوران دانشجویی (تحصیل علم) پردازیم. در پایان باید یادآور شد، برخی از جوانان، از اشتباه بودن یا عدم مشروعیت بعضی ارتباط‌های خود، آگاهی ندارند. برخورد روشنگرانه و عاطفی ما، می‌تواند به اصلاح و تغییر رفتار آنها انجامد. قطعاً حسن سلوک و رفتار شما در بیان این موضوع به آنها نقشی تعیین کننده دارد

۱. ۱. ر. ک: علی اصغر احمدی، تحلیلی تربیتی بر روابط دختر و پسر در ایران (انتشارات انجمن اولیا و مربیان)؛ ابوالقاسم مقیمی، جوانان و روابط، (انتشارات مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه علمیه قم)

ارتباط در شکل‌های مذهبی

پرسش ۱۴. توی انجمن اسلامی، جلسات با جوی صمیمی و تقریباً دوستانه ولی محترمانه برگزار می‌شود، ولی من خیلی آدم با ظرفیتی نیستم! زود جوگیر می‌شوم و بعضی وقت‌ها کنترل‌م از دست می‌رود و شاید از مرزهای حیا می‌گذرم؟ به خاطر همین نمی‌دانم شرکت در این جلسات برایم مفید است یا نه؟

به نظر می‌رسد منظورتان این باشد که با شرکت در چنین جلساتی ترس آن دارید، به تدریج گرفتار عوارض و پیامدهای عدم رعایت حریم‌ها شوید. در این رابطه گفتنی است: حیا برای زن و مرد زینده است: اما آراستگی دختران به حیا، از دو جهت اهمیت دارد: یکی از آن جهت که دختران با حیا، از شخصیت و متانت والایی برخوردارند و دیگر اینکه حیا موجب مصونیت آنان از آفت‌ها و آسیب‌هایی است که گوهر وجود زن را نشانه رفته است. بنابراین اگر حضور در چنین جلساتی، برای کسب معارف بیشتر و تعمیق ابعاد علمی و حتی معنوی- باعث خدشه دار شدن گوهر حیا، عفاف و متانت شما می‌شود، توصیه نمی‌شود در این جلسات شرکت کنید؛ مگر آنکه بتوانید با تسلط بر خود و کنترل رفتارها و طرز برخورد و گفتار، از مرزهای حیا پاسداری کنید. پیشنهاد می‌شود: ۱. برای استفاده از ابعاد علمی این جلسات، صرفاً حضور فیزیکی پیدا کنید و به اظهار نظر پردازید و با جنس مخالف وارد گفت و گو نشوید و فقط به گفته‌ها و سخنان گویندگان مختلف گوش دهید و سخن حق و تحلیل بهتر را انتخاب کنید. ۲. در صورت امکان، جلسات مربوط به، مباحث عقیدتی را به دو بخش خواهران و برادران تقسیم کنید و جداگانه به این گونه مباحث پردازید تا از اختلاط جلوگیری شود و زمینه گذشتن از مرزهای حیا، در جلسات مشترک فراهم نگردد. ۳. با یک برنامه ریزی حساب شده، دقیق و تدریجی، به کنترل نفس خود پردازید و در صورت تخطی از مرزهای تعیین شده، خود را جریمه کنید و با استفاده از سه روش (مشارطه، مراقبه و معاقبه)، به کنترل رفتار و اعمال خود پردازید. البته این راه حل سوم نیازمند همت بلند، اراد و محکم و تلاش زیاد است؛ ولی ما امیدواریم موفق شوید و دعاگوی شما نیز هستیم.

پیش ما می‌ماندید!

پرسش ۱۵. مهم‌ترین ماجرای زندگی ام را برایت تعریف میکنم: اگر پسندت افتاد، امید دارم که آن را چاپ کنید و توصیه‌ها و سفارش‌های خوبتان را نیز برایم درج بفرمایید.

هوای شرجی و تفتیده شهر غریب، آخرین نفس‌های خود را میکشید و می‌رفت تا جای خود را به هوای لطیف زمستانی بدهد. آبان هم رو به پایان بود و حالا من دقیقاً یک سال از خدمت‌م می‌گذشت. روز پنج‌شنبه‌ای بود که مرخصی درون شهری گرفتم و از پادگان بیرون آمدم. ... از سینماکه بیرون آمدم، به یاد یکی از دوستانم افتادم که خیلی اصرار داشت که حتماً توی این شهر غریب، یک بار هم که شده به خانه اش بروم. راه خانه او را در پیش گرفتم. وقتی که به خانه رسیدم، در زدم، چند دقیقه بعد خانمی پشت در آمد و گفت که برادرش در خانه نیست و چند ساعت دیگر می‌آید. چند قدم به عقب برداشتم که خداحافظی کنم و بروم که او با

لحنی شیطانی گفت: طولی نمیکشد؛ ممکن است بیاید. بفرماید داخل استراحت کنید تا او بیاید. در جدالی سخت، مغلوب شیطان شدم و به داخل خانه رفتم. مرا به سمت مهمان خانه راهنمایی کرد و طولی نکشید که با هندوانه و تنقلات پذیرایی شروع شد. حرکاتش عجیب و غریب بود. او لباس آستین کوتاه پوشیده بود و انواع و اقسام طلاها به دستانش آویزان بود. تپش قلبم آن تپش همیشگی نبود و مانند پیستونی سرعت داشت. در کشاکش جنجال بین وجدان و شیطان، وجدانم میگفت: مگر نمی دانی که ورود در جایی که مورد اتهام قرار میگیری، ممنوع است! چگونه وارد خانه‌ای شدی که فقط تو و یک دختر نامحرم درون آن هستید؟! اما شیطان اشاره میکرد، نگاه به جمال دختر کن! ضبط صوت بالای سر توست و انواع مختلف نوارها هم در کنارش وجود دارد؛ روشنش کن و شادباش! وضعیت ظاهری دختر با آن ناز و کرشمه اش، بر آتش این جنجال می افزود. او که دو، سه متری از من فاصله داشت، انواع و اقسام سوالات را از من می پرسید و می خواست نقشه اش را آرام آرام پیاده کند. با این اوضاع و احوال، شیطان می خواست که تمام وجودم را تسخیر کند و سکان کشتی هوا و هوس درونم را به دست بگیرد. نگاهم ناخودآگاه به سمت دیوار طرف قبله چرخید و خانه کعبه- با آن همه زیبایی هایش- تماشای زیبایی‌های ظاهری درون آن خانه را در نظرم هیچ کرد. اینجا بود که شیطان از پیشروی باز ایستاد و وجدان رمقی تازه گرفت. وجدان، درون دلم بانگ زد که آیا می خواهی فردا در روز تولد مولایت، دامت آلوده باشد و عید را با دامنی آلوده جشن بگیری! آیا می خواهی فردا، مولایت شیطان باشد. مگر فردا نمی خواستی به خاطر سیزده رجب، با دوستانت روزه مستحبی بگیری... پس چی شد! نگاهی به نایلونی که همراهم بود کردم. از روی نایلون، خوراکی هایی که برای سحری فردا گرفته بودم، مشخص بود. وجدان دوباره چنین آهنگی سرداد: تو که می خواهی فردا روزه بگیری، الان توی این محل گناه چه کار میکنی؟ اینجا بود که وجدان به قله پیروزی نزدیک شده بود و هوس را از قله دور می کرد. چون برق از جا بلند شدم و بهانه گرفتم که من باید بروم؛ اگر سر وقت نروم، اضافه خدمت می خورم. او با چشمانی متعجب گفت: شب پیش ما می ماندید... نان و پنیری پیدا می شود که با هم بخوریم. دیگر تحمل نداشتم. از خانه بیرون آمدم و به حیاط که رسیدم، او پشت سر من حرکت میکرد و هنوز هم میگفت می ماندید یا لا اقل شام را می خوردید و بعد می رفتید. دم در که رسیدم، در قفل بود؛ اما از خوش شانسی کلید روی در جا مانده بود. در را باز کردم، آخرین نیرنگ ها و نگاه‌های شیطانی اش را روانه من کرده بود؛ اما من از دامش جهیدم و از خانه بیرون آمدم و به طرف پادگان قدم برداشتم. وجدان پرچم پیروزی اش را بر قله وجودم به اهتزاز در آورده و چنان خوشحالی به من دست داد که هنوز هم شیرینی اش را در وجودم احساس میکنم. حال می اندیشم که اگر آن عکس کعبه نبود و یا فردای آن روز، میلاد امیرالمؤمنین؟ نبود، نمی دانم چه بلایی به سرم آمده بود؛ نه تنها دامنم آلوده شده بود، شاید حالا هم دانشجو نبودم و شاید اکنون دنبال پلیدی ها و هرزگی ها می بودم! این داستان واقعی، شاید برای دیگران اهمیتی نداشته باشد، اما برای این حقیر، بزرگ ترین درس ها را به دنبال داشت و همیشه احساس میکنم که یوسف گونه از بند شیطان رهیدم. از شما خواهش میکنم که به جوانان بگویید که پاک ماندن و پاک زیستن در این عصر، خیلی سخت است؛ اما اگر توکل به خدا و توسل به ائمه اطهار؟ داشته باشند و برای خود مثلی از توکل، توسل و اعتماد به نفس داشته باشند، این امر برای آنها سهل خواهد بود. از خدا می خواهم که تمام جوانان را از ورود به مکان‌های ناپاک و آلوده و مکان هایی که مورد اتهام قرار میگیرند، حفظ فرماید. لطفاً مرا راهنمایی کنید و در این مورد بگویید با اینکه توبه کرد ام، آیا هنوز هم گناهی در نامه عمل من وجود دارد؟! مطالعه داستان زندگی شما و اتفاق مهم و سرنوشت سازی که برایت رخ داده، هر خواننده‌ای را به تحسین و تعظیم قهرمان داستان- یعنی شما عزیز دانشجو- وا می دارد. من نیز یکی از این خواننده‌های نامه شما بودم که نه یک بار؛ بلکه صدها بار به شما آفرین گفتم و عزم و اراده محکم و باور قلبی تان نسبت به کعبه و مولود کعبه را ستودم. جوانان و دانشجویان عصر حاضر و فضای فرهنگی جامعه کنونی نیز باید به وجود عزیزانی همچون شما، مباحثات و افتخارکنند که این گونه با یک تصمیم عاقلانه، شجاعانه، برق آسا و سریع، از دام گسترده شده و مهلک شیطانی نجات یافته، از عفت و پاک دامنی خود محافظت،

نگه داری و پاسداری کردید. امکان نجات و رهایی از پرتگاه سقوط، در آخرین لحظات را فراهم نموده، سعادت و خوشبختی را در آغوش کشیدید. اینجا است که چنین رفتاری، ما را به سخن زیبای آن امام معصوم؟ رهنمون می شود که فرمود: "خداوند اولیای خود را بین بندگان خود مخفی کرده است؛ پس هیچ یک از بندگان خدا را کوچک نشمارید." واقعاً اولیای الهی، بین بندگان خداوند ناشناخته اند و آنگونه نیست که با نگاهی به ظاهرشان، بتوان آنها را شناخت. معدود افرادی هستند که می توانند در چنین موقعیت هایی، قرار گیرند و دست از پا خطا نکنند و این گونه سریع از مهلکه حتمی سقوط، خود را نجات دهند. همان طور که خودتان نیز نوشته اید، این اتفاق ما را به یاد داستان حضرت یوسف؟ می اندازد قرآن از زبان حضرت یوسف؟ می فرماید: (وَمَا أُبْرِي نَفْسِي إِنْ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا - مَا رَجِمَ رَبِّي إِنْ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ) ۱؛ «نفس خویش را تبرئه نمی کنم؛ زیرا که نفس، یقیناً بسیار بر بدی ها امر می کند؛ مگر آنچه را که پروردگرم رحم کند؛ همانا پروردگرم، غفور و رحیم است.» این آیه نکات زیبایی را می آموزد که به بعضی از آنها اشاره می شود: ۱. یوسف؟ مصون ماندن خویش از گناهان و ارتکاب بدی ها را امداد خدا می داند؛ نه برخاسته از اراده خود و بدون توفیق الهی. بنابراین، یوسف در مقام بیان این حقیقت است که اگر من مرتکب گناه نشدم، نه به جهت توان شخصی است؛ زیرا نفس، ترغیب کننده به گناه و بدی است. پس آلوده نشدن من به گناه، به توفیق الهی و رحمت او بوده است. ۲. ضرورت هوشیاری در برابر تمایلات نفسانی و لزوم فراهم آوردن زمینه های جلب رحمت الهی، برای مصون ماندن از خطرات آن، پیام دیگری است که این داستان آموزش می دهد و چنین گمان نشود که اگر یک بار و در یک رویداد، توانستیم بر هواهای نفسانی پشت پا بزنیم؛ پس در تمام صحنه های شیطانی دیگر نیز مصون و محفوظ خواهیم ماند. پس اگر در هر لحظه و کمتر از هر آنی در برابر چنین موفقیت هایی واقع شدیم، باید به رحمت الهی امیدوار باشیم و از مقام ربوبیت او کمک بطلبیم که در غیر این صورت، پیروز نخواهیم شد. ۳. مطمئناً کسی که از چنین امتحانی این گونه سرفراز بیرون آمده و به کمک ۱. یوسف (۱۲)، آیه ۵۳ و لطف الهی از مهلکه نجات یافته است: خداوند او را پذیرفته و مورد بخشش و عفو خداوند قرار گرفته است (إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ) ۱ شما با همین ترحم خداوند بوده است که توانسته اید از سیطره نفس اماره فرار کنید و به دامن غفران و رحمت الهی وارد شوید. به یقین آمرزیده شدن گناهان و خطاها، نسبت به گذشته است و نسبت به آینده، باید مراقبت و محافظت خود استمرار دهید. بنابراین، هر چند پیام داستان واقعی شما، کاملاً روشن و مشخص است؛ اما تأکید بر آن نیز خالی از لطف نیست. انسان موجودی است مختار و در پرتو همین اختیار و آزادی عمل، می تواند در سخت ترین و شکننده ترین موقعیت ها و شرایط، چنان تصمیمی را بگیرد که موجب تحسین همگان را فراهم سازد و به تمام جبراندیشان و یا سست اراده ها و کسانی که فریاد «نتوانستن» سر می دهند و گمان میکنند در چنین شرایطی اختیار از انسان سلب و به پرتگاه سقوط و منجلاب اخلاقی کشیده می شود؛ اعلام می داریم که: انسان موجودی است با اراده و اختیار و امکان فرار از چنین موقعیت هایی کاملاً فراهم است. پس می توان چشم خود را کنترل کرد، گوش خود را بست و دیگر اعضا و جوارح را به لجام عقل پیوند زد و در یک جمله، می توان غریزه سرکش جنسی خود را در اوج شهوت مهار کرد. در پایان، ما نیز این نکته را - که شما با علم حضوری به آن رسیده اید - مورد تأکید قرار می دهیم که اگر لطف حق و توسل به ائمه اطهار؟ در میان نبود، چه بسا نمی توانستید، به چنین رفتار و موفقیت مهمی دست یابید و خود را نجات دهید! پس به شکرانه این نعمت، این پیوند و ارتباط معنوی با رب الارباب و ائمه اطهار؟ را بیش از پیش تقویت کنید. خداوند، به همه ما عقلی مرحمت فرماید که بر هوس های سرکس پیروز گردیم و اگر در اشتباهیم، چراغ روشنی از توفیق و هدایت فرا روی ما قرار دهد. ۱. یوسف (۱۲)، آیه ۵۳

ما چه کنیم؟!

پرسش ۱۶. در هر محفل دینی که شرکت میکنیم یا از هر عالم دینی که می پرسیم و یا در کتاب ها و مقالات مذهبی می خوانیم؛ ارتباط بین

دختر و پسر بسیار خطرناک و حرام می دانند و ما را از آن برحذر می دارند. اینک سوال من به عنوان یک دانشجوی جوان این است که ما چه کنیم؟ از یک طرف جوانی و اوج غرایز جنسی و از سوی دیگر نامناسب بودن فضای اخلاقی و فرهنگی جامعه که این غرایز را شعله ورتر میکند و...؟ عرضه و تقاضا که از نظر دینی نامشروع است؟ ازدواج رسمی به لحاظ مشکلات اقتصادی، تحصیلی، شغلی و... تقریباً در وضعیت و سن کنونی ناممکن است؟ پس ما چه کنیم؟ آیا باید با سرکوب غرایز، رهبانیت پیشه کنیم و یا آنکه تسلیم شرایط شویم و گناه آن را تقصیر مسئولان و پدر و مادران و بزرگ ترها ببندازیم. خلاصه اینکه من جوان دانشجو، در این بنبوده غرایز جنسی چه کنم؟ ما معتقدیم که اسلام، دینی کامل، پویا، جامع و پاسخگوی همه زمان ها است، آیا در این دین برای ما هم تدبیری اندیشیده است؟ آیا راه مشروعی برای ماکه هم آورده به گناه نشویم و هم از فشارهای غرایز جنسی رهایی یابیم وجود دارد؟

همان طور که اشاره کردید، دین اسلام کامل، پویا و جامع است و به همین دلیل باید برای همه شرایط و در هر عصر و مکانی پاسخگو باشد. از ویژگی های شریعت اسلامی و نظام حقوقی برخاسته از آن، آرمان خواهی، کمال گرایی و در عین حال واقع گرایی است. به همین جهت دستورالعمل ها و احکام آن، برای قشر خاصی نیست. هم برای انسان های آرمانگرا نسخه عمل دارد و هم برای انسان هایی که در سطح ضعیف اخلاق و تقوا قرار دارند، اسلام همه را در قله ندیده است تا کسانی که در دامنه ماند هاند، از این سفره مبارک آسمانی و شریعت الهی وامانده باشند. و دقیقاً به همین دلیل تأکید می کنیم، چون از آنجایی که نسخه ها متعدد است، افراد باید مواظب باشند مطابق بیماری یا آسیب جسمی و روحی خود، و نیز با آینده نگری، تصمیم شایسته بگیرند. نمی توان در اوهم زندگی کرد، و از واقعیات گریخت؟! انسان عاقل و مصمم، درست تصمیم میگیرد و زندگی خود را تسلیم حوادث نمی کند: بلکه طبق صلاح دین و دنیای خود، آن را می سازد. اراده انسان را در ساختن زندگی و شخصیت خود، نباید به هیچ وجه نادیده گرفت؛ و باید دانست بهشت را به بهاء می دهند، نه به بهانه. اگر کسی بخواهد بهشت زندگی خود را بسازد و آینده سعادت مندی داشته باشد، باید اراده کند و بر این تصمیم و عزم خود، جدی و صبور باشد. کسی که بخواهد همیشه بر اساس هوا و هوس خود زندگی کند، نمی تواند در میدان مبارزه زندگی، پیروز به در آید. ما می توانیم، اگر بخواهیم. پس در قدم اول، کسی، جز خودمان مسئول زندگی ما نیست. نمی خواهیم مسئولیت دیگران - اعم از مسئولان و پدر و مادر و جامعه را نادیده بگیریم - اما اصرار می ورزیم که انداختن مسئولیت بر دوش دیگران مشکلی را حل نمیکند. اما راه چاره یکم. باید بیاموزیم که، هر چه می خواهیم، نمی توانیم در این دنیای مادی - که آمیخته با محدودیت است - به دست آوریم! پس "عفت ورزی" هنری است که برای همه پسندیده و برای جوانان ما شایسته و بایسته تر است. دوم. اسلام به عنوان دینی واقعگرا و آرمان خواه، شریعت اعتدالگرا نیز هست: لذا نه رهبانیت را تجویز می کند و نه کمونیسم جنسی را: بلکه اساسی ترین راه حل را ازدواج و تشکیل کانون گرم خانواده می داند که در تعالیم دینی، ازدواج محبوب ترین بنیاد الهی دانسته شده است: "قال رسول الله: لَمْ يُرْسَلَنِي اللهُ تَعَالَى بِالرَّهْبَانِيَّةِ وَلَكِنْ بَعَثَنِي بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّهْلَةِ السَّمْحَةِ... فَمَنْ أَحَبَّ فِطْرَتِي فَلْيَتَسَبَّنْ بَسْتَنِي وَمِنْ سُنَّتِي النِّكَاحُ"؛ خداوند متعال مرا به رهبانیت نفرستاد، بلکه بر اساس دین یکتاپرستی که آسانگیر و با گذشت و بزرگواری است برانگیخت... پس هر کس که فطرت و آئین ما را دوست دارد باید بر سنت من الگوگیری کند و از جمله سنت و آئین من ازدواج است. " سوم. اگر ازدواج دائم ممکن نشد و بلوغ جنسی به بحران می انجامید، راه حل اضطراری به عنوان ازدواج موقت را مقرر نموده است. مشکل آنجاست که ما در هر سه مرحله، دچار معضل شد ه ایم: زیرا فضای فرهنگی و اخلاقی جامعه، به دلایل مختلف - از جمله جوان بودن جامعه، گسترش بی حد و مرز آزادی ها، تهاجم فرهنگی، غفلت مسئولان از جوانان و مشکلات آنان و خلاصه نا امن بودن و تا حدی رواج ابتدال - عفاف و پاکدامنی را به امتحانی سخت مبدل ساخته است. و متأسفانه تکنولوژی مدرن - اعم از اینترنت، ماهواره، موبایل و رسانه ها - نیز ابزاری شیطانی شده اند که به بلوغ زودرس دامن می زنند. از سوی دیگر ازدواج - که در تعالیم قرآنی و نبوی با آسان ترین شیوه ها و به دور از تشریفات صورت می گرفت و یک پیمان مقدس بین زن و شوهر بود - متأسفانه با تشریفات فراوان و چشم و هم چشمی، به صورت ۱. فروع کافی، ج ۵، ص ۴۹۴. یک قرارداد و متأسفانه خیابانی و به دور از آگاهی و آینده نگری صورت میگیرد و به

همین دلیل بسیاری از آنها به جدایی و طلاق می انجامد. چه قدر از جوانانی که به خاطر مهریه زیاد دختران، نمی توانند ازدواج کنند و یا حتی قدمی پیش نهند، چون وضعیت پسران جوانی را ملاحظه می کنند که به دلیل مهریه سنگین، (به تعداد تاریخ تولد دختران) قبل از تشکیل خانواده و سامان یابی عاطفی و جنسی، جز احساس مسئولیت سنگین و پرداخت هزینه های تشریفاتی فراوان، بهره ای از ازدواج نبردند! پسران و دختران زیادی هستند که گرفتار ذهنیات و اوهام چشم و هم چشمی دوستان و خویشاوندان، در مسئله جهیزیه، و مانده اند! این در حالی است که رسول گرامی اسلام؟ فرمود: "أَفْضَلُ نِسَاءٍ أُمَّتِي... أَقْلَهُنَّ مَهْرًا"؛ "بهترین زنان امت من، آنان هستند که... مهریه آنان اندک است." برخی جوانان نیز دچار توهمات شده اند و زندگی تجملاتی و آماده از هر جهت را در همان شروع زندگی خواهانند و چون فعلاً موجود نیست، از ازدواج هم خودداری میکنند، در حالی که غرایز جوانی، این توهمات سرش نمی شود و اگر از راه مشروع نشد، از راه دیگر... عفاف هم یک بحث آرمانی است که در اوج شهوت برای همگان میسور نیست. پس چه مصیبتی در انتظار جوانان است تا آنان را به هلاکت معنوی یا مادی اندازد؟! نباید توقع داشته باشیم در همان اوان زندگی همه چیز را داشته باشیم. آیا نمی توان چند سال اول را در کنار پدر یا مادر بسر برد؟ هرچند این امر سخت است، ولی با اندکی تحمل و مدارا امکان پذیر است. اگر ازدواج نکردیم و به گناه افتادیم و مستحق آتش قهر خدا شدیم، باید بدانیم گرفتار آتش عذابی خواهیم بود که بسیار سخت تر و تحمل آن بسیار ناگوارتر است! و این چه بدبختی بزرگی است؟! ۱. وسا ئل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۰ و ج ۱۴، ص ۷۸. پیامبر اکرم: "مِنْ بَرَكَهٖ الْمَرْأَةُ خِفْمَةٌ مُؤْنَتَهَا وَمِنْ شُومِهَا شِدَّةٌ مُؤْنَتَهَا"؛ "یکی از نشانه های برکت زن، سبک بودن هزینه زندگی او است و از نشانه های بد قدمی زن، آن است که هزینه زندگی او یا هزینه ازدواجش، سنگین باشد." آیا این همه تشویق ها و تأکیدهای پیامبر اکرم؟ در ازدواج آسان و بدون تشریفات نباید مورد توجه قرار بگیرد؟! در دوران صدر اسلام گاهی تعلیم چند آیه قرآن به عنوان مهریه پذیرفته می شد و زندگی همراه با خوشی و ایمان شروع می شد. جامعه ما به خود آید و در پرتو این فرهنگ نورانی، معضلات خود را حل کند. در فرهنگ اسلامی، آن قدر حفظ عفاف و دوری از گناه و بهره مندی از لطف الهی، مهم است که مسلمانان همه سنت های غلط و همه توهمات را به کنار گذاشته و حتی در جبهه جنگ ازدواج می کردند؛ چنان که در منطقه جنگی یکی از رزمندگان اسلام به نام خالد بن سعید ازدواج کرد. ۲. چه خوش سروده است شاعر که: به دخترها دارم نصیحت که می باشد پیغمبر را وصیت که از داماد، سیم و زر نخواهید به غیر از پاکی گوهر نخواهید پرس از او که از ایمان چه داری؟ نه از سیم و زر و بستان چه داری؟ اگر داماد با تقوا و دین است مخورغم زان که دلسوز و امین است ۱ وسا ئل الشیعه، ج ۱۵، ص ۱۱. ۲ طبقات ابن سعد، ج ۴، ص ۷۱ (جنگ انجالدین در سرزمین شام). مشکلات ازدواج، حل خواهد شد، اگر قرار باشد به دلیل مشکل پسندی، کمبودهای مادی، آزادی از قید و بند خانواده! عذر ادامه تحصیل، تعصب های غلط مانند وجود خواهر یا برادر بزرگ تر و... به گناه بیفتیم و دامن خود را آلوده کنیم و از سعادت دنیا و آخرت محروم بمانیم، کدام منطق و عقلانیت این بهانه را می پذیرد شایسته نیست با این عذرهای واهی و بهانه های نادرست نشاط و جوانی و پاکدامنی و عفاف خود را مخدوش کنیم. بسیاری از این مشکلات مصنوعی است و برخی از آن ها واقعی است؛ اما به دلیل اهمیت حفظ عفاف و نشاط در سایه ازدواج، باید بر آنها فایق آییم. البته دولت اسلامی موظف است فضیلت محور باشد و بر اساس آیات مختلف قرآن و احادیث نبوی و اهل بیت عصمت و طهارت، برای ایجاد محیط پاک و رشد فضایل اخلاقی و معنویات تلاش کند. چنین دولتی باید در جهت ازدواج جوانان گام های اساسی بر دارد و معضلات آنان در مسئله مسکن، اشتغال و... را در حد امکان برطرف سازد؛ مگر نه آن است که قرآن کریم می فرماید: (الَّذِينَ إِذَا مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَحَقَمُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ رَامُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ)؟! پس مومنان و جامعه ایمانی هرگاه اقتدار یابند باید در جهت برپاداری نماز و معنویات و تحقق عدالت اجتماعی که زکات نماد مهم آن است و امر به معروف و نهی از منکر تلاش کنند. مگر جز آن است که پیش شرط و مقدمه برپاداری نماز و معنویات و نیز امر به معروف و نهی از منکر، بسترسازی برای محیط پاک و عفاف ورزی جوانان و کل جامعه است؟! ۱. حج (۲۲)، آیه ۴۰. اما اگر به هر

دلیل آن اراده شایسته برای تحمل غریزه جنسی و عفاف را نداشتیم، و اگر به هر عذر و بهانه ای، تسلیم اوهام ذ هنی خود شدیم و یا مشکلات به حدی بود که توان ازدواج دائم از ما سلب شد، دو راه دیگر باقی می ماند: ۱. ازدواج موقت (متعّه یا صیغه)؛ ۲. فحشاء و فساد و بازار آزاد جنسی و رفاقت و روابط نامشروع. در اینجا باید پرسید: عقل چه میگوید؟ شرع کدام را تجویز میکند؟ جامعه و فرهنگ ما کدام را می پسندد؟ دستور عقل و شرع در این زمینه مشخص بوده و "ازدواج موقت" به عنوان یک راه فرعی و اضطراری است؛ نه جاده باز و بدون خطر و برای مردان متأهل که بخواهند عیاشی کنند و با سوء استفاده از این قانون، کانون گرم خانواده خود را در معرض فروپاشی قرار دهند. سوگمندها باید گفت: به دلایل مختلف - از جمله سوء استفاده مردان یا زنان از این قانون و نیز تبلیغات دشمنان و فهم نادرست و غیرمنطبق با واقعیات نسبت به ازدواج موقت، فرهنگ عمومی جامعه ما از آن استقبال نمیکند؛ بلکه حتی آن را بدتر از رفاقت و روابط نامشروع می دانند!! - اگر به پدر و مادری بگویند که جوان شما چنین است، چه بسا میگویند: جوان است و... اما اگر بشنوند دختر یا پسر آنان برای پاک ماندن، در صدد ازدواج موقت هستند، داد و فریاد میکنند و...؟! مگر امام علی؟ نفرمود: اگر خلیفه دوم، به ناروا قانون ازدواج موقت را - که خدا و پیامبرش تجویز کردند - بر نمی داشت و تحریم نمیکرد، جز انسانهای شرور و بی ریشه و بدبخت و تباهاکار، کسی آلوده دامن نمی شد؟ آیا آن حضرت انسان و روحیات و غرایز او را نمی شناخت و مصلحت او را نمی دانست؟ متأسفانه فرهنگ جامعه ما آن چنان که باید علوی نیست. آن همه روایات و نص صریح قرآن ۱ در مورد ازدواج موقت و فضیلت ها و ثوابهای آن، برای این نیست؟ ۴. ازدواج موقت جایگزین ازدواج دائم و یا هم ردیف و در کنار او باشد؛ بلکه اگر ناچار شدیم و فرصت و یا شرایط ازدواج دائم به هر دلیلی برای ما میسر نبود، خودمان را آلوده نکنیم. شرع مقدس راه دیگری برای حفظ عفاف ما اندیشیده و آن ازدواج موقت است. وظیفه مراجع، دانشمندان و همه متدینان است که ازدواج موقت را به شکل صحیح آن ترویج کنند. اما همواره باید بدانیم که، این راه اضطراری، فرعی و در شرایط خاص است. دانستن این نکته ضروری است که بسیاری از مراجع تقلید، اگرچه فتوای آشکار بر لزوم اجازه پدر ندارند اما به نظر آنان بنا بر احتیاط و جویی، اجازه پدر برای عقد دائم و موقت لازم است. این به جهت سوء استفادههای بسیاری است که در روابط پسر و دختر دیده شده و رعایت چنین احتیاط هایی در بسیاری از موارد شایسته و بایسته است. به عنوان نمونه برای حفظ و گسترش بهداشت جامعه، اگر حدود چهار در ده هزار، احتمال بروز بیماری خاص وجود داشته باشد، همگی افراد واکسینه می شوند؛ در حالی که آمار ناهنجاری ها در روابط پسر و دختر، بسیار بالاتر است. حتی در مواردی که احتمال سوء استفاده نیز وجود دارد، مسئولان تدابیر لازمی را پیش بینی میکنند. به طور مثال قرص کدئین دار برای بیماران و به طور آزاد و بدون نسخه پزشک در داروخانه عرضه می شد، و کسی ممانعتی نمی کرد؛ اما وقتی دیدند عده های بی تعهد و مسئولیت برای مصرف اعتیاد خود به داروخانه ها مراجعه کردند و در واقع نه بیماران نیازمند، بلکه معتادان و لگردد از این قرص استفاده میکنند، شرایط عرضه و تقاضا سخت شد و شبیه این مسئله در ازدواج موقت نیز رخ داده است. ۱. نسا (۶۴)، آیه ۲۷.

بررسی آثار ازدواج موقت

از اصول مسلم مذهب تشیع، مشروعیت "ازدواج موقت" است تا جایی که در زمان ائمه اطهار؟ گاه برای معرفی تشیع یک شخص میگفتند: "او رای به مشروعیت متعه (ازدواج موقت) می دهد" ۱. امام صادق؟ می فرماید: "کسی که متعه را حلال نشمرد، از شیعیان) ما نیست" ۲. آن حضرت زمانی که سخن از ازدواج موقت به میان می آمد، بارها به مخاطب خویش می فرمود: "من دوست دارم سنت رسول خدا؟ را احیا کنی" ۳. احیای سنت، به معنای رواج آن در جامعه است. رواج ازدواج موقت، فواید فراوانی به دنبال دارد که مطلوب و مورد نظر شارع مقدس است. این آثار و برکات به قدری فراوان است که احیای آن را ضروری می شمارد. در جوامع فعلی ازدواج به صورت یک معضل برای جامعه در آمده است. مشکلاتی مانند اشتغال و ادامه تحصیل، تا سالهای متمادی

ازدواج را برای یک جوان غیرعملی نموده است. این در حالی است که فیزیولوژی طبیعی ۱. بحا رالا نوار، ج ۵۳، ص ۱۵۸، ح ۲۲. بحا رالا نوار، ج ۵۳، ص ۹۲، ج ۱۰۱، باب ۲۹. ۳. از آن جمله: بحا رالا نوار، ج ۱۰۳، ص ۳۰۶. بدن انسان، تغییری نیافته است و او همچنان در سال‌های آغازین نوجوانی به بلوغ جنسی می‌رسد. در جامعه ما فاصله بین بلوغ جنسی تا فراهم شدن موقعیت اجتماعی نزدیک به سیزده سال است. آیا می‌توان به این غریزه گفت: "به علت نبودن شرایط لازم، از خواسته‌های طبیعی خود دست بردار؟" اندیش ورزانی چون شهید مطهری، بهشتی، باهنر و متفکر غربی برتر اندر اسل، در همین رابطه تأکید کرده‌اند: رهبانیت و پارسایی مطلق و نادیده گرفتن این غریزه- با آن امواج نیرومند و توفنده- غالباً امکان‌پذیر نیست. عقل و شرع نیز، غرق شدن در ورطه کمونیسم جنسی و بی بند وباری را نمی‌پذیرند. حال چه باید کرد؟ با اندکی تأمل روشن می‌شود که تنها راه ممکن و عملی، "ازدواج موقت" است؛ حتی برخی از روشنفکران غربی- مانند: قاضی لیندزی و برتراندراسل- نیز به این نتیجه رسیده‌اند. چرا که راه معقول دیگری وجود ندارد. پیشنهادهایی مانند رفع مشکل اشتغال و مسکن اگرچه اساسی است: اما پا از مقوله "حرف" فراتر نمی‌گذارد و می‌رود تا زمان عملی شدن آن، راهی جز ازدواج موقت نیست. نکته قابل توجه اینکه: مخاطب اصلی و عمده ازدواج موقت "پسران مجرد" و "زنان همسر از دست داده" می‌باشند- نه "دختران مجرد نونهال و مردان متأهل"- و به عبارت روشن‌تر کسانی که "نیاز" به این نوع ارضای جنسی دارند و خطری آنان را تهدید نمی‌کنند. در این جا به صورت مختصر بخشی از احکام شرعی و قوانین حقوقی ازدواج موقت بیان می‌شود. عقد ازدواج- که به واسطه آن زن و مرد بر یکدیگر حلال می‌شوند- دو قسم است: دائم و غیر دائم. "عقد دائم" آن است که مدت زناشویی در آن معین نشود (و پایان آن طلاق، فسخ یا فوت) باشد "عقد غیر دائم" آن است که مدت زناشویی در آن معین شود، برای مثال مرد، زن را به مدت یک ساعت یا یک روز یا یک ماه یا بیشتر عقد کند، زنی که به این قسم عقد شود، "متعّه" می‌نامند. در ماده ۱۰۷۵ قانون مدنی آمده است: "نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی، واقع شده باشد. "در زناشویی- چه دائم و چه غیر دائم- باید صیغه خوانده شود و تنها راضی بودن زن و مرد کافی نیست و صیغه عقد را یا خود زن و مرد می‌خوانند، یا دیگری را وکیل می‌کنند که از طرف آنان بخواند ۱. در ماده ۱۰۷۶ قانون مدنی آمده است: مدت نکاح منقطع، باید کاملاً معین باشد. ماده ۱۰۹۵ نیز می‌گوید: "در نکاح منقطع" عدم ذکر مهر در عقد موجب بطلان است؛ یعنی، اگر صیغه عقد موقت جاری شود؛ ولی نگوید: "علی المهر المعلوم" یا "به مهری که معین شد"، عقد باطل است و گویا اصلاً عقدی جاری نشده است.

صیغه عقد موقت

اگر خود زن و مرد بخواهند صیغه عقد غیر دائم را به زبان عربی بخوانند، بعد از آنکه مدت و مهر را معلوم و مشخص کردند: زن می‌گوید: "زَوَّجْتُكَ نَفْسِي فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ" و بعد مرد بدون فاصله می‌گوید: "قَبِلْتُ" ۰۲ اگر خود زن و مرد نتوانند صیغه را به عربی (صحیح) بخوانند، ۱ توضیح المسائل امام خمینی ره ۲. همان به هر زبانی که صیغه را بخوانند صحیح است و لازم نیست وکیل بگیرند؛ اما باید لفظی را بگویند که معنای "زَوَّجْتُ" و "قَبِلْتُ" را بفهماند! برای مثال زن به مرد بگوید: "خود را زن تو نمودم در مدت معین شد،" به مهر معین شده لما و مرد بلافاصله بگوید: "قبول کردم". نکته قابل توجه آنکه اگر در صیغه عقد موقت، مدت را ذکر نکنند و نگویند: "فِي الْمُدَّةِ الْمَعْلُومَةِ" یا "در مدت معین شده"، عقد موقت تبدیل به عقد دائم می‌شود، و بنا بر نظر برخی فقها، عقد باطل می‌گردد ۱. ازدواج موقت، اگر چه برای لذت بردن هم نباشد، صحیح است ۲. در این نوع ازدواج، نفقه و مخارج زن بر عهده مرد نیست؛ مگر آنکه در عقد شرط شده باشد که مرد نفقه زن را بپردازد ۳ زنی که ازدواج موقت کرده، می‌تواند بدون اذن شوهر از خانه بیرون برود؛ ولی اگر به واسطه بیرون رفتن حق شوهر از بین می‌رود، بیرون رفتن حرام است ۴ در اثنای مدت و قبل از پایان، شوهر می‌تواند مدت را ببخشد؛ یعنی، با گفتن "مدت را بخشیدم"، به این زناشویی پایان

دهد ۱. ۵ شرح اللمعه، ج ۲۲. توضیح المسائل امام خمینی ره. ۳. قانون مدنی. ۴. توضیح المسائل امام خمینی ره. ۵. توضیح المسائل امام خمینی ره.

چند نکته ضروری:

۱. زن در یک زمان، نمی تواند همسر دو مرد باشد، چه یکی دائم و دیگری موقت باشد. ۲. زن نمی تواند پس از پایان ازدواج موقت، بلافاصله به عقد دیگری در آید؛ مگر آنکه عمل نزدیکی صورت نگرفته باشد یا زن "یائسه" باشد ۱. ۳. مدتی که زن نمی تواند شوهر دیگری اختیار کند، زمان "عده" میگویند. عده ازدواج موقت "به اعتقاد برخی از فقهاء" دو حیض "است: یعنی، زن باید صبر کند بعد از پایان مدت ازدواج، دو بار عادت ماهانه شود و اگر زن با اینکه در سن و سالی است که طبیعتاً باید حیض شود، ولی به عللی حیض نمی شود، عده او ۴۵ روز است. ۴. در عقد موقت، "نسب" فرزند، (به مرد ملحق می شود) اگر چه منی را در بیرون ریخته باشد و به اصطلاح عزل نموده باشد) ۲: چون به دلایلی احتمال آن هست که طفل، فرزند مرد باشد. ۵. تربیت، سرپرستی (حضانت) و نفقه فرزند حاصل از ازدواج موقت، مانند فرزند حاصل از ازدواج دائم است و تفاوتی ندارد. در ماده ۱۱۹۹ قانون مدنی آمده است: "نقچه اولاد بر عهده پدر است" و فرقی بین فرزند ازدواج دائم و غیر دائم نگذاشته است. ۶. زنی که ازدواج موقت کرده، اگر در عقد شرط کند که شوهر با او نزدیکی نکند، عقد و شرط صحیح است و شوهر فقط می توان لذت های دیگر از او ببرد؛ ولی اگر زن بعداً به نزدیکی راضی شود، شوهر می تواند نزدیکی کند ۳. ۷. اگر زن بگوید: مانعی برای ازدواج (مانند شوهر داشتن و در عده بودن) ۱. شرح اللمعه، ج ۲. ۲. شرح اللمعه، ج ۲، ص ۱۰۵. ۳. توضیح المسائل امام خمینی، مسئله ۲۴۲۳. ندارد و دارای شرایط لازم است: مرد- در صورتی که احتمال دهد زن در گفته خود صادق است- بدون تحقیق می تواند گفته او را بپذیرد ۱. ۸. اگر دختر باکره و رشیده ۲ باشد، بیشتر فقها برای ازدواج او، اذن ولی را شرط می دانند.

آثار و فواید ازدواج موقت

۱. پیشگیری از زنا

اگر برای مرد یا زن بدون همسر، ازدواج موقت ممکن باشد، هرگز به سوی عمل ناروای زنا کشیده نمی شود؛ چرا که این عمل، در هر دین و مسلکی و مطابق هر عرف و فرهنگی، گناه و عملی بسیار زشت است و به طور طبیعی انسان رفتاری را که زشت می داند، مرتکب نمی شود. آری اگر برای پاسخ گویی به خواستی درونی و نیرومند، راه دیگری نیابد، به آن چیزی روی می آورد که خود نیز به زشتی آن آگاه است!! در حدیثی معروف از امام علی؟ و امام صادق؟ آمده است: "اگر خلیفه دوم از ازدواج موقت نهی نکرده بود، هیچ کس زنا نمی کرد؛ مگر شقی" ۳. "شقی" به معنای انسان پست و بدبخت است و مراد از آن در اینجا کسی است که با وجود راه حلال و مشروع، به سراغ راه حرام می رود!

۲. حفظ ایمان و بندگی

گناه، اصلی ترین مانع بندگی خداوند متعال و یکی از عوامل بازدارنده، آیه الله فاضل لکرانی، استفتا. ۲ یعنی قدرت تشخیص مصلحت خود را داشته باشد. ۳. وسائل الشیعه، ج ۲۱، باب ۱، ص ۱۱. از پذیرش حق و اخلاق نیک است. از رایج ترین گناهان در میان قشر جوان، مفاسد ناشی از غریزه جنسی است. هیجان جنسی دوران تجرد، او را از یاد خدا باز داشته، از پذیرش نصایح و موعظه های اخلاقی و بروز آن، در اعمال و رفتارش منع میکنند! ازدواج موقت این هیجان را از بین برده یا لا اقل از شدت آن می

کاهد. اینجاست که زمان بازگشت به فطرت خداجویی فرا می رسد و زمینه پذیرش اخلاق حسنه مهیا میگردد. مرحوم شیخ حر عاملی در کتاب نفیس و سایل الشیعه ۱ روایات فراوانی را در این مورد نقل میکند که یکی از سنت‌های اسلامی ازدواج موقت است و رسول خدا؟ و ائمه؟ نمی پسندیدند که این سنت رها شود.

۳. دفع فحشا از طریق رفع نیاز مالی متعه شونده‌گان

یکی از عوامل رو آوردن افراد- به خصوص زنان- به فساد و فحشا فقر و نیاز مالی است. وقتی زنی همسر خود را از دست می دهد، در بسیاری از موارد با کار و تلاش، هزینه زندگی خویش را تأمین میکند. اما چنین نیست که همه این افراد، بتوانند نیازمندی‌های زندگی خود را از راه آبرومندان‌های به دست آورند و بر این نداری صبر کنند! اینجا است که بعضی از لغزش‌ها و خطاها آغاز میگردد و شخص گرفتار غرقاب فساد و فحشا می شود. حال آیا پسندیده تر و عاقلانه تر نیست که این گونه افراد، با ازدواج موقت، علاوه بر رفع نیاز مالی، خود را به آلودگی نکشانند و به پاکدامنی جامعه کمک کنند؟! ۱ در کتاب النکاح، باب ۱۲ از ابواب المتعه.

۴. پیشگیری و درمان انحرافات

"زنا" اگر چه در مذاهب گناه محسوب می شود، اما در علم سکسولوژی انحراف به حساب نمی آید(! ولی اعمالی مانند همجنس بازی، استمنا و... انحراف محسوب می شود) علاوه بر حرمت شرعی). این انحرافات - علاوه بر دارا بودن آثار خطرناک جسمی، جنسی و روانی- از آفات جوامع امروزی به شمار می آید و عمده ترین دلیل آن، تأخیر در امر ازدواج است. روشن است که در شرایط موجود، تنها راه نجات از این انحرافات و بن بست به وجود آمده، ازدواج موقت است که مشکلات ازدواج دائم را با خود ندارد.

۵. پیشگیری از سوء استفاده جنسی

غریزه جنسی شامل تمام انسان‌ها و افراد- از هر تیره و رنگ و با هر فرهنگ و مرام- می شود و در همه افراد نوع بشر وجود دارد. استعمارگران و زراندوزان و سودجویان، همواره به فکر سوء استفاده از این نعمت خدادادی بوده و هستند. کشور اسلامی "اندلس"، با همین شیوه سرنگون شد و به کشور مسیحی نشین "اسپانیا" تبدیل گشت! امروز دولت‌های استعماری، مردم کشورهای جهان سوم و حتی مردم خود را، در فساد غرق نموده و از غفلت به وجود آمده، حداکثر استفاده را می برند! دشمنان کشور ما نیز سال‌هاست از این حربه برای ضربه زدن به ما سود می جویند که از آن تحت عنوان "تهاجم فرهنگی" یاد می کنیم. در این بین افراد سودجوی بسیاری نیز از آب گل آلود ماهی میگیرند! چه بسیار شرکت‌های بزرگ فیلم، عکس و... که از این طریق نان می خورند؛ البته به قیمت عفت و شرافت انسان‌ها!! مراکز فساد و باندهای فحشا نیز قارج‌های سمی این بوستان فساد هستند. بدون تردید در جامعه‌ای که مردم پای بند به پاکدامنی و فضیلت باشند اگر ازدواج موقت رواج داشته باشد، هرگز جای پای برای مهاجمان فرهنگی و سوداگران عفت و پاکدامنی باقی نمی ماند. در واقع موثرترین راه مقابله با "تهاجم فرهنگی"، احیای ازدواج موقت است و بدون این سنت، سایر کارها، آب در هاون کوبیدن است.

۶. پیشگیری از شدت مجازات

یکی از احکام شدید اسلام، حد "زنا" است. تازیانه، قتل با شمشیر، سنگسار و... از کیفرهای این عمل نامشروع است. اسلام- به

رغم این دستورات- راه‌های صحیحی نیز برای ارضای غریزه جنسی، فراروی بشر قرار داده است. سنگسار کردن (در مقام تشریح) وقتی امکان دارد که همراه یا مقدم بر آن، شرایط ارضای صحیح نیز فراهم باشد، پس نمی‌توان به جوانی که قادر به ازدواج دائم نیست گفت: ازدواج موقت نکن و آنگاه که مرتکب خطا و لغزش شد، تازیانه بر سر و رویش زد!! در هر صورت اجرای آن مقدار از حدود الهی هم که خداوند رعایت آن را واجب کرده، با رواج ازدواج موقت قابل پیشگیری است.

۷. حفظ احترام و امنیت بانوان و کاهش جنایت‌ها

با وجود تمام محدودیت‌های اجتماعی، باز در گوشه و کنار کشور خود برخوردهای ناهنجار و ناشایستی، با زنان و دختران صورت می‌گیرد. مزاحمت‌های خیابانی و ده‌ها مورد دیگر، نمونه‌هایی از این گونه رفتارهای پرخطر است. حتی گاهی برخی از افراد بزهکار، پا را از حد مزاحمت فراتر گذاشته و دست به جنایت و قتل می‌زنند. اخبار قتل زنان و دختران- که مدام بر صفحه جراید به چشم می‌خورد و دل را می‌آزارد- گواه این مطلب است. این مزاحمت‌ها جنایت‌ها، عمدتاً معلول طغیان شهوت و غریزه جنسی است که انسانی را تبدیل به یک مزاحم یا جانی می‌کند. به راستی اگر ازدواج موقت جایز و تخلیه شهوات میسر بود، باز به این گونه اعمال دست می‌زدند؟ بنابراین با ازدواج موقت و در نتیجه آرام گرفتن روح و روان جوانان، احترام و امنیت دختران که امروز مطمع هر چشم ناپاک! و جوان سرکشی است، حفظ می‌گردد.

۸. عدم احساس گناه در ازدواج موقت

برخلاف آنچه مخالفان ازدواج موقت می‌گویند- که این ازدواج تفاوتی با فساد و فحشا ندارد- تفاوت‌هایی بین این ازدواج و روابط نامشروع وجود دارد. در روابط نامشروع، طرفین احساس گناه و تنفر می‌کنند و بعد از هر آلودگی، دچار عذاب وجدان و آشفتگی روحی می‌شوند! به خصوص جامعه ما که دارای ساختار مذهبی است. طبق گفته برخی از متخصصان گاهی این گونه افراد، تحت تأثیر "حس تنفر" دچار استفراغ می‌شوند. اما فرد در ازدواج موقت نه تنها چنین احساسی ندارد؛ بلکه در صورت آشنایی با احادیث مربوط به ازدواج موقت می‌تواند در خود احساس تکامل و ثواب نماید. از جمله در روایتی از امام جعفر صادق؟ آمده است: در شب معراج وقتی که پیامبر؟ به آسمان برده شد، جبرئیل؟ به او گفت ای محمد! خداوند- تبارک و تعالی- می‌فرماید: "همانا به طور قطع، من متعه‌کنندگان از امت تو را بخشیدم"، ۱. ۱. وسائل الشیعه، ج ۲۱، باب ۲، ص ۱۳.

۹. امکان اعمال محدودیت در روابط جنسی

در ازدواج دائم یکی از وظایف شرعی زن، پاسخ به درخواست مرد برای ارتباط جنسی کامل است: اما در ازدواج موقت زن با توافق مرد (در هنگام عقد) می‌تواند شانه از زیر بار این مسئولیت خالی کند. به عنوان مثال اگر زنی بدون شوهر خواسته باشد با مرد نامحرمی معاشرت و رفت و آمد داشته باشد و در عین حال از سختی پوشش لازم رها باشد؛ می‌تواند با اجرای صیغه عقد موقت - به شرط عدم نزدیکی- محرمیت ایجاد کند ۱. بنا بر گفته بسیاری از نویسندگان، زن و مرد در این ازدواج- حتی بدون توافق طرفین- می‌توانند از انعقاد نطفه جلوگیری کنند.

۱۰. کاهش زاد و ولد فرزندان نامشروع

غرایز انسان به هر طریق ممکن، خود را نشان می‌دهد و آثار آنها در اعمال و رفتار او آشکار می‌شود. اگر راه صحیح و مشروعی

نباشد، از راه نادرست و غیرمشروع، نیازهای خود را پاسخ می دهد! غریزه شهوت نیز چنین است. اگر راه صحیحی برای ارضای آن وجود نداشته باشد، انسان به بیراهه کشیده می شود و آثار و نتایج شومی را به بار می آورد که از آن جمله فرزند نامشروع است. با کمال تأسف در تمام جوامع، این پدیده نامبارک- با شدت یا ضعف- وجود دارد. در حالی که اگر انسان فراروی خود را صحیح و مشروع ببیند به آن روی می آورد. اگر فردی هم به وجود آید، مشروع و قانونی خواهد بود.

۱۱. جلوگیری از هدر رفتن فرصت ها و استعداد های جوانان

از بدترین پیامدهای تاخیر در ازدواج، سرگردانی جوانان است. کسانی که ۱. در عرف عوامانه، به آن "صیغه محرمیت" گفته می شود!! از نعمت زن و فرزند محروم اند و پناهگاه گرمی برای عواطف و احساسات خود ندارند و از سویی به مقتضای سن و سالشان، آتش شهوت در درونشان زبانه می کشد و لحظه ای آرامشان نمیگذارد: چه بکنند؟ آیا خود را مدام سرگرم مطالعه، تفریح و ورزش کنند؟ باید اعتراف کرد، بیشترین وقت جوانان به بطالت و بیهودگی میگذرد. عمر گران مایه و دوران طلایی جوانی، امانتی است از خداوند متعال برای تکامل معنوی و سیر به سوی او؛ نه پرسه زدن در خیابان ها و پارک ها و نشستن بر روی صندلی سینماها و استادیوم ها! تا کی باید کار مفید جوانان، تماشای ویتترین بوتیک ها و پوشیدن جدیدترین مدل ها و مدها باشد؟! اگر جوانان ما بتوانند از راه صحیح، آتش غریزه را در درون خود خاموش کنند، دچار بطالت و بیهودگی نمی شوند و استعداد های خدادادی ضایع نمیگردد. به نظر می رسد یکی از راه های صحیح و عملی آن- با توجه به شرایط فعلی- چیزی جز ازدواج موقت نیست ۱.

۱۲. انتخاب زمان جدایی از سوی زن و مرد

در ازدواج دائم- به دلیل وجود مصالحی- حق طلاق تنها به دست مرد است و زن هیچ گاه حق ندارد مستقلاً اقدام به طلاق کند. مرد نیز هرگاه تصمیم به طلاق گرفت، باید شرایطی- مانند پاک بودن زن از عادت ماهانه و شاهد گرفتن- را مراعات کند، ولی در ازدواج موقت زن همچون مرد، می تواند در هنگام عقد زمان جدایی و به اصطلاح پایان مدت را معلوم کند. علاوه بر این از آنجا که جدایی در ازدواج موقت، با توافق قبلی صورت میگیرد، همراه با ناراحتی و کشمکش نیست (بر خلاف جدایی در ازدواج دائم). ۱. منظور برای دوران درمان بلوغ و ازدواج دائم است.

۱۳. عدم نیاز به مسکن دائمی

از عمده ترین مشکلات ازدواج، تهیه مسکن است تا جایی که یکی از علل اصلی تأخیر جوانان در ازدواج، نداشتن مسکن است. در ازدواج موقت احتیاج به مسکن- آن گونه که در ازدواج دائم لازم است- نمی باشد. در ازدواج موقت- که معمولاً کوتاه مدت صورت میگیرد و زوجین فقط ساعات خاصی از شبانه روز را در کنار هم هستند- زن و مرد می توانند این ساعات را در هتل یا هر جای مناسب دیگری سپری کنند.

۱۴. عدم نیاز به درآمد کلان

در ازدواج موقت، نیازی به شغل دائمی و درآمد مکفی- که از عمده ترین مشکلات ازدواج جوانان است- نیست. مرد همان اندازه

که بتواند مهریه زن را بپردازد، کافی است و لازم نیست حتماً درآمدی در حد اداره یک خانواده داشته باشد.

۱۵. حصول آرامش روانی

هر هیجان جنسی که بدون پاسخ بماند، یک شوک روحی است و ایجاد عقده روانی میکند. نا آرامی حاصل از غریزه جنسی، چنان عمیق است که حتی یک روان شناس ماهر می تواند از نحوه نشستن یک شخص با توجه به نا آرامی جسمی او پی به نا آرامی جنسی وی و به عبارت دیگر پی به "مجرد بودن" او ببرد! و یا به عنوان مثال مواردی داریم که یک دانشجو، در صورت عدم ارضای خود، نمی تواند درس بخواند! با رواج ازدواج موقت در جامعه، جوانان آرام گرفته، مجبور نیستند با سرکوب کردن نیازهای جنسی خود، شکنجه شوند. در نتیجه آرامش روانی و نتایج آن، از مهم ترین فواید ازدواج موقت است. ۱. روزنا مه کیهان، ۷ مهر، ۱۳۷، ص ۷.

دلایل منتقدان ازدواج موقت

۱. عده‌ای این نوع ازدواج را راهی برای سوء استفاده دانسته اند. این عده همیشه پیرمرد پولداری را تصور میکنند که برای خوشگذرانی، دختری را صیغه می کند و بعد از ارضای شهواتش، او را رها می سازد، یا مرد زن داری که با بی اعتنا به خانواده اش، هر روز به دنبال یک زیبارویی است که بتواند او را اسیر کند و کام گیرد و...!! در جواب این اشکال گفتنی است که همه آ زادی‌های قانونی و تاسیس‌های حقوقی، می توانند مورد سوء استفاده قرار گیرند. برای مثال حق رانندگی - که یک حق مشروع و پسندیده‌ای است - از سوی عده‌ای، به بدترین شکل مورد استفاده قرار می‌گیرد و حتی منجر به وارد آمدن خسارت جانی و مالی به دیگران می شود! آیا می توان گفت: حق رانندگی نکوهیده و پلید است؟! در حالی که چنین نیست. پس اگر عده‌ای از این نهاد حقوقی بهره برداری نادرست کنند، این امر خدشه‌ای به اصل آن وارد نمی کند؛ بلکه ایراد به خود این افراد یا گریزگاه‌های قانونی و... وارد است. ۲. عده‌ای دیگر با تشبیه ازدواج موقت به کرایه و اجاره، سعی دارند و نمود کنند زنی که صیغه می شود، در واقع به اجاره زوج خویش درمی آید و این را خلاف شأن زن و سوء استفاده از او می دانند. در پاسخ گفتنی است آنچه خلاف شأن زن است، این است که زن همچون کالا - بدون هیچ حق و حقوقی و بدون هیچ ضابطه‌ای - مورد بهره برداری جنسی قرار گیرد؛ یعنی، دقیقاً آنچه که در دنیای غرب اتفاق می افتد و یا آنچه که در نزد افراد لا ابالی و بی بند و بار در مشرق زمین میگذرد! حال آیا این چنین مورد سوء استفاده قرار گرفتن، خلاف شأن زن است یا اینکه او به طور قانونی و مشروع با حفظ حقوقش، ازدواج موقت کند؟ به فرض که این عقد در مواردی، شبیه عقد اجاره باشد، آیا این دلیل می شود که این دو عقد یکی باشند؟ در حالی که می دانیم این دو عقد، در بعضی از اوصاف با یکدیگر تفاوت دارند. نکته دیگر اینکه مخالفان گمان میکنند در ازدواج موقت فقط مرد است که بهره می برد و زن در اینجا هیچ بهره‌ای نمی برد؛ در حالی که این بهره مندی مربوط به دو طرف است و همان طور که زن در مقابل مرد تکالیفی دارد، دارای حقوقی نیز است. ۳. عده‌ای دیگر متعه و نکاح منقطع را سدّی در جهت تشکیل خانواده می دانند؛ چرا که افراد اگر برای ارضای نیازهایشان، به سهولت دسترسی به دیگری داشته باشند، انگیزه شان برای تشکیل دائمی خانواده کم می شود. در پاسخ باید گفت؛ آنچه منظور نظر این نوشتار است، تشویق و ترغیب به ازدواج دائم است و ازدواج موقت به عنوان یک راه فرعی و اضطراری تأکید شده است. به طوری که اگر بنا بر شرایطی مرد یا زن نیاز به ارضای جنسی داشت و از راه ازدواج دائم ممکن نبود، از طریق ازدواج موقت و به طور مشروع اقدام کند و از آلودگی ها و زیان‌های بی بند وباری و گناه به دور بماند. ۰۱ اسماعیل هادی، دورنمای حقوقی ازدواج موقت، ص ۷۵-۹۰.

بخش دوم: احکام روابط

ریبه و تلذذ

پرسش ۱۸. مقصود از "ریبه" و "تلذذ" در رساله‌های مراجع چیست؟

منظور از "ریبه"، ترس افتادن به گناه و حرام است و منظور از "تلذذ" همان لذت جنسی است. اگر نگاه به دیگری با یکی از این دو مشخصه همراه باشد، از نظر شرع مقدس حرام می‌گردد. گاهی انسان تنها به جهت لذت بردن به زن نگاه می‌کند؛ بی آنکه بترسد به گناه کشیده شود و گاهی نگاه از روی لذت نیست؛ بلکه ترس آن است که به دنبال آن گناهی انجام گیرد و مقدمه ارتکاب حرام گردد. این دو نوع نگاه حرام است. گاهی ممکن است که نگاه به زن توأم با دو عنوان یاد شده باشد؛ در این صورت نگاه آن شدیدتر است. ۱

دختر رشیده

پرسش ۱۹. منظور از دختر بالغ رشیده چیست؟ معمولاً در چه سنی به این حد می‌رسد؟ همه مراجع: دختر رشیده، به دختری می‌گویند که منفعت و مصلحت زندگی خویش را به خوبی تشخیص دهد و در امر ازدواج تنها تحت تاثیر غریزه جنسی

۱ مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۸۲۵؛ امام، فاضل، مکارم، نوری، تعلیقات علی العروۃ (النکاح)، م ۲۷؛ صافی، هداية العباد، ج ۲، (النکاح) م ۲۷؛ سیستانی، منهاج الصالحین ج ۲، (النکاح) م ۱۲. و عاطفه خود قرار نگیرد. این امر در اشخاص مختلف تفاوت پیدا میکند و امکان ندارد سن خاصی را برای آنان تعیین کرد. ۱

سن تمیز

پرسش ۲۰. سن تمیز در پسر و دختر بچه در احکام نگاه و پوشش، چه سنی است؟

زمانی که بچه (دختر یا پسر) خوب و بد را در نگاه جنس مخالف فهمیده و احتمال تحریک شهوت در او برود، سن تمیز است. ۲.

راه‌های محرمیت

پرسش ۲۱. به طور کلی دختر و پسر، از چند راه می‌توانند با یکدیگر محرم شوند؟ زن و مرد از سه راه به یکدیگر محرم می‌شوند: نسب) خویشاوندی)، رضاع

(شیرخوردن) و ازدواج. راه سوم (ازدواج) در فقه بر دو قسم است: دائمی و موقت. عقد دائم آن است که مدت زناشویی در آن تعیین نشود و عقد موقت آن است که مدت زناشویی در آن تعیین شود. برای مثال زن را به مدت یک ساعت، یک روز، یک ماه، یک سال و بیشتر عقد کنند. زنی که به این قسم عقد شود، متعه و صیغه گفته می‌شود. ۳. تبریزی، صراط النجاه، ج ۵، س ۵۰۵ و ۵۰۶ و دفتر همه مراجع. ۲. توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۳۵، ۴۳۳؛ نوری، توضیح المسائل، م ۲۴۳۱؛ العروۃ الوثقی، ج ۲، (النکاح) م ۳۵؛ وحید، توضیح المسائل، م ۲۴۴۴ و خامنه‌ای، سایت، نگاه. ۳. البته برخی از مراجع بزرگوار تقلید (آیات عظام وحید، تبریزی و مکارم) معتقدند که اگر مدت عقد موقت از عمر طبیعی زن و شوهر یا یکی از آن دو بیشتر باشد، احتیاط واجب آن است که احکام عقد دائم را بر آن جاری سازند و آیه الله بهجت به صورت فتوا فرموده‌اند و آیه الله سیستان می‌فرماید این عقد

صیغه خواهر و برادری

پرسش ۲۲. آیا هیچ راه شرعی و قانونی - به جز ازدواج - وجود دارد که دو جوان روابط مشروع با هم داشته باشند؟ آیا در اسلام چیزی به نام صیغه خواهر و برادری وجود دارد؟

همه مراجع: خیر، تنها راه ازدواج - به طور دائم یا موقت - است و صیغه خواهر و برادری با نامحرم، مشروع نیست. ۱

پرسش ۲۳. ما دو نفر همکار مجرد هستیم، برای آنکه روابطمان از نظر شرعی دچار مشکل نشود و به گناه کشیده نشویم؛ می توانیم بدون اجازه پدر دختر، صیغه محرمیت بخوانیم؟

همه مراجع: روابط کاری و تحصیلی باعث نمی شود، اذن پدر یا جد پدری دختر از اعتبار بیفتد. ۲

مخالفت پدر

پرسش ۲۴. در صورتی که دختر و پسری هم کفو باشند؛ ولی پدر دختر مخالف ازدواج آنها باشد، آیا باز هم رضایت او لازم است (باید توجه داشت دختر با لغ و رشیده است و نیاز به ازدواج دارد)؟

همه مراجع (به جز بهجت، خامنه ای، صافی و تبریزی): اگر پسر - شرعاً و عرفاً - است و به عقد دائم تبدیل نمی شود (ر. ک: سیستانی، وحید، تبریزی، منهای الصالحین، فی عقد المتعه و مکارم، ۱ استفتاءات، ج ۲، س ۱۰۱۰۰۸ دفتر: همه مراجع. ۲ امام، استفتاءات، ج ۳، ۱۰؛ ولیای عقد، س ۱۰؛ خامنه ای، استفتاءات، س ۸۶؛ سیستانی، سایت، عقد موقت، ش ۱۶؛ منهای الصالحین، کتاب النکاح، اولیاء العقد، م ۶۷؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۳۱؛ مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۷۶۱؛ تبریزی، استفتاءات، س ۴۷۹؛ فاضل و بهجت، توضیح المسائل مراجع، م ۳۸۵ دفتر آیه الله نوری. کفو و همتای دختر باشد، اجازه پدر لازم نیست. ۱ آیات عظام بهجت و تبریزی: اگر پسر - شرعاً و عرفاً - کفو و همتای دختر بوده و ازدواج به مصلحت او باشد، اجازه پدر لازم نیست. ۲ آیات عظام خامنه ای و صافی: اگر پسر - شرعاً و عرفاً - کفو و همتای دختر باشد و کفو دیگری نیر پیدا نشود، اجازه پدر لازم نیست. ۳

پرسش ۲۵. آیا اظهار عشق و محبت بین دختر و پسر به منظور ازدواج، گناه است؟ همه مراجع: آری، این کار حرام است. ۴

پرسش ۲۶. تفریح و رفتن به گردش با نامزد خود - که هنوز عقد نکرده است - چه حکمی دارد؟

همه مراجع: تا زمانی که عقد شرعی خوانده نشده، جایز نیست. ۵

وجوب عقد موقت

پرسش ۲۷. اگر کسی به واسطه نداشتن همسر و نبود شرایط ازدواج دائم، به گناه می افتد، آیا ازدواج موقت برای او واجب می شود؟

همه مراجع: اگر امکان داشته باشد، ازدواج بر او واجب می شود؛ هر چند به طور موقت. ۶. ۰۱ نوری، توضیح المسائل، م ۲۳۷۳؛ صافی، هدایة العباد، ج ۲، اولیاء العقد، م ۲؛ امام، فاضل و مکارم، تعلیقات علی العروة، اولیاء العقد، م ۱؛ سیستانی، توضیح المسائل

مراجع، م ۲۳۷۷؛ دفتر: آیه الله وحید. ۲. بهجت، توضیح المسائل مراجع، م ۱۳۷۷؛ تبریزی، استفتاء آت، س ۱۴۵۶ و صراط النجاه، ج ۲، س ۱۱۳۰. ۳. خامنه ای، استفتاء، س ۵۴؛ صافی، هداية العباد، ج ۲، اولیاء العقد، م ۲ و جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۲۶۰. ۴. سیستانی، سایت؛ مکارم، استفتاء آت، ج ۲، س ۱۰۴۹ و ۱۰۷۵ و دفتر: همه مراجع. ۵. مکارم، استفتاء آت، ج ۲، س ۱۰۹۵ و دفتر: همه مراجع. ۶. خامنه ای، استفتاء، س ۸۲۴ والعروة الوثقی، ج ۲، کتاب النکاح، م ۲ و ۴ و دفتر: همه مراجع.

رابطه نامشروع

پرسش ۲۸. با یک دختری (رشیده) رابطه نامشروع داشتیم که موجب بی عفتی ایشان گردیده!! آیا بدون اذن پدر ایشان می توانم با او ازدواج کنم؟

همه مراجع (به جز بهجت، سیستانی): آری، در اینجا اجازه لازم نیست. ۱. آیات عظام بهجت و سیستانی: باید با اجازه پدر یا جد پدری باشد. ۲.

مشروعیت ازدواج موقت

پرسش ۲۹. آیا در قرآن مجید آیه ای در باره ازدواج موقت آمده است؟

خداوند متعال در سوره نساء به حلیت متعه (عقد موقت) اشاره فرمود: (فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً)؛ و زانی را که متعه (ازدواج موقت) می کنید. واجب است مهرشان را پردازید. "به گواهی بیشتر مفسران اهل تسنن و همه مفسران شیعه، این آیه مربوط به ازدواج موقت است. روایات فراوانی از اهل بیت!؟ در ذیل آیه وارد شده که آن را به متعه تفسیر و تبیین می کند "واژه متعه - که "استمتعتم" از آن گرفته شده - در لغت به معنای بهره گیری است، ولی در اصطلاح شرع، به معنای ازدواج موقت است. گذشته از آیه، روایات فراوانی از پیامبر؟ آمده که ازدواج موقت در آغاز عصر رسالت مشروع و حلال گردیده و اتفاق عموم دانشمندان شیعه و سنی بر جواز آن بوده است و حتی مسلمانان در آغاز اسلام به آن عمل میکردند. منتها مخالفان مدعی اند: این حکم بعدها نسخ و تحریم ۱. خامنه ای، استفتاء، س ۸۴؛ مکارم، استفتاء آت ج ۲، س ۹۱۶ و تعلیقات علی العروة، اولیاء العقد، م ۲؛ وحید، منهاج الصالحین، ج ۳ م ۱۲۳۷؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۴۴۰؛ تبریزی، استفتاءات، س ۱۴۶۶؛ امام، تعلیقات علی العروة، اولیاء العقد، م ۲۴؛ نوری، توضیح المسائل، م ۲۳۷۲ و دفتر: آیه الله صافی. ۲. سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، لکاح، م ۶۹ و ۷۰؛ بهجت، توضیح المسائل، م ۱۸۹۱. ۳. نساء (۴)، آیه ۲۴. شده است. البته بدیهی است که هیچ کس - جز پیامبر اسلام - حق نسخ احکام را ندارد و تنها او است که می تواند به فرمان خدا پاره ای از احکام را نسخ کند. جالب اینکه جمله معروف خلیفه دوم ۱، به طور صریح دلالت می کند که این حکم نسخ نشده و او خود این امر را حرام کرده است؛ به هر حال اصل حکم مسلم بوده و هیچ دلیل قانع کننده ای بر نسخ آن وجود ندارد. ۲.

پرسش ۳۰. نظر مراجع تقلید درباره ازدواج موقت چیست؟

تمامی مراجع بزرگوار تقلید درباره ازدواج موقت میگویند: ازدواج موقت یکی از احکام مسلم فقهی است که اگر با شرایط و رعایت موازین شرعی انجام شود، حلال و جایز است. ۳.

صیغه فارسی

پرسش ۳۱. آیا زن و مرد می توانند خودشان صیغه ازدواج را به فارسی بخوانند، یا اینکه باید وکیل بگیرند تا عربی خوانده شود؟

آیات عظام امام، خامنه ای، سیستانی، صافی، مکارم، نوری وحید: اگر نمی توانند خودشان به صورت عربی صحیح بخوانند، می توانند به فارسی و یا هر زبان دیگری صیغه را اجرا کنند؛ ولی باید در همان زبان، لفظی را بگویند که معنای "زوجت" و "قبلت" را بفهماند و لازم نیست وکیل بگیرند. ۱۴. "متعان کانت علی عهد رسول الله و انا محرما و معاقب علیهما متعہ النساء و متعہ الحج:" دو متعه در زمان پیامبر اسلام؟ بود که من آنها را حرام کردم و بر آنها مجازات می کنم متعه زنان و حج تمتع (که نوع خاصی از حج است). ۲. ر. ک: تفسیر نمونه، ذیل آیه ۲۴ از نساء. ۲. خامنه ای، استفتاء، س ۱۷۸ و العروة الوثقی، ج ۲، کتاب النکاح، م ۲. ۴. توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۷۰؛ و حید، توضیح المسائل، م ۲۴۳۴؛ نوری، توضیح المسائل، م ۲۳۶۶ و خامنه ای، استفتاء، س ۴۰. آیه الله بهجت: خواندن عقد نکاح به زبان فارسی و یا هر زبان دیگری، جایز است؛ هر چند توانایی بر خواندن زبان عربی هم داشته باشند و وکیل گرفتن لازم نیست. ۱. آیات عظام تبریزی و فاضل: اگر نمی توانند خودشان به صورت عربی صحیح بخوانند، چنانچه گرفتن وکیل برایشان ممکن باشد- بنا بر احتیاط واجب- باید وکیل بگیرند و اگر ممکن نیست، می توانند خودشان به زبان فارسی و یا هر زبان دیگری صیغه را اجرا کنند؛ ولی باید در همان زبان، لفظی را بگویند که معنای "زوجت" و "قبلت" را بفهماند. ۲. تبصره. صیغه عقد دائم به زبان فارسی این است که پس از تعیین مهر، نخست دختر بگوید: "خود را همسر تو کردم به مهر تعیین شده." سپس مرد بگوید: "این ازدواج را قبول کردم."

پرسش ۳۲. اگر دختر و پسری بخواهند خودشان صیغه عقد موقت بخوانند، کیفیت آن به چه شکل است؟

همه مراجع: پس از تعیین مهر و مدت عقد و رعایت شرایط عقد (مانند اجازه پدر دختر)، نخست دختر بگوید: "رَوَّجْتُكَ نَفْسِي فِي الْمَدَةِ الْمَعْلُومَةِ عَلَى الْمَهْرِ الْمَعْلُومِ" و پس از آن بدون فاصله (طولانی) پسر بگوید: "قَبِلْتُ التَّزْوِيجَ." تبصره. فرق عقد دائم و موقت در تعیین مدت است؛ یعنی در عقد موقت علاوه بر مهر، مدت نیز تعیین می شود ولی در عقد دائم فقط مهر تعیین می گردد. ۱. بهجت، توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۷۰. ۲. توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۷۰.

عقد موقت و زنا

پرسش ۳۳. فرق عقد موقت با زنا در چیست؟

بعضی از تفاوت های عقد موقت و زنا به شرح ذیل است: ۱. صیغه موقت یک نوع ازدواج است؛ همان طور که ازدواج دائم نوع دیگری از ازدواج است و هر دو شرایط و احکام خاص خود را دارد که از جمله آن ذکر صیغه عقد، مهریه و مدت است. اما زنا بدون توجه به این شرایط (مثل نخواندن صیغه عقد) کاری صورت می گیرد. ۲. در ازدواج موقت نسبت به دختر باکره، اجازه پدر و یا جد پدری او لازم است؛ در نتیجه این کار با اطلاع خانواده و به دور از احساسات و پنهانکاری ها صورت می پذیرد. ۳. در ازدواج موقت، زن باید بعد از تمام شدن مدت عقد، عده نگه دارد؛ ولی در زنا این قانون وجود ندارد. ۴. در ازدواج موقت، مرد مسئولیت پذیر است و توابع این ارتباط را از جهت فرزنددار شدن احتمالی می پذیرد؛ در حالی که در عمل نامشروع این امر وجود ندارد. ۵. در ازدواج موقت، مرد مسئولیت پذیر است و توابع این ارتباط را از جهت فرزنددار شدن احتمالی می پذیرد؛ در حالی که در عمل نامشروع این امر وجود ندارد. ۶. در ازدواج موقت "روابط" براساس "ضوابط" شکل میگیرد و ارضای جنسی به صورتی نظام مند و قانونی، پاسخ داده می شود، در حالی که در زنا ضابطه ای وجود ندارد و غیرقانونی است.

پرسش ۳۴. آیا عقد و نکاح معاطاتی نیز جایز است؟ به عنوان مثال پسر انگشتری را در دست دختر کند، به قصد اینکه همسر یکدیگر شوند، بی

آنکه صیغه عقد بخوانند؟ همه مراجع: ازدواج معاطاتی، درست نیست و باید صیغه بخوانند. ۱

۱. تبریزی، صراط النجاه، ج ۱، س ۱۴۷۹؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۲۴۹؛ امام، نوری، فاضل و مکارم، التعليقات علی العروة، باب العقد و احکامه، م ۱؛ دفتر: بهجت، خامنه ای، سیستانی و وحید.

نگاه ناخود آگاه

پرسش ۳۵. با توجه به اینکه کلاس‌های دانشجویان دختر و پسر با هم برگزار می‌شود، طبعاً ناخودآگاه چشم انسان به دختران نامحرم می‌افتد: حکم آن در عهورتی که بدون قصد لذت باشد چیست؟

همه مراجع: اگر ناخود آگاه و بدون قصد لذت باشد، اشکال ندارد. ۱

گفت و گوی علمی با نامحرم

پرسش ۳۶. آیا صحبت کردن زن با مرد نامحرم که به نیت خیر و یا برای درس باشد، اشکال دارد؟

همه مراجع: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه باشد، اشکال ندارد. تبصره. گفت و گو با جنس مخالف اگر ادامه یابد، به طور معمول زمینه علاقه را ایجاد می‌کند. از این رو لازم است کنترل شود.

پرسش ۳۷. آیا زن در هنگام صحبت کردن با مرد نامحرم، حتماً باید صدای خود را تغییر دهد و مردانه صحبت کند؟

همه مراجع (به جز فاضل): خیر، این کار لازم نیست؛ ولی نباید لحن ۱. مکارم، ۱ استفتاءات ج ۲، ص ۱۰۳۶؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۲، س ۱۳۲۴؛ العروة الوثقی، ج ۲، (النکاح) ۲۷؛ امام، تحریر الوسیله ج ۲، (النکاح)، م ۲۷؛ نوری، استفتاءات، ج ۱، ص ۴۸۴؛ توضیح المسائل، م ۲۴۲۹؛ توضیح المسائل مراجع، ۲۴۳۳؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۰۰ و ۱۷۰۲ و ۱۷۰۳؛ وحید، توضیح المسائل، م ۲۴۴۲؛ دفتر: آیه الله خامنه ای. ۲. امام، استفتاءات، ج ۳، (نظر)، س ۵۲؛ بهجت، توضیح المسائل، م ۱۹۳۶؛ مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۸۱۹؛ تبریزی، استفتاءات، ۱۶۲۲؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، ص ۱۶۷۳؛ نوری، ۱ استفتاءات، ج ۲، س ۶۵۶؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، ۱۷۱۸؛ خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۴۵؛ العروة الوثقی، ج ۲، (النکاح) ۳؛ سیستانی، sistani.org، س ۲۰ و ۱۹؛ دفتر: آیه الله وحید. صدای خود را نیز نازک نماید، به طوری که مرد را تحریک نکند. ۱ آیه الله فاضل: خیر، این کار لازم نیست ۲ ولی بنابر احتیاط واجب نباید صدای خود را نیز نازک نماید، به طوری که مرد را تحریک نکند. ۲

چت با جنس مخالف

پرسش ۳۸. چت کردن با جنس مخالف و رد و بدل کردن صحبت‌های معمولی، چه حکمی دارد؟

همه مراجع: در صورتی که خوف فتنه و کشیده شدن به گناه وجود داشته باشد، جایز نیست. ۳

پرسشی ۳۹. حکم چت کردن با شخص را که از جنسیت او بی‌اطلاعیم، بفرمایید؟ همه مراجع: اگر ترس افتادن به حرام باشد، جایز نیست. ۴

نامه نگاری با نامحرم

پرسش ۴۰. نامه نگاری با نامحرم و طرح مسائل شهوانی از طریق ایمیل و یا چت، چه حکمی دارد؟

همه مراجع: طرح مسائلی که باعث ایجاد فتنه و فراهم آمدن زمینه فساد است، اشکال دارد. ۵. صافی، هداية العباد، ج ۲، ۱) لنکاح، م ۲۹؛ سیستانی، مهاج الصالحین، ج ۳، ۱) لنکاح، م ۲۹، نوری، مکارم و امام، تعلیقات علی العروء، ج ۲، (النکاح)، م ۳۹؛ دفتر: آیات عظام وحید، تبریزی، بهجت و خامنه ای. ۲. فاضل، تعلیقات علی العروء، ج ۲، (النکاح)، م ۳۹. ۳. سیستانی، سایت تبریزی، سایت، دفتر: همه مراجع. ۴. دفتر همه مراجع. ۵. امام، استفتاءات، ج ۳، سوالات متفرقه، س ۱۲۷؛ دفتر همه مراجع.

سلام کردن به نامحرم

پرسش ۴۱. آیا سلام کردن مرد به زن نامحرم و زن به مرد نامحرم، جایز است؟ همه مراجع: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد، اشکال ندارد.

تبصره. اگر جنس مخالف دختر جوان باشد، بهتر است به او سلام نکند تا از لغزش در گناه در امان باشد.

شوخی با نامحرم

پرسش ۴۲. شوخی کردن با نامحرم چه حکمی دارد؟

همه مراجع: اگر با قصد لذت (جنسی) باشد یا بترسد که به گناه بیفتد، جایز نیست. ۲.

اختلاط دانشجویان

پرسش ۴۳. آیا در محیط دانشگاهی اختلاط بین پسران و دختران، اشکالی دارد؟ همه مراجع (به جز بهجت، صافی): اگر نگاه گناه آلود انجام نشود و ترس افتادن به حرام نباشد، اشکال ندارد؛ ولی با وجود آن سزاوار است که مسوولان کشورهای اسلامی، برنامه‌ای برای جدا ساختن مراکز تحصیلی پسران و دختران تنظیم کنند. ۳۰

آیات عظام بهجت و صافی: با توجه به اینکه اختلاط دختر و پسر، در معرض فساد است، جایز نیست. ۴. العروء الوثقی، ج ۲، (النکاح)، م ۳۹ و ۴۱. ۲. العروء الوثقی، ج ۲، (النکاح)، م ۳۱ و ۳۹؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۷۲. ۳. خامنه ای، ۱. ستفتاء، س ۶۳۸؛ تبریزی، ۱. ستفتاءات، س ۱۵۹۲؛ مکارم، ۱. ستفتاءات، ج ۱، س ۸۱۳؛ امام، استفتاءات، ج ۳، (وظایف اجتماعی زنان)، س ۱۹؛ دفتر آیات عظام نوری، وحید، فاضل و سیستانی. ۴. صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۶۵۶ و ۶۵۷ و ۶۵۸ و دفتر: آیه الله بهجت.

جشن مختلط

پرسش ۴۴. برگزاری جشن‌ها و مراسم در دانشگاه که در آن دختر و پسرها مختلط اند، چه حکمی دارد؟

همه مراجع (به جز بهجت و صافی): اصل اجتماع دختر و پسرها در یک محیط فی نفسه اشکال ندارد؛ ولی اگر بانوان حجاب کامل را رعایت نکنند و آقایان نگاه گناه آلود داشته باشند و محرمات دیگری از قبیل موسیقی حرام و مانند آن انجام گیرد، اجتماع آنان در آن محل جایز نیست. ۱. آیات عظام بهجت، صافی: با توجه به اینکه اختلاط دختر و پسر، در این گونه اجتماعات در معرض فساد است، جایز نیست. ۲.

شرکت در تشکل مذهبی

پرسش ۴۵. در یک تشکل مذهبی فعالیت دارم که دختران و پسران در آن مختلط هستند! در بعضی مواقع احساس میکنم که ممکن است به گناه بیفتم، تکلیف چیست؟

همه مراجع: اگر ترس افتادن به گناه و مفسده در بین باشد، حضور در این تشکل ها جایز نیست. ۱۳. العروة الوثقی، ج ۲، (النکاح)، م ۴۹؛ خامنه ای، استفتاءات، س ۶۴۶ و ۶۳۸ و ۶۲۶، تبریزی، استفتاءات، س ۱۵۹۲ و ۱۵۹۴: مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۸۱۳ و ۸۰۵؛ امام، استفتاءات، ج ۳، (وظایف اجتماعی زنان)، س ۱۹، دفتر آیات عظام سیستانی، وحید، فاضل و نوری. ۲. صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۶۵۶ و ۱۶۵۷ و ۱۶۵۸ و دفتر آیه الله بهجت. ۳. خامنه ای، استفتاءات، س ۶۲۷؛ مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۸۰۵ و ۸۱۳، امام، استفتاءات، ج ۳، (وظایف اجتماعی زنان)، س ۱۹؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۶۶۴، تبریزی، استفتاءات، س ۱۵۹۲ و ۱۵۹۴: فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۷۵۵؛ نوری، استفتاءات، ج ۲، س ۶۷۴ و ۶۵۶؛ سیستانی، sistani.org، (عشق)، س ۵؛ دفتر آیات عظام وحید و بهجت.

اردوی دختر و پسر

پرسش ۴۶. آیا دانشجویان دختر و پسر می توانند به طور مشترک، به اردوهای تفریحی و سیاحتی مسافرت کنند؟

همه مراجع: با توجه به اینکه اختلاط دختران و پسران باعث مفسده است، باید از آن اجتناب شود. ۱

خلوت زن و مرد

پرسش ۴۷. آیا خلوت کردن دو نفر نامحرم در یک مکان جایز است؟ به طور مثال آیا دختر و پسری که می خواهند با یکدیگر ازدواج کنند، می توانند در اتاق درپینه و خلوت با یکدیگر در مورد مسائل آینده صحبت کنند؟

آیات عظام امام، خامنه ای و نوری: اگر کسی نمی تواند وارد آن مکان شود و آنان بترسند که به حرام بیفتند، ماندنشان در آنجا حرام است. ۲. آیه الله صافی: اگر کسی نمی تواند وارد آن مکان شود، ماندن آنان در آنجا حرام است؛ هر چند احتمال فساد ندهند و به گفت و گوهای علمی و ضروری مانند آن پردازند. ۳. آیه الله مکارم: اگر کسی نمی تواند وارد آن مکان شود، بنا بر احتیاط واجب ماندن آنان در آنجا حرام است؛ هر چند احتمال فساد ندهند و به گفت و گوهای علمی و ضروری و مانند آن پردازند. ۴. آیات عظام بهجت، سیستانی و وحید: اگر احتمال فساد برود، ماندن آنها در ۱. دفتر همه مراجع. ۲. توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۴۵؛ نوری، توضیح المسائل، م ۱ و ۲۴۴ و خامنه ای، استفتاءات، س ۶۲۷. ۳. توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۴۵. ۴. توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۴۵. آنجا حرام است: هر چند طوری باشد که کس دیگر بتواند وارد شود. ۱. آیات عظام فاضل، تبریزی: اگر کسی نمی تواند وارد آن مکان شود؛ در صورتی که احتمال فساد برود، ماندنشان در آنجا حرام است. ۲.

ارتباط شغلی

پرسش ۴۸. آیا ارتباط صمیمی بین دختر و پسر در هنگام همکاری و یا میهمانی، اشکال دارد؟

همه مراجع (به جز بهجت و صافی): دوستی بین دختر و پسر جایز نیست؛ چون ترس افتادن به گناه در میان است. اما ارتباط شغلی

اگر باعث مفسده نشود و موازين شرع در آن رعايت گردد، اشكال ندارد. ۳ آيات عظام بهجت، صافي: آري، جايز نيست. ۴

تدریس خصوصی

پرسش ۴۹. معاشرت با دختر عمو در حد استادی و تقویت درس، چه حکمی دارد؟ همه مراجع (به جز بهجت و صافی): دختر عمو مانند سایر زنان بر شما نامحرم است. پس اگر ترس افتادن به گناه و مفسده در بين باشد، ارتباط و معاشرت با او جايز نيست؛ (هر چند براي تقويت درسي باشد) ۵۰

آيات عظام بهجت و صافي: جايز نيست. ۶ توضيح المسائل مراجع، م ۲۴۴۵؛ وحيد، توضيح المسائل، م ۲۴۵۴؛ دفتر آيه الله بهجت. توضيح المسائل مراجع، م ۲۴۴۵. با استفاده از منابعي كه در عنوان "دوست داشتن نج! مخالف آمده" است. ۴. دفتر: آيات عظام بهجت و صافي. ۵. با استفاده از منابعي كه در عنوان "خلوت زن و مرد" آمده است. ۶. دفتر: آيات عظام بهجت و صافي.

دوست داشتن جنس مخالف

پرسش ۵۰. اظهار دوستی به جنس مخالف در این حد که بگوید من تو را دوست دارم، چه حکمی دارد؟

همه مراجع: این کار جايز نيست؛ چون ترس افتادن به گناه در ميان است. ۱

برخورد در ناکسی و بازار

پرسش ۵۱. گاهی در بازار، نمایشگاه و وسایل نقلیه زن و مرد به یکدیگر برخورد میکنند، در اینجا تکلیف چیست؟

همه مراجع: اصل تردد در مکان‌های یاد شده و یا تماس بدن زن و مرد با یکدیگر از روی لباس حرام نيست؛ ولي اگر ترس افتادن به گناه باشد و یا باعث تحريك شهوت و فساد گردد، جايز نيست. ۲. تبصره. اگر در تماس بدني، فشار و اتكا پيدا شود، بايد از آن پرهيز شود.

پرسش ۵۲. هرگاه در منطقه یا محیطی، رسم بر این باشد که هنگام برخورد با یکدیگر مصافحه میکنند (حتی زنان با مردان) و اگر این کار را ترک کنند، اهانت و اسائه ادب نسبت به طرف مقابل محسوب می شود؛ حکم دست دادن زن و مرد با این فرض چیست؟ همه مراجع: دست دادن با زن نامحرم جايز نيست وشعائر ديني بايد حفظ شود و

با تفهيم حکم شرعي، حمل بر اسائه ادب از بين مي رود. ۳. ۱. سيستاني، sistani.org، (عشق)، س ۱ و ۵ و مجت، س ۱؛ خامنه ای، استفتاء، س ۶۴۷۷۹، ۱ و ۶۵؛ صافي، جامع الاحكام، ج ۲، س ۱۶۶۱؛ دفتر همه مراجع. ۲. خامنه ای، استفتاء، س ۶۴۵ و ۴۹۱؛ مكارم، استفتاءات، ج ۱، س ۱۶۶۵؛ نوري، استفتاءات، ج ۱، س ۱۰۳۱، تبريزي، صراط النجاه، ج ۲، س ۱۵۲، العروة الوثقى، ج ۲، (النكاح)، م ۴۷؛ دفتر: آيات عظام وحيد، بهجت، فاضل، سيستاني و صافي. ۳. خامنه ای، استفتاء، س ۵۱۵؛ تبريزي، استفتاءات، س ۱۶۰۶؛ نوري، استفتاءات، ج ۲، س ۶۵۵؛

پرسش ۵۳. دست دادن با زن نامحرم به وسیله دستکش و مانند آن، چه حکمی دارد؟

آيات عظام امام و خامنه ای: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه باشد، اشكال ندارد؛ ولي بنابر احتياط واجب، نبايد دست را بر دست فشار دهند. ۱ آيات عظام بهجت، تبريزي، سيستاني، صافي، مكارم و وحيد: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه

باشد، اشکال ندارد. ۲. آیه الله فاضل: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه باشد، اشکال ندارد؛ ولی بهتر است دست را به دست فشار ندهند. ۳. آیه الله نوری: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه باشد، اشکال ندارد؛ ولی نباید دست را به دست فشار دهند. ۴.

پوشش زن

پرسش ۵۴. پوشش بدن برای زنان باید چگونه باشد؟

همه مراجع (به جز صافی): زن باید تمام بدن و موی خود را (به جز گردی صورت و دست ها تا مچ) در برابر مرد نامحرم بپوشاند. ۵. مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۸۱۸؛ صافی، جامع الأحکام، ج ۲، س ۱۶۶۰؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۷۱۷؛ بهجت، توضیح المسائل، م ۱۹۳۴؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، (النکاح)، م ۱۶؛ امام، تحریر الوسیله، ج ۲، (النکاح)، م ۲۰؛ دفتر آیات عظام وحید. ۱۱ امام، تحریر الوسیله، ج ۲، (النکاح)، م ۲۰؛ خامنه ای؛ استفتاءات، س ۴۷۹. ۲. تبریزی، استفتاءات، س ۱۶۰۶، مکارم، تعلیقات علی العروه، (النکاح)، م ۴۰؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، (النکاح)، م ۱۶؛ صافی، هداية العباد، ج ۲، (النکاح)، م ۲۰؛ دفتر آیات عظام وحید و بهجت. ۳- فاضل، تعلیقات علی العروه، ج ۲، (النکاح)، م ۴۰۴۰. نوری، تعلیقات علی العروه، (النکاح)، م ۴۰. ۵. فاضل، امام، سیستانی، نوری و مکارم، تعلیقات علی العروه، (الستر)، خامنه ای، استفتاءات، س ۵۶۸؛ تبریزی، استفتاءات، س ۱۶۱۱ و توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۳۵؛ دفتر آیات عظام بهجت و وحید. آیه الله صافی: زن باید تمام بدن و موی خود را در برابر نامحرم بپوشاند و بنابر احتیاط واجب، باید دست و صورت را نیز بپوشاند. ۱

پرسش ۵۵. پوشیدن لباس های تنگ و تحریک کننده - که برجستگی های بدن زن در آن پیدا است - چه حکمی دارد؟

همه مراجع: پوشیدن این نوع لباس ها (در فرض مذکور) جایز نیست و باید آنان را با چادر یا مانتوی مناسب و گشاد بپوشاند. ۲.

عطر زن

پرسش ۵۶. آیا برای زن جایز است که عطر بزند و از منزل بیرون رود؟ همه مراجع: اگر باعث جلب توجه نامحرم شود، جایز نیست. ۳.

آرایش دختران

پرسش ۵۷. آرایش برای دختران چه حکمی دارد؟

همه مراجع: این کار فی نفسه برای آنان اشکال ندارد (هر چند زینده نیست)؛ ولی باید صورت را از نامحرم بپوشانند. ۴. صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۶۹۶. ۲. مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۱۵۳ و ۱۵۶؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۲۹؛ سیستانی، (sistani.org)، حجاب، (س ۵؛ امام، استفتاءات، ج ۳، (احکام حجاب)، س ۲۷؛ نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۴۸۵؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۷۰۸؛ خامنه ای، اجوبه الاستفتاءات، س ۱۳۶۴ و ۱۳۶۷؛ تبریزی، استفتاءات، س ۱۵۹۰؛ دفتر آیات عظام وحید و بهجت. ۳. خامنه ای، استفتاءات، س ۶۶۷؛ مکارم، استفتاءات، ج ۱، ص ۷۹۷؛ تبریزی، استفتاءات، س ۶۱۶؛ نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۱۰۳۳، دفتر آیات عظام وحید، صافی، بهجت، امام و فاضل. ۴. با استفاده از منابعی که در عنوان "آرایش چهره" آمده است.

رنگ ابرو

پرسش ۵۸. آیا رنگ کردن ابرو زینت بوده و پوشاندن آن از نامحرم واجب است؟ آیات عظام امام، خامنه ای، فاضل، وحید: اگر زینت محسوب شود، پوشاندن آن از نامحرم واجب است. ۱

آیات عظام بهجت، تبریزی، صافی: پوشاندن آن از نامحرم واجب است. ۲ آیات عظام سیستانی، مکارم، نوری: جزء زینت ممنوع محسوب نمی شود و پوشاندن آن از نامحرم واجب نیست. ۳

اجازه پدر

پرسش ۵۹. آیا در ازدواج با دختر باکره، اجازه پدر یا جد پدری واجب است و اگر بدون اجازه عقد بخوانند، عقدشان باطل است؟

آیات عظام امام، تبریزی، سیستانی، نوری: آری، باید با اجازه پدر یا جد پدری دختر باشد و بدون اجازه او عقد باطل است. ۴ آیات عظام بهجت، فاضل: از نظر تکلیفی، احتیاط واجب آن است که با اجازه پدر یا جد پدری باشد، ولی اگر بدون اجازه عقد بخوانند، عقد باطل نیست. ۵ آیات عظام خامنه ای، صافی، مکارم و وحید: بنا بر احتیاط واجب، باید با اجازه او باشد و اگر بدون اجازه عقد بخوانند بنا بر احتیاط واجب، عقد باطل است. ۶. ۱. خامنه ای، سایت، نگاه؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۷۰۷؛ دفتر امام خمینی. ۲. صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۶۸۳؛ دفتر آیات عظام بهجت و تبریزی. ۳. سیستانی، sistani.org، (زینت)، س ۱ و ۱۷ و ۱۸؛ مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۸۰۲: نوری، تما استفتاءات، ج ۱، س ۵۴۲ و ۴۹۱. ۴. امام، استفتاءات، ج ۳، اولیاء العقد، س ۴ و ۲۷؛ تبریزی، استفتاءات، ص ۱۵۴۷ و ۱۵۱۲ و ۱۵۵۶؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، النکاح، م ۷۰؛ دفتر نوری. ۵. بهجت، توضیح المسائل، م ۱۸۹۱؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۴۳۸ و تعلیقات علی العروء، ج ۲، النکاح، فصل فی اولیاء العقد، م ۱. ۶. خامنه ای، ۱ استفتاء، س ۷۹۸؛ مکارم، تعلیقات علی العروء، ۱ اولیاء العقد، م ۲؛ وحید، منهاج الصالحین،

دختر غیر باکره

پرسش ۶۰. اگر دختر بکارتش را در دوران کودکی از دست داده باشد (البته نه از راه نامشروع؛ بلکه مثلاً با بازی و ورزش)، آیا در ازدواج با او، اجازه پدر شرط است؟

همه مراجع: این دختر حکم دختر باکره را دارد. ۱

دختر مستقل

پرسش ۶۱. آیا دختری که درآمدی دارد و مستقل است، می تواند بدون اجازه پدرش ازدواج کند؟

همه مراجع (به جز امام): احتیاط واجب آن است که با اجازه پدر یا جد پدری دختر باشد. ۲ امام باید با اجازه پدر یا جد پدری دختر باشد. ۳

پرسش ۶۲. دختری که بیش از سی سال دارد و هنوز باکره (دوشیزه) باقی مانده است: آیا برای ازدواج نیاز به اجازه پدر است؟

همه مراجع: بالا- بودن سن دختر، اعتبار اذن پدر یا جد پدری را ساقط نمی کند. ۴۰. ۵. ج ۳، م ۱۲۳۷ و دفتر صافی. ۰۱ امام، فاضل، نوری و مکارم، تعلیقات علی العروء، اولیاء العقد، م ۲؛ وحید، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۱۲۳۷؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، ۱

ولیات العقد، م ۷۰؛ تبریزی، منهاج الصالحین، اولیاء العقد، م ۱۲۳۷؛ خامنه ای، استفتاء، س ۸۴؛ بهجت، توضیح المسائل، م ۱۸۹۱؛ دفتر آیه الله صافی. ۲. توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۷۶؛ تبریزی، منهاج الصالحین، ج ۲، م ۱۲۳۷؛ وحید، توضیح المسائل، م ۲۴۴۰ و خامنه ای، استفتاء، س ۸۳۵. ۳. توضیح المسائل مراجع، م ۲۳۷۶. ۴. دفتر همه مراجع.

پرسش ۶۳. اگر دختر بگوید: پدر و مادرم رضایت قلبی به ازدواج دارند؛ آیا می توان - بدون اذن پدر - با وی ازدواج کرد؟

همه مراجع: در اذن پدر، اظهار لازم است و رضایت قلبی کافی نیست. ۱

اجازه پسر

پرسش ۶۴. آیا در ازدواج پسر، نیاز به اجازه پدر است؟

همه مراجع: اگر به حد بلوغ و رشد رسیده است، نیاز به اجازه و رضایت پدر نیست؛ ولی با وجود آن بهتر است، موافقت او را به دست آورد. ۲

پرسش ۶۵. آیا صیغه عقد، در صورتی که بعداً رضایت پدر جلب شود، درست است و آن! دختر محرم و همسر شرعی آن پسر محسوب می شود؟

همه مراجع: اگر شرایط عقد رعایت شود و پدر دختر بعد از آگاهی آن را اجازه دهد، عقد صحیح است ۳۰

نگاه خواستگاری

پرسش ۶۶. مرد تا چه اندازه می تواند به بدن زن، هنگام خواستگاری نگاه کند (البته با رعایت شرایط خاص خود)؟

آیات عظام امام، خامنه ای، فاضل: می تواند به بدن دختر نگاه کند: هر چند ۱. تبریزی، استفتاءات، س ۱۴۵۷ و صراط النجاه، ج ۱، س ۸۲۶؛ سیستانی، سائیت، موقت، س ۳۳؛ امام، استفتاءات، ج ۳، اولیاء العقد، س ۱۹؛ خامنه ای، استفتاء، س ۸۷؛ مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۹۱۷ و دفتر: بهجت، فاضل، وحید، صافی و نوری. ۲. العروة الوثقی، ج ۲، کتاب النکاح، اولیاء العقد، م ۳۱۰. خامنه ای، استفتاء، س ۹۲؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، ص ۲۷۲؛ تبریزی، استفتاءات، س ۱۵۴۷؛ امام، استفتاءات. ج ۳، اولیاء العقد، س ۴ و نوری، توضیح المسائل، م ۲۳۷۲؛ بهجت، توضیح المسائل، م ۱۸۹۱ و فاضل، تعلیقات علی العروة، اولیاء العقد، م ۱ و دفتر: آیات عظام سیستانی، مکارم و وحید. احتیاط مستحب است که تنها به دست و صورت و پاها، مو و مقداری از بدن (مانند گردن و بالای سینه) اکتفا کند. ۱ آیات عظام بهجت، تبریزی، سیستانی و مکارم: تنها می تواند به دست و صورت، پاها، مو و مقداری از بدن (مانند گردن و بالای سینه) دختر نگاه کند ۲۰ آیه الله صافی: بنا بر احتیاط واجب، تنها به صورت و دست ها تا میچ اکتفا کند ۳۰ آیه الله نوری: می تواند به دست و صورت، پاها، مو و مقداری از بدن (مانند گردن و بالای سینه) دختر نگاه کند و اگر نتواند از خصوصیات سایر بدن، از روی لباس آگاهی یابد، نگاه به تمام بدن جایز است. ۴

پرسش ۶۷. استاد ما بد حجاب است و حجاب شرعی را رعایت نمیکند و در هنگام نوشتن مطالب روی تخته سیاه، دست و موهای سر او، بیش از اندازه ظاهر می شود، تکلیف ما چیست؟

آیات عظام امام، خامنه ای، صافی، فاضل و نوری: نگاه به او هر چند بدون قصد لذت، اشکال دارد. ۵ آیه الله بهجت: نگاه به او، هر

چند بدون قصد لذت، جایز نیست. ۰۱ امام، تحریر الوسیله، ج ۲، النکاح، م ۲۸؛ فاضل، تعلیقات علی العروۃ، ج ۲، النکاح، م ۲۶ و خا منه ای، استفتاء، س ۲۵۲۵. مکارم، تعلیقات علی العروۃ، النکاح، م ۲۶؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۲، النکاح، م ۲۸؛ تبریزی، استفتاءات، س ۱۵۸۰، النکاح، م ۲۸؛ بهجت، توضیح المسائل، م ۹۴۴. ۱. ۳ صافی، هداية العباد، ج ۲. ۴. نوری، تعلیقات علی العروۃ، النکاح، م ۲۶. ۵. امام، فاضل و نوری، تعلیقات علی العروۃ الوثقی، (النکاح)، م ۲۷؛ خامنه‌ای، استفتاء، س ۵۱۶ و ۵۸۲؛ صافی، هداية العباد، ج ۲، (النکاح)، م ۲۷؛ و دفتر: آیه الله بهجت. آیات عظام تبریزی، سیستانی، صافی، مکارم و وحید: اگر از زنان بی باکی است که او را امر به حجاب کنند، اعتناء نمی کند؛ نگاه به او - بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام - اشکالی ندارد. ۱

پرسش ۶۸. با وضعی که زنان بیرون می آیند و ما نیز مجبوریم به کوجه و خیابان برویم و چشم مان به آنان می افتد، تکلیف چیست؟

همه مراجع: نگاه اتفاقی به بدن و موی آنان حرام نیست؛ ولی باید از نگاه عمدی (و پیوسته) اجتناب کرد. ۲ تبصره. نگاه به زنان بی بند و بار حکم خاصی دارد که در "نگاه به بی حجاب" آمده است.

نگاه به زیبایی ها

پرسش ۰۶۹ اگر انسان همان طور که از دیدن باغ و گلستان لذت می برد، از نگاه کردن به چهره زن لذت ببرد؛ آیا این کار حرام است و مصداق قصد لذت به حساب می آید؟

همه مراجع: این گونه نگاه ها چون جنبه لذت جنسی دارد، جایز نیست. ۱. ۳. سیستانی، توضیح المسائل مراجع، م ۲۴۳۴؛ تبریزی، التعلیقه علی منهاج الصالحین، (النکاح) م ۱۲۳۲؛ مکارم، استفتاءات ج ۲، س ۱۰۲۹، ۱۰۳۹ و تعلیقات علی العروۃ الوثقی، (النکاح)، م ۲۷؛ وحید، توضیح المسائل، م ۲۴۴۳. ۲. مکارم، استفتاءات، ج ۲، س ۱۰۳۶؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۲، س ۱۳۲۴؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۰۲ و ۱۷۰۳؛ العروۃ الوثقی، ج ۲، (النکاح)، م ۲۷؛ امام، تحریر الوسیله، ج ۲، (النکاح)، م ۲۷؛ نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۴۸۴؛ سیستانی، منهاج الصالحین، ج ۳، م ۲۶؛ دفتر: آیات عظام وحید، بهجت و خامنه ای. ۳. مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۷۹۹ و تبریزی، صراط النجاة، ج ۵، س ۱۲۷۴ و دفتر: همه مراجع.

عکس و فیلم آموزشی

پرسش ۷۰. نگاه کردن به عکس های عریان موجود در کتاب های پزشکی که آموزش آن برای دانشجویان ضروری است، چه حکمی دارد؟

همه مراجع: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به حرام باشد، اشکال ندارد. ۱ تبصره. فرض مساله جایی است که نگاه به عکس های یاد شده، جهت آموزش برای دانشجویان ضروری باشد.

عکس و فیلم مبتذل

پرسش ۷۱. نگاه به فیلم های مبتذل که بیشتر زنان غیر مسلمان در آن بازی میکنند - در صورتی که موجب تحریک انسان نشود - چه حکمی دارد؟

همه مراجع (به جز تبریزی و سیستانی): با توجه به اینکه دیدن این گونه فیلم ها به طور معمول شهوت برانگیز و مقدمه ارتکاب گناه می باشد، نگاه به آنها حرام است. ۲ آیه الله تبریزی: نگاه به فیلم هایی که موجب تحریک شهوت بر حرام یا ترویج فساد در جامعه

باشد، جایز نیست. ۳. ۱. خامنه ای، اجوبه‌الاستفتاءات، س ۱۳۱؛ مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۷۸۹؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۲۰۹۳؛ نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۹۳۱؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۰۷؛ بهجت، احکام و استفتاءات پزشکی، ص ۳۱، س ۱۲؛ امام، استفتاءات، ج ۳، (نظر)، س ۴۹ و ۵۰؛ عظام سیستانی و وحید. ۲. خامنه ای، اجوبه‌الاستفتاءات، س ۱۱۸۷؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۱۷ و ۱۶۰۵؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۷۲۹ و ۱۷۳۱؛ مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۷۷۸ و ۷۸۲ دفتر: آیات عظام نوری و امام، بهجت، وحید. ۳. تبریزی، استفتاءات، س ۱۶۰۳ و ۱۶۰۵ و صراط النجاة، ج ۵، س ۱۱۲۹. آیه الله سیستانی: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه نیز باشد، بنا بر احتیاط واجب نگاه به زنان جایز نیست. ۱

فیلم های صدا و سیما

پرسش ۷۲. نگاه به فیلم های ایرانی و خارجی که در آنها حجاب رعایت نمی شود و از صدا و سیما پخش می شوند، چه حکمی دارد؟

همه مراجع: اگر بدون قصد لذت و ترس افتادن به گناه باشد و باعث مفاسد و انحرافات اخلاقی نشود، اشکال ندارد. ۲

فیلم تحریک زناشویی

پرسش ۷۳. آیا زن و شوهر برای تحریک جنسی، می توانند به فیلم های سکس و مبتذل نگاه کنند؟

همه مراجع (به جز تبریزی): خیر، تحریک شهوت به وسیله فیلم های مبتذل و جنسی، جایز نیست. ۳. آیه الله تبریزی: نگاه به فیلم هایی که باعث تحریک شهوت بر حرام و یا ترویج فساد در جامعه می شود، جایز نیست. ۴. ۱. سیستانی، sistani.org، (فیلم)، س ۴؛ ۲. خامنه ای، اجوبه‌الاستفتاءات، س ۱۱۹۴ و ۱۲۰۶؛ مکارم، استفتاءات، ج ۱، س ۷۷۵ و ۷۷۲؛ فاضل، جامع المسائل، ج ۱، س ۱۷۲۶ و ۱۷۲۷؛ نوری، استفتاءات، ج ۱، س ۴۵۰ و ۴۵۲؛ بهجت، توضیح المسائل، (متفرقه)، م ۲؛ امام، استفتاءات، ج ۳، (نظر)، س ۱۵ و ۱۹؛ تبریزی، استفتاءات، س ۱۰۸۱ و ۱۶۰۳؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۷۰۸ و ۱۷۱۹؛ سیستانی، sistani.org، (فیلم)، س ۸؛ دفتر آیه الله وحید. ۳. خامنه ای، اجوبه‌الاستفتاءات، س ۱۲۰۳؛ صافی، جامع الاحکام، ج ۲، س ۱۳۲۹؛ نوری، استفتاءات، ج ۲، س ۵۵۴؛ سیستانی، sistani.org، (فیلم)، س ۳؛ دفتر: آیات عظام وحید، بهجت، امام، فاضل، مکارم. ۴. تبریزی، صراط النجاة، ج ۵، س ۱۱۲۹ و ج ۱، س ۸۹۴ و ۸۹۵.

ارضای شهوت با فیلم

پرسش ۷۴. اگر با مشاهده فیلم های شهوت انگیز، مقداری از شهوت انسان فروکش کند و در جلوگیری از ارتکاب حرام موثر باشد، چه حکمی دارد؟ آیا مشاهده آن به این منظور جایز است؟

همه مراجع: نگاه به این فیلم های شهوت برانگیز، جایز نیست و توجیه یاد شده، مجوز ارتکاب حرام دیگر نمی شود. ۱. ۱. خامنه ای، اجوبه‌الاستفتاءات، س ۱۱۹۲؛ تبریزی، صراط النجاة، ج ۵، س ۱۱۲۹؛ سیستانی، sistani.org، (تصویر)، س ۴؛ دفتر: همه مراجع.